# ژوندون

اطلاعات و کلتور

۱۶ عقرب ۱۳۶۰ - ۷-نوامبر ۱۹۸۱

LIBRARY OF CONGRESS
6
DEC 28 1981
CONT. COPY
ORDER DIVISION

سال ۳۳
شماره ۳۱- ۳۲
قیمت یك شماره - ۱۳- افغانی

دافغا نستان د خلك دمو كراتيك گوند دمركزی كميتی عمومی منشی اودانقلابی شورا رئيس ببرك كارمل كله‌چی دمالی او حسابی چارود سيمينار برخه وال‌يی منلی‌او دهغوی سره خبری كوی .

# اختصار وقايع مهم هفته

د افغانستان د دمو كراتيك جمهوريت د انقلا بی شورا رئيسه هيات‌دعقرب‌په۳نيته له‌غرمی‌وروسته دافغا نستان د خلك د دمو كراتيك گوند د مركزی كميتی د عمومی منشی اود انقلا بی شورا د رئيسه هيات صدر ببرك كار مل‌په‌مشری‌دانقلابی شورا په مقر كی غونډه وكړه .

• • •

با پيام ببرك كار مل منشی عمومی كميته مركزی حزب دموكراتيك‌خلق افغانستان ورئيس شورای انقلا بی جمهوری دمو كراتيك افغانستان كه از طر يق راديو و تلويزيون انتشار يافت سی و ششمين‌سالگرد مؤسسه ملل متحد روز ۲ عقرب در سرا سر كشور تجليل شد .

• • •

د افغا نستان د خلك دمو كرا تيك گوند د مركزی كميتی‌د عمومی منشی اود افغانستان‌ددموكراتيك جمهوريت دانقلابی شورا د رئيس ببرك كار مل په نامه دهند د صدرا عظمی ميرمن اندراگاندی له خوا هغه و خت چی ددوی د سپر لی الو تكه د افغانستان لـه فضا خخه تيـر يدله تلگـرام زاليږل شويدی .

• • •

ببرك كار مل منشی عمومی كميته مركزی حزب دمو كراتيك خلق افغا- نستان و رئيس شورای انقلا بـی جمهوری دمو كراتيك افغانستان‌عصر روز ۱۱ عقرب اندراجيت گو پتـا سكر تر جنرال اتحاديه های كارگری سراسر هند و عضو هيات اجرائيه شورای مر كزی حزب كمو نست و رئيس فركسيون پار لمانی هنـدو مهندرا سكرتر جنرال اتحاديه های كار گری ايالت اندرا پرد يش و عضو كميته كار اتحاديه‌های كارگری سراسر هند را برای ملاقات در مقر شورای انقلابی پذيرفتند .

• • •

د افغا نستان د خلك دمو كراتيك گوند د مركزی كميتی عمومی منشی او د انقلابی‌شورا رئيس ببرك كارمل دعقرب په ۱۲ نيته مابنام د ولايتی، ښاری مالی‌اواداری‌چارو د مسوولينو ددولتی اطلاعاتو دخدماتو ،خارندوی او وسله وال پوځ د ما لی مسوولينو دلومړی سيمينار بر خه وال دانقلابی شورا مقرد گلخانی په مانی كی‌ومنل اودملگرتيا په فضا كی يی له هغوی سره خبری وكړی .

دملگرو ملتو د جوړيدو دشپـږ ديرشمی كاليزی د ۱۹۸۱ كال د اكتوبر د ۲٤ له امله د افغا نستان‌د خلك دمو كراتيك گوند د مركز ی كميتی د عمومی منشی‌اود افغانستان ددموكراتيك جمهوريت د انقلا بی شورا د رئيس ببرك كار مل پيغام‌د عقرب په ۱نيته شپه دوزيرانو شورا دمرستيال او داطلاعا تو ا و كلتور دوزير عبدالمجيد سر بلند لخوا پـه راديو او تلويزيون كی ولو ستـل شو .

• • •

دافغا نستان د خلك د مو كراتيك گوند د مركز ی كميتی عمو مـی منشی د افغا نستان د دموكرا تيك جمهو ريت د انقلا بی شورا رئيس ببرك كارمل‌دعقرب په۱۲ نيته‌مازيگر دبلغاريا د كمو نست گوند د مركزی كميتـی د ارگان نيچسكـو ډيلـی خبر يال پيتر بو چوكوف د مر كی نپاره دانقلابی شورا په‌مقركی ومنه.

• • •

دافغانستان د خلك د دمو كراتيك گوند د مركزی كميتی‌دعمومی منشی اودانغا نستان‌ددمو كراتيك‌جمهوريت دانقلابی شورا د رئيس ببرك كارمل لخوا د ملگرو ملتو د سازمان دجوړ- يدو د شپږ ديرشمی كاليزی له امله نيو يارك ته ددغه‌سازمان د سرمنشی ډاكتر كورت والد هايم په نامه د مبارك كی تيلگرام مخا بره شويدی.

• • •

سلامهای گرم ببرك كار مل منشی عمومی كميته‌مركزی‌حزب دموكراتيك خلق افـغانستان و رئيس شورای انقلابی جمهور ی دمو كراتيك افغا- نستان روز ۱۳ عقرب توسط بريد- جنرال گل آقا رئيس عمومی امـوز سياسی قوای مسلح بـه افسران، خورد ضا بطان‌وسر بازان قوماندانی قوای عسكری هرات و پيلوتـان قوای هوايی آن ولايت رسا نيـده شد.

دافغا نستان د خلك دمو كراتيك‌گوند دمركزی كميتی عمومی منشی‌اودانقلابی شورا رئيس ببرك كارمل دبلغاريا دكمو نست گوند دمركزی‌كميتی دارگان دخبر يال سره‌دمركی‌په حال كی .

ببرك كارمل منشی عمومی کمیته‌مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغا نستان و رئیس شورای ا نـقلابـی جمهوری دمـو کراتیـك افغا نستان اندراجیت گوپتا و مهندرا را برای ملاقات پزیرفتند .

اسلم وطنجار ،عبدالرشید آرین اوشاه محمد دوست دبو نیف پـــه‌هغه میلمستیا کی‌چی دم.م دموسسی د جوړیدو د شپږ دیرشمی کالیزی د نمانځنی له املـه جوړه شوی وه‌د خبرو په حال کی لیدل کیږی .

د افغا نستان د پلار وطنی ملی جبهی دکابل ښارښاری کمیته‌دعقرب په۷نیته په‌هغه درنده اوستره‌جرگه کی چی د پلار وطنی ملی جبهی‌د ملی کمیتهی په مقز کی وشوه جوړه‌شوه.

د پلار وطنی ملی جبهی د ښا ری کمیتهی دجوړ یدو د لومړی جر گی کار دعقرب په ۷نیته دسهار په‌اتو بجود کلام الله مجید دځو آیتو نوله لوستلو وروسته‌دافغا نستان ددمو- کراتیك جمهوریت د ملی سرود په خپر یدو سره پیل شو او په هغه‌کی دافغانستان د خلك د دمو کراتیك گوند د مرکزی کمیتهی د سیا سی بیرو غړی او منشی او د پلار وطنی ملی جبهی د ملی کمیتهی رئیس‌ډاکتر صالح محمد زیری د جر گی اساسی وینا ولو ستله چی د حاضرینو پـه چکچکو سره بدر گه شوه .

• • •

د ملگرو ملتو د موسسی دجوړیدو شپږ دیرشمه کالیزه په کابل کـــی دیوی غرمنی میلمستیا په ترڅ کی‌په افغانستان کی د هغی موسسی د پرمختیا یی پروگرامونوداداری لخوا ولمانځل شو ه .

• • •

ورکشاپ مطالعات قبل از سرمایه گذاری پروژه های‌صنعتی‌به مساعدت اداره پروگرام های انکشا فی ملـل متحد در کابل ۱۳ عقرب در وزارت معادن و صنا یع گشا یش یافت .

• • •

فضل الرحیم مومند وزیر زراعت‌و اصلا حات ارضی در راس هیا تـی برای اشتراك در جلسات بیست و یکمین کنفرانس عمومی م و سسه مواد خورا که و زراعت جهان روز۱۳ عقرب عازم ایتا لیا شد .

وزیـر معادن و صنایـــع هنگام‌افتتاح ورکشـاپ مطالعات قبـل ازسرمایه گذاری پروژه های صنعتـی‌در وزارت معادن و صنایع .

# پیک ژوندون

جوانان آگاه کشور

باگذشت زمان پس از اجرای هروظیفهٔ تاریخی، هم برتوان شما افزود می گردد و هم وظایف سنگین تری بدوش شما سپرده میشوداجرای همه وظایف مستلزم کار ومبارزهٔ پیگیر وهمه جانبه که درراه آن باید تمام نیروی‌سرشار شمابمثابهٔ مشت فولادین متشکل‌گردد، می باشد .

شنبه ۱۶ عقرب ۱۳۶۰ - ۷ - نوامبر ۱۹۸۱

# روزعاشورا

روز شانزدهم عقرب مصادف به دهم‌محرم الحرام روز عاشورا بوده همهٔ مسلمانان جهان این روز را منحیث تراژیدی عالم اسلام یعنی روز شهادت بر گزیده ترین نواسه پیغمبر اکرم (ص)تجلیل نموده و درسوگ می‌نشینند .

دهم عاشورا روزی است که درآن در حدود هفتاد سال پس از ظهور دین مقدس اسلام پاسداران حق و حقیقت تحت رهبری حضرت امام حسین (رض) نواسه پیا مبر خدا (ج) علیه یزید و یزیدیان به نبرد برخاستند و بخاطر دفاع از حق و عدالت خون های پاك خودرا در میدان سوزان‌کربلا ریختند ودلیرانه و قهرمانانه‌جام شهادت نوشیدند .

حادثه خونین کربلا در آوانی رخ میدهدکه دورهٔ خلافت اسلام بعداز خلیفه چهارم به اموی ها میرسد و امور خلافت که قبلاانتخابی بود به میراثی تبدیل می‌گردد وامرای وقت برای خود مقام ودر بار ساخته و مغرور از شان وشوکت در بار در تنعم و تعیش غرق گردیده و شیوهٔ ستمگرانه وجابرانه دربرابر مردم اختیار مینمایند جای صلح وسلم - عدالت و مساوات انسانیت وشرافت را ظلم، ستم - جهالت وفساد می گیرد .

درچنین اوضاع واحوالی حضرت امام‌حسین این پاسدار حق و عدالت نمی تواندکه تحت سلطه چنین نظام جابروشیوه های غیرانسانی یزیدیان که اصول و موازین قانون اسلام را زیر پا نموده و در زیر نقاب اسلام بر توده های مردم حکمرانی می‌کردند و ظلم‌وستم را بر آنها روا میداشتند زندگی نماید بناء بخاطر دفاع از حق و عدالت وایجاد یک زندگی انسانی در برابر این بیعدالتی وجبر وستم یزیدیان قیام کرد ودر میدان کربلا با پیروان خود در یك جنگ نابرابر ازدست لشکریان یزید جام شهادت نوشید وتراژیدی عالم اسلام بوجود آمد .

از آنزمان تا کنون دهم محرم یا روز عاشورا همه ساله توسط مسلمانان جهان تجلیل می‌گردد و مسلمانان در سوگ آن می نشینند و خاطرهٔ آنرا گرامی میدارند .

مردم متدین ما این روز را با همه بزرگی و اهمیتی که دارد بحیث یك سنت تاریخی طی مراسم خاصی در تکیه خانه هابرگزار می‌نمایند امسال چنین محافل سو گواری مذهبی مردم متدین ما در شرایطی تدویرو بر گزار می‌گردد که دشمنان مردم‌و انقلاب ما در زیر پرده دفا ع از اسلام مرتکب‌اعمال ننگین و جنایات ضد انسانی در برابر مردم مسلمان‌ماگردیده وضداسلام‌واسلامیت، انسان و انسانیت‌عمل میکنندست به‌قتل وکشتارهزارها طفل‌وزن‌ومردبی‌گناه می‌زنند بناء وموسسات عامه از قبیل مکاتب - مساجد -پل هاوعمارت رانخریب می‌کنند -می سوزانند و چنان ظلم وقساوت وجهالتی را علیه مردم مسلمان‌ما انجام میدهند که یزیدیان می‌کردند در حالیکه مردم متدین مابخوبی‌درك‌کرده‌اندکه‌حزب ودولت انقلابی ما زمینهٔ هر گونه اجرای مراسم دینی و مذهبی را برای‌مردم مسلمان ما آماده‌ساخته وبه آئین و عقاید دینی مردم احترام عمیق دارد چنانچه در مادهٔ پنجم اصول اساسی ج.د.ا. چنین می خوانیم : در جمهوری دموکراتیك افغا نستان احترام ، رعایت و حفظ دین مبین اسلام تامین می‌شود واجرای‌مراسم دینی و مذهبی برای تمام مسلمانان تضمین می‌گردد . دولت به فعالیت های وطنپرستانه روحانیون و علمای دینی در اجرای وظایف و مکلفیت های شان کمك و مساعدت مینماید.

مادر حالیکه مقدم این روز مبارك راگرامی میداریم وبه ارواح‌پاك شهدای کربلای معلا درود و تحیات فراوان می‌فرستیم امیدواریم که مردم مسلمان ما از برکت این روز فرخنده از شر این یزیدیان تیپ جدید که ماسك دروغین دفاع از اسلام را برخ کشیده وعلیه منافع مردم میهن و انقلاب ما عمل می‌کنند یکسره نجات یابند ودست های کثیف دشمنان انقلاب ثور از دامان پاك وطن محبوب ما قطع گردد وزحمتکشان ما در صلح وامنیت بسر برند .

# خاطره‌سوم‌عقرب‌را گرامی میداریم

تاریخ مبارزات آزاد یخواهی مردم دلیر و سلحشورمامشحون ازحوادث‌ورخدادهایی‌است‌که همه و همه بیانگر شهامت و قهرمانی و رزمجویی مردم ما دربرابر قدرت های مستبدو ستگمر تاریخ است . مردم آزادهٔ کشور ماطی مبارزات پر شور و نبرد بی امان خود درطول تاریخ در جهت حصول آزادی و تامین دموکراسی و به خاطر بر قرار نمودن عدالت اجتماعی قربانی های فراوان داد ماند جنبش‌های‌مشروطه خواهی اول و دوم قیام رهایی بخش ملی علیه استعماربریتانیای‌کبیرجنبش محصلان‌دورهٔ‌هفتم ثورا مثال های برجسته ای است که در تاریخ معاصر کشور ما صفحات زرین آنرا تشکیل می دهد مگر جنبش خونین سوم عقرب که شانزده سال قبل از امروز به اشتراك کارگران ،جوانان محصلان، روشنفکران پیشه وران و شهریان کابل صورت گرفت درین میان بر جسته تر- المناك تروفراموش ناشدنی است .

بقیه در صفحه ٥٤

## در این شماره


درسهایی از انقلاب اکتوبر .

• • •

شمله وپکتون یاکانون دیگری در تربیت و پرورش اطفال زحمتکشان کشور .

• • •

غذا واهمیت آن در وجود .

• • •

تاسیس وایجاد پرورشگاه وطن قدم بزرگی درراه پرورش اطفال بی سرپرست وطن .

• • •

گردهم آیی های اختصاصی ژوندون .

• • •

مارتین لوترکنگ رهبرسیاهان چگونه بقتل رسید .

• • •

داستان فیل در روسیه .

• • •

جنبش دموکراتیك بین المللی زنان درمرحلهٔ کنونی .

• • •

سوابق تاریخی سیستان .

• • •

گهواره صلح وخوشبختی در دست مادران قرار دارد .

• • •

آیا سرطان میتواند از قرن بیست به قرن بیست ویکم نفوذ کند ؟

• • •

احیای ملیتاریزم در جاپان .

• • •

شرح روی جلد : آله پوگاچو ستارهٔ مشهور تلویزیون اتحاد شوروی .

شرح پشتی‌چارم: نمایی ازمرادخانی- نقاشی استاد امید .

# تبصره

س از حقیقت انقلاب ثور

# درس‌هایی از انقلاب اکتوبر

ز ی انقلاب کبیر سو سیا- اکتو بر ، سر آغا ز فصل ر زند گی بشر یت ورویداد ظیم و شگر فی در تما میت جها ن است . این انقلا ب خداد و مسالهٔ مربو ط به و خلقها ی آن سر زمین . دگر گو نی ستر گیست در کامل جوامع انسا نی ، تاریخ کشور ها و فصلی نو ینی

ر زند گی اقتصادی،اجتماعی ی و فر هنگی همه مرد ما ن ، از این رو است که مرد م ا لنو به خود را در تجلیل داشت شصت و چهار مین مهمتر ین رویداد تاریخ یعنی انقلاب کبیر سوسیا - اکتو بر ، سهیم میدانند . کبیر اکتوبر ، آن گو نه‌دیگر در تاریخ جها ن وتاریخ‌زندگی است، که نمیشود به‌سادگی بسیار ی از رخداد ها ی تاریخ جهان ، منظره ا ش م کرد، ویاد گر گو نی‌هایی ر فضا ی تاثیر انقلاب اکتوبر با ل گسترانیده‌است . و تفسیر نمود .

یس نیرو مند تر ین کشور لیستی جها ن ، شکست انه امریمن فا شیزم درجنگ دو م ، بسط و تو سعه‌جنبش ی‌بین المللی، تقویت سیستم اید یا لوژیك وتشکیلا تی احزا ب کارگری طرازنوین، بسط واستحکام جنبش راه صلح ودمو کرا سی‌و ترقی اجتما عی ، از هم پاشیدن‌اندام مستعمراتی امپریا لیزم ، رشد و انسجا م جنبش ها ی رها یی بخش ملی، بیدار ی ملل خاور زمین رشد شعور سیاسی و طبقاتی زحمتکشان جهان ، تقو یت ایما ن به پیروز ی‌در نبرد علیه تما م سیستم های برده- کننده ، اعم از اقتصاد ی ،اجتماعی سیاسی وفر هنگی پالا یش در كها ودریافت ها از محیط پیرامون‌همه و همه از مظا هر انقلاب کبیر سوسیا- لیستی اکتوبر یعنی هما ن رو یداد عظیمی است که تاریخ قر ن بیستم شنا سنا مه خود را در آن جستجو کرده‌است .

((با انقلاب اکتوبر بشر شروع کرد بدورا ن جبر اجتما عی ،خاتمه دادن حکم معرو فی است : اختیار جبر شناخته شده است ، انسان باکشف ودریا فت قوانین میکانیك فزیك ، شیمی ، زیست شنا سی شرایط غلبه بر جبر طبیعی را فراهم ساخته ومی کند . انسا ن با کشف ودریافت قوانین جامعه تاریخ‌شرایط غلبه بر جبر اجتما عی را فرا هم می‌کند ..

نقش شگر ف اندیشهٔ متر قی‌در کشف ودریا فت قوانین حر کت و تحول و ایجاد آگاهانه محمل های نظر ی وعملی غلبه بر جبر اجتماعی است . باانقلاب اکتو بر بشر دست به تغییر نظا م اجتما عی وآفرنیش آگاهانه جا معه نو ینی زد که با آرمان های دیر ینه بشر ی و آرزو های امروز ی او توافق دارد . این امر از جمله پیروز ی عظیم دا نش های فلسفی واجتما عی وانقلا بی یك واقعه بی مانند در سرا سر سر گذشت پر هیجان بشر ی بود. این آزما یشی بود درمقیاس‌تاریخ‌و انسانیت . آرزو ی بنیا ن گزار اندیشه متر قی که می گفت : ((فلا- سفه تاکنو ن جها ن را تو صیف‌می کردند واینك باید دست به کار تغییر آن زنند عملی شده )).

البته این سخنا ن به معنی آن نیست که اگر پیروز ی انقلاب‌سو- سیالیستی اکتوبر نبود ، در جهان یا محدود تر بگو ییم در ارو پا یا مثلا در آسیا هیچ جنبش حق طلبانه جوانه نمی زد . یاهیچ فریاد ی به رسم اعترا ض بلند نمیشد ، ولی آنچه که میتوا ن مسلم اش خواند این است که اگر پیروز ی انقلاب کبیر سوسیا لستی اکتوبر نبود و یابه زبان دیگر ، اگر اکتوبربواسطهٔ نیرو های امپریا لیستی و ضد انقلابیون داخل رو سیه انقلا ب در هم شکسته میشد ، به یقین کا مل وضع جنبش کار گر ی بین‌المللی وساز وارهٔ جنبش ها ی رها یی‌بخش ملی، مساله صلح، دمو کرا سی و غیره به گونه ایکه اکنو ن هستند، نمی بود .

انقلاب کبیر سوسیا لیستی اکتوبر تثبیت نمود که بدو ن سازما ن انقلابی وحزب طرا ز نو ینی که سلاح تیوریك آن اندیشه متر قی باشد بتواند با بررسی واقعیا ت جار ی استرا تیژی و تکتیك نیرو های محرکهٔ انقلاب را تعیین وباپیش کشید ن شعار ها و رهنمود ها ی منطبق باوضع ، جنبش را به جلو رهنمو ن شود ، هیچ قیا م و عصیانی نمیتواند به پیروز ی برسد .مضافا در نمونه ها ی در هم شکستن سیستم تزار ی وبعدا غلبه بر فا- شیزم این مطلب را که نمیتوا ن ارادهٔ توده ها ی مرد م و حز ب رهبر ی کنندهٔ آنها را در امر غلبه بر اقشار و طبقا ت مر تجع بدو ن داشتن دولت‌طرازنوین به منصه‌اجرا گذارد ، نیز قویا به اثبا ت‌رساند.

انقلاب کبیر سو سیا لیستی اکتوبر در نمو نه جمهور ی ها ی آسیا یی میا نه عملا این اصل را که در دورا ن امپر یالیزم میتوا ن از مناسبا ت اقتصاد ی ، اجتما عی سر مایدار ی طفره رفت و ازفیودا- لیزم به جامعهٔ سوسیا لیستی گا م گذارد ، تحقق بخشید .

((م))

# شمله ورکتون کانون دیگری برای تربیت وپرورش اطفال زحمتکشان کشور

گزارش از : ر - جرمی

بعد از پیروزی انقلاب نجات بخش ثور و بخصوص مرحلهٔ نوین و تکاملی آن حزب و دولت انقلابی ما در جهت بهبود حیات زحمتکشان کشور شامل همه اقوام قبایل و ملیت های مختلف ساکن میهن محبوب‌ودوست داشتنی ما افغا نستان آزاد ، مستقل و سربلند ودر راه رفاه وآرامش هر چه بیشتر هموطنان عذاب دیدهٔ ما هم از پیران ، جوانان واطفال کشور این مردان‌وزنان آیندهٔ وطن به برداشت قدم های موثری فایق آمده است ودر آینده نیز در این راه شریفانه توجه هر چه‌مزیدی مبذول خواهد داشت .

حزب و دولت انقلابی ما در شرایط کنونی به امر تربیت و پرورش اطفال کشور این وارثان حقیقی میهن‌ارزش خاصی قایل می‌باشد وسعی می نماید تا این نو نهالان باغ آرزو های جامعه ما طوری تربیت و پرورش یابند که در آینده بتوانند بخواست هاو نیاز های وطن وجامعه جواب مثبت ارائه بدارندووظایفی راکه وطن وجامعه بدوش آن هامی نهد بوجه احسن انجام بدهند .

ماده بیست و ششم اصول اساسی دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان (که در شرایط کنونی حیثیت قانون اساسی کشور را دارا می‌باشد ) چنین حکم می‌کند : «خانواده ،مادر وطفل تحت حمایهٔ خاص دولت قرار می‌گیرد، دولت در مورد صحت مادر وطفل توجه خاصی مبذول می دارد و جهت ایجاد شرایط وسیع برای زن در تحصیل ، کسب مسلك و تدارك کار تدابیر لازم اتخاذ می‌نماید .

ارگان های دولتی ، سازمان های اجتماعی و مکاتب موظف اند در تربیه اطفال بخانواده ها کمك کنند .»

آری ! باتوجه به ارزشمندی تربیت درست و پرورش سالم اولاد کشور است که حزب ودولت انقلابی مابه ایجاد کودکستان هاو مراکز تربیت و پرورش اطفال اهمیت زیادی قایل گردیده می‌کوشند تا ساحهٔ این چنین مراکز تربیوی را وسعت بخشیده از راه تربیت وپرورش سالم اطفال خدمت بزرگی را بـــه هموطنان ما انجام دهد .

شمله ورکتون که اخیرا در چوکات سازمان دمو کراتیك زنان افغانستان پابه عرصهٔ وجود گذاشت یکی از بزرگترین‌کانون هایی پرورش اطفال‌کشور است‌که درپرتو پیروزی مرحله‌نوین وتکاملی انقلاب نجات بخش ثور عرض انـدام نموده است . در ارتباط بااین رویداد بزرگ در حیات اطفال کشوریعنی تاسیس کودکستان شمله در چوکات سازمان دموکراتیك زنـان افغانستان راپورتر مجله با محترمـه تـورپیکی مدیره کودکستان مذکور گفت و شنودی بعمل آورده است که در ذیل شمارا به مطالعهٔ آن فرا می‌خوانیم .

مدیره کودکستان شمله در آغاز ا
وشنود به پاسخ‌این سوال که‌هدف‌ازوج
این کـودکستان «شمله ورکتـون» چـ
چنین روشنی انداخت :

شمله نام نامی یکی اززنان مبارز و
مربوط سازمان دمو کراتیك زنان افغا
است که در ولایت کنر بوظیفه مقدس
اشتغال داشت او که از آغاز شمولیت
سازمان دموکراتیك زنـان افغانستان خ
آشتی ناپذیری خودرا با ارتجاع و امپ
ونو کران حلقه بگوش آن ها اعلام داشـ
درراه مبارزه برضداین دوپدیده منفور
دوران ما لحظه یی فر و گذاشت
بتاریخ ده میزان ۱۳۵۹ از طرف دشمن
بجان مردم افغا نستان و دشمنان انقلاب
بخش ثور در ادارهٔ مکتب مربوطه به
رسید و نام جاودان کمایی کرد .

وی گفت :

حزب دمو کراتیك خلق افغا نستان و
دمو کراتیك زنان افغا نستان برای
داشتن نام افتخار آمیز این زن مبارز و
کشور و به منظور بزرگداشت وارج
قهرمانی های این زن با شهامت میهن
کودکستان را به افتخار اسم شملهٔ
«شمله ورکتون» نام نهاده است تا نام
او جاودانه بماند و قهرمانی های این زن
کشور سر مشق‌زنان دیگر آزادهٔ میهن
مدیره کودکستان شمله در بارهٔ
تاسیس شمله ورکتون در شرایط کنو
چنین گفت :

یکتن از آموزگاران کودکستان (شملـــه) اطفال رابه کارهای مختلفی تشویـق میکند که چگونه بادستان خود گلهای کـــاغذی بسازندوبیکدیگر تحفه بدهند .

وبه اینگونه بذر استعداد افشانده میشود، می بینید که کودکان باشوق وعلاقمندی پیکره های دلخواه خودرا می سازند .

لاب شکوهمند ثور و بخصوص مرحله
و تکاملی آن آزادی های زیادی را برای
کشور ببار آورده بر آن ها زمینه این
مساعد گردانید که دوش بدوش پدران
ران خویش در کار خانه ها، مکاتب ،
ابریکات کار کنند و در امر اعتلاو
انی کشور سهم خود را اداء نمایند.
چنین شرایطی که زنان آزادهٔ مهین‌مابه
های خارج منزل اشتغال ورزیده ودر
روز بخانه نمی‌باشند نمی‌توانند ازعهده
س وتربیت اولاد خود که بحق مردان
فردای کشور را تشکیل می‌دهند بدر
بنابر آن دولت جمهوری دمو کراتیک
ستان در پهلوی سایری پلان انکشافی
ی واقتصادی خوددرجهت رفع مشکلات
حیات زحمتکشان کشور وسعت و
ف کودکستان هارا روی دست گرفته
روی همین اصل بودکه کودکستان
دربرج میزان سال جاری افتتاح گردید
ک طرف اطفال کشور در این کانون‌جدید
وپرورشی تحت تربیت وپرورش‌سالم
رند و از جانب دیگر مادران و پدران
ایشان بتوانند در یك فضای آرام و
بدون تشویش از ناحیه‌ی اولاد داری بکار و بار روز مره خویش بپردازند و از این طریق مشکلی دامن گیر آن ها نباشد .

محترمه تور پیکی در برابر این پرسش‌که شمله وپرکتون اصلا ظرفیت پذیرش چندطفل را دارد و در شرایط کنونی بچه تعداد اطفال کشور را بخود جذب کرده است اینطور اظهار داشت :

اصلا در تشکیل عمومی کودکستان شمله پذیرش دو صد و پنجاه‌تن‌از اطفال زحمتکشان کشور مدنظر گرفته شده است ولی از آن جائیکه اکنون مادر آغاز کار خود قرار داریم ودر شرایط فعلی عمارت مربوط گنجایش نود طفل را دارا می باشد ما عجالتا به پذیرش همین نود طفل اکتفامی نمائیم که تاکنون به تعداد پنجاه و پنج نفر از اولاد کارگران ، دهقانان و دیگر زحمتکشان کشور در شمله وپرکتون جذب شده‌اند . قرار است درآینده بسیار نزدیك بخش شیر خوار گاه این کودکستان در یکی از نقاط‌مساعد شهر تاسیس شود و در آن به تعداد پنجاه تن از اولاد زحمتکشان افغانستان پذیرفته شوند ، در صورت تهیه عمارت بزرگی که گنجایش‌همه اطفال شامل تشکیل این کودکستان را داشته باشد ما همهٔ بخشهای مربوط رابدان جاانتقال خواهیم دادو به‌تعداد دوصد وپنجاه طفل رادرآن جذب خواهیم کرد .

وی گفت : از جمله اطفالی که قرار است در آینده نزدیك در کودکستان شمله جذب شوند بیست وپنج نفر آن را اطفال مربوطه به کلد گران فابریکه‌ی بگرامی شش طفل‌کارمندان وزیر اکبر خان روغتون و شش طفل کارمندان تعلیمات صحی تشکیل می‌دهند که این عده اطفال کسانی اندکه نهایت مستحق تشخیص داده شده اند .

مدیره کودکستان شمله‌در مورد نحوه‌مراجعه وپذیرش اطفال دراین کانون تربیتی وپرورشی اولاد کشور چنین بیان داشت :

آغوش این موسسه برای پذیرش اولادهمهٔ اقشار وطبقات زحمتکش کشور همیشه باز می‌باشد ، هر گاه یکی از وطنداران شریف ما بخواهد طفل خودرا در این موسسه‌شامل سازد بدفتر کودکستان در خواستی‌می‌دهدواز طرف ادارهٔ کودکستان برای شخص موصوف ورقهٔ استعلام داده میشود تا از مراجعیکه‌خود و خانم وی کار می‌نمایند تصدیق مصروفیت واندازه معاش خودرا حاضر نمایند تابرویت آن در قسمت اخذ فیس ازوی اقدام صورت پذیرد . وی علاوه کرد :

هر گاه معاش والدین اطفال از چهار هزار افغانی زیاد باشد از مجموع معاش پدر و مادر ماهانه سه فیصد «در صورت پذیرش اولین طفل» فیس اخذ میگردد .

ودر صورتیکه‌والدین‌بخواهندطفل دوم وسوم شان را نیز دراین کودکستان شامل سازند مکلف‌اندبرای‌هر طفل‌خویش ماهانه‌دوفیصدمعاش خودرا به کودکستان بپردازند و به مقدارهمین دو فیصد تا آخرین طفل از آن ها اخذ خواهد شد .

از اولاد آن عدهٔقهرمانانی که در راه‌پیروزی انقلاب شکوهمند ثور و حفظ دست آورد های دوران ساز آن جان های شیرین خودرا از دست داده اند در صورتیکه معاش والدین‌آن هااز چهار هزار افغانی زیاد باشد ماهانه دو فیصد واگر از چهار هزار افغانی پائین ترباشد ماهانه یك فیصد معاش آن ها اخذمیگرددو از سایری اشخاصیکه از چهار هزار افغانی کمتر معاش دارند«زن‌و شوهر» ماهانه دوفیصد معاش در بدل شمول هر طفل آن ها دراین کودکستان از نزد ایشان اخذ میگردد .

مدیره کودکستان شمله راجع به بخشهاو پروگرام های‌فعلی‌شمله وپرکتون چنین‌معلومات ارائه داشت :

اساسا شمله وپرکتون دارای دو بخش می‌باشد یعنی بخش شیر خوار گاه و بخش کودکستان که برای فعلا بخش شیر خوار گاه ما فعال نیست ودر آینده نزدیك بکار خود شروع خواهد کرد .

ودر مورد پروگرام‌های کار بخش کودکستان یعنی کار آن عده اطفالی که بین سنین سه سالگی تا شش سالگی قرار دارند «اطفالیکه بین سنین سه‌ماهگی الی سه سالگی‌قرارداشته باشند در شیر خوارگاه تحت تربیت قرار می‌گیرند » بایدگفت از آن جائیکه کودکستان جاه آماده گی برای آغاز درس مکتب است‌که باید اطفال را قبل از شمولیت به مکاتب کشور به اساسات تعلیم وتربیه آشنا سازدمادراین

بقیه درصفحه ۵۱

و اینجا خلای نبودن حضور مادر محسوس نیست، معلمان جاگزین‌مادران شده اندواطفال‌راصمیمانه‌به‌کارهای تفریحی مصروف میدارند.

گرد آور نده : داکتر عبدالسبحان‌هاتفی

# غذاواهمیت آن دروجود

## سوءِ تغذی چه تاثیراتی بالای عضویت دارد

درجهان کنو نی تغذ ی مشکلی عظیمی را بوجود آورده است .زیرا از دیاد نفو س ، تغیروضع جو ی، سو یه اقتصاد ، عادا ت غذا یی ، رسم ورواج ها فکتور ها ی اندکه افرا ط یا تفریط تغذی را بار می آورد .

فرط تغذی سبب امرا ض ما نند دیا بت یا مر ض شکر و امرا ض قلبی شده ودر کسا نی زیاد تر دیده میشود که وضع اقتصادخوب داشته وعمو ما در مما لك انکشاف یافته زندگی می کند . بر عکس کمبود غذا متو جه حا ل مرد م جهان سوم یامما لك رو به انکشا ف و عقب مانده می باشد که در ین ممالك سویه اقتصاد پایین بوده و محیط مناسب زیست برا ی باشند گان موجود نیست .

در جهان ما امروز زیاد تر از چهار صد میلیو ن نفر به‌کمبودمواد غذا یی مصا ب هستند که اکثرا در ممالك روبه انکشا ف زیست‌می نمایند .

احصائیه مرگ و میر مخصوصا اطفا ل در مما لك انکشاف یا فته نسبت به ممالك روبه‌انکشاف‌بخاطر سو ی تغذی و محیط ناسالم زیست زیاد میباشد .

طور مثال اطفالی که به صورت درست تغذی شده با شند . بسیاری از امرا ض سار ی از قبیل‌سرخکان دیفتر ی ، سیاه سر فه محر قه اکثرا سبب مر گ شده نمیتواند. که گا هی حتی این اطفا ل بعد از چند روز بیدو ن تداوی شفا یا ب میشو ند . بر عکس آن عده‌اطفالیکه به سوء تغذی مصا ب باشند با وصف تداوی باز هم جوا ب‌قنا عت بخش حاصل نگردیده نه تنهامریض شفا نمی یابد بلکه در چنگا ل بی رحم مرگ جان شیرین خود را از دست میدهند.

احصائیه دست داشته نشا ن‌می دهد که در سن پا یین تر ازیکساله یکصدو هشتاد فی هزار وازا۱ـ۵ ساله دو صد و هفتاد فی هزا رطفل به مرگ محکو م می گردند .

بناء گفته می توانیم از جملـه هزار طفل دو صد و هفتاد طفل‌قبل از آنکه به سن پنج سالگی بر سند بنا بر علتی نابود میشو ند و یااگر بعضی هم از ین مرا حل خطر ناك جان به سلامت بر ند ، به‌تشوشات عقلی واز نگاه ذکا نا قص می باشند وباز دو ش جامعه میشو ند .

در وطن ما افغانستا ن مشکل تغذی بیشتر به ملاحظه میر سد ازینکه اطفا ل در سنین کم رشد ونمو سریع دارند مبر هن است که کمبود مواد غذایی و مصا ب‌شدن به امرا ض گونا گو ن اثرا ت سوء وناگوار ی که بر آنها بجا میگذارد.

اگر شخصی برا ی مد ت درازی ویا به طور پیوسته با یك غذا که

### عدم توجه به حفظ الصحه چ حالت را بوجود می آورد

دارا ی مواد وانر ژی کا فی‌نبا ش زندگی کند ویا این شخص مجـ گردد در زیر چنین شرا یط بسـ برد شخصی مذکور به زود ی‌خس شده به عصبا نیت وسو عهضم‌د میشود وبا لاخره به حا لت که تغذی نا مند دو چار میشو ند در ین حا لت عضو یت نخست بو ها ید ریت خود را به مصر می رساند پس ذخایر شخص رامو استفاده قرار مید هد بالاخره‌عضو توان عقلی خود را از دسـت دا لاغر می گردد این حادثه در سا های پس از جنگ جها نی دو م نواحی شامل جنگ به وضا حـ به ملاحظه رسیده .

پس اگر بخوا هیم سوء تغذ را تعریف نماییم چنین خوا هیـ گفت سوء تغذی حا لیست که عضو یت از کمبود ویا فقدا ن مو غذایی ویا از دیاد مواد غذایی‌بوجو می‌آید که حالت‌اول حالت بنام‌تفر

تعلیمات صحی ، خصوصادرموردتغذی وحفظ الصحه میان مردم‌پخش گردد

# درجهان ما امروز زیادتر از ۴۰۰ ملیون نفر بکمبود موادغذایی دچاراند.

طفلیکه به آینده مینگرد ومی‌اندیشد

ئایی و حا لت دو م که چا قی می
امند . در مما لك عقب ما نده‌عامل
هم سوء تغذی کمبود موادپروتینی
وده که سوء تغذی به شکل تفریط
غذا ظهور می کند .

برخلاف در مما لك متر قی چا قی
شکل عمده مرد م می باشد که‌این
حا لت نیز برا ی صحت مفیدنیست.

به صور تَ عمو م سو ء تغذ ی
ان حالتی را گو یند که در عضو یت
ازآن نو ع رژیم غذا یی بوجودمی‌آید
که یك یاچند مواد مغذ ی اسا سی
کم داشته باشد . بنا ء سو تغذ ی
یا کمبود غذا یی به دو بخش تقسیم
میشود :

**کمبود مواد غذایی ابتدایی:**

**سو تغذی ابتدا یی وسو ءتغذ ی ثانوی :**

درین قسمت آنعده امراض شامل است که از فقدا ن مواد غذایی واز سبب خوردن ناکا فی آن بوجود می‌آید

**کمبود مواد غذا یی ثانو نی :**

درین قسمت آن امراضی شا مل است که فقدا ن مواد مغذی ازسبب دیگر فکتور ها بوجود آمده با شد نه غذا .

سوء تغذی یا آنقدر خفیف مـی باشد که اعرا ض کلینکی نشا ن‌نمی دهد وتنها توسط معاینا ت لابرا ـ توار ی تعیین شده میتواند ویااینکه بقدر ی کا فی پیشر فته واعرا ض وعلایم کلینکی را بوجود می آورد .

درین جا بهتر است کـه رو ل سوء تغذی رادر بروز امرا ض‌شرح نماییم .

۱ ـ عنا صر معا فیت دهنده‌یا انتی باد ی محا فظو ی را کم‌میسازد یا زود از بین می برد .

۲ ـ حالت غذا یی خرا ب انتانات خاموشی را فعا ل ساخته ودرنتیجه مرضـ بروز مـی‌کند طـور مثـال تربر کلوز .

۳ـ عکس العمل نسجی رادر مقابل حا لات التها بی کم میسازد.

٤ ـ فکر می شود که غذا یی‌خوب قدرت مقاو مت عـضو یـــت رادر مقابل انتا ن یا مکرو ب بلند برده و عضو یت را آماده میسازد که‌عامل مرض را تخریب کند ، مگر درسوء تغذی این حا لت صور ت نگر فته مرض بوجود می آید .

**اسباب سوء تغذی :**

در حالات ذیل مواد مغذی‌و مقادیر ضرور ی آن به عضو یـــت نرسیده در نتیجه عضو یت به‌فقدان مواد غذایی مصاب میشود :

۱ـ در غذای روزانه یامواد‌مغذی هیچ موجود نبوده ویا هم احتیا ج روزانه را تکافو کرده نتواند .

۲ ـ در ااستقلاب بعضی مـــواد غذایی خطا ها ی متا بو لیك موجود باشد .

۳ ـبعضی مواد کیمیا و ی که‌به شکل دوا استعما ل میشود درمقابل مواد غذایی تاثیر ضد میدا شـــته باشد .

٤ ـ بعضی امرا ض مانندا‌سهالات حرکا ت استداد ی امعا را تسریع نموده وبه این صور ت به موادغذایی فر صت امتعا صی را نمید هد .

٥ ـ بعضی عملیا ت ها خصوصا (یك قسمت معده کشیده‌شده‌باشد) امتصاص مواد غذایی را مختل‌مـی سازد .

٦ ـ بعضی امرا ض احتـــیا ج مشخصی مواد غذایی را از یاد می بحشد اگر تکا فو نشود سوء تغذی ظهور می کند .

۷ـ در قحطی های دوامـدار عضویت احتیا ج غذا یی خود راپوره کرده نمیتواند .

۸ـ عادات خراب غذایی وطریقه‌های ناقص پختن که در آن مواد مغذ ی از بین میرود .

**غـــذا :**

غذا به آن مواد اطلاق میشودکه دارا ی عنا صر ی مثل پرو تین‌شحم کار بو ها ید ریت یا قند وو یتامین وغیره باشد وانسا ن آنرا بمنظور تولید انرژی ، نمو، ترمیم انساج، توالد وتناسل و مقاو مت درمقا بل امراض استعما ل مینما یند .

**اهمیت غذا :**

غذای خوب برای تا مین صحت بهتر لازم و ضرور ی است زیـرا غذا برای نمو، انکشاف ، توالـدو وتناسل ، تولید انر ژی عضو یت وبرا ی بهبود فزیکی و دما غی تاثیر مستقیم دارد وبه این اسا س‌غذانسبت به هر فکتور حفظ الصحو ی دیگر با لای صحت زیاد موثر است .

اینکه غذا در وجود چه وظایف را انجا م مید هد باید گفت که غذا در وجود بصورت عمده سه وظیفه‌را را اجراء می نما یـــد . وازهمین سبب غذا به سه گرو پ تقسیـــم میشود :

الف ـ آن عده مواد غذا یی که برای نمو به کار میرود و منا بـع حیوانی ونباتی‌دارد. منابع‌حیوانی‌آن شامل گوشت ، شیر وتما م‌محصو ـ لات که از شیر ساخته میشود وتخم میباشد .

ومنابع نباتی آن را لوبیا، نخود، دال ، ماش ، موم‌پلی ، زرد ك ،،کدو تربو وز، خر بوزه ، جلغوزه،بادام، چار مغز وغیره تشکیل مید هد .

ب ـ آنعده مواد غذا یی که به وجود قو ت کار مید هد و عبار ت‌از تمام خوردنی ها ی شیرین مثل‌شیر ینی با ب ، نیشکر ، لبلبو ،گندم، برنج ، کچالو وغله جات .

همچنان تما م شمیا ت مانندنبه مسکه ، قیما ق ورو غن درین گروپ شامل اند .

ج ـ آن عده مواد غذا یی که‌فعا ـ لیت ها ی وجود را تنظیم می کندو در حفظ سلامتی بد ن رول دارد . که عبار ت از تمام میوه جا ت‌خشك

عدم توجه به‌اطفال وسوء تغذی‌چنین حالت را بار می آورد

طفلیکه به کمبود غذا یاسوء تغذی مصاب است

وتازه وتما م انوا ع سبزیجا ت‌می باشد .

پس غذا از نظر ترکیب به سه جز عمده تقسیم شده که عبار ت اند از :

مواد قندی ، مواد روغنی ، مواد پرو تینی .

**کار بو ها یدریت یا موادقندی :**

که وظیفه عمده آن عبار ت از ذخیره انر ژی میبا شد یك گرام کار بو ها یدریت دارا ی چارکالوری انرژی می باشد کار بو هاید ریت ها از طریق مواد غذا یی گر فته‌می شود که منابع آن عبار ت از شیر ، نیشکر ، لبلبو ، گندم ، برنج ، کچالو و عصاره میوه جا ت می باشد .

**شحمیا ت :**

شحم که منبع خو ب انر ژی عضو یت بوده یك گرا م شحم نه کالوری انرژی تولید می کند و از دومنبع عمده حیوا نی و نباتی‌بدست می‌آید . منابع مهم حیوا نی شحم عبار ت‌از رو غن حیوانی ، قیما ق مسکه ، شیر ، زردی تخم وگوشت می باشد منابع نبا تی آن کوکنا ر چار مغز ،بادا م و خسته با ب.دیگر گل آ فتاب پر ست، پنبه دا نه ، شرشم ، کنجد ، ،زغر وغیره می باشد .

شحم رژیم غذا یی با کا لور ی وشحم عضو یت باچا قی ارتبا ط دارد در ممالك که ما شین جا ی کار های دستی را گر فته اگر مرد م‌آنجا در غذای خود شحمیا ت وکالور ی مجمو عی را محدود نسا زد چا قی د ر آنجا مشکلا ت صحی را بوجود خوا هد آورد . بر علاوه ارتبا ط بین زیاد گر فتن‌شحمیات خصو صا شحم حیوا نی و مر ض اتیرو سکلرو س موجود است‌در افغانستا ن که تما م کار هاتوسط دست صور ت‌می‌پذیردبناعموجودیت شحم در غذا به حیث منبع انر ژی لازمی شمرده میشود . که بصور ت عمو م روزا نه بیست‌و پنج ـسی‌و‌ـ پنج‌فیصد گرفتن انرژی از شحم‌توصیه میشود . شحمیا ت منبع مهم‌انرژی وناقل ویتا مین ها ست غذارامزه‌دار ساخته و به حیث واحد ساختمانی بعضی مواد از طرف عضو یت استعما ل میشود .

**ویتامین ها :**

ویتامین از جمله مر کبا ت‌عضوی بوده که عضو یت خود شا ن آنرا ساخته نمیتواند وبا ید که ازخار ج عضریت تکا فو گردد . زیرا برا ی تامین صحت ضرور ی می‌باشند .

ویتا مین ها بدو گرو پ عمده تقسیم شده یکی منحل در شحم که عبار ت از ویتا مین ها ی‌آ، دی، ای ، وکا میباشد . ودیگر ی‌منحل درآب است که شامل ویتامین‌سی‌و انوا ع ویتامین بی میباشد . ناگفته نباید گذاشت که ویتا مین ها ی منحل در شحم در جگر ذخیره می شود و گر فتن زیاد آن آنقدر مفید نبوده مگر ویتامین های منحل‌درآب در عضو یت ذخیره نگردیده بلکه مقدار اضا فی آن را عضو یت‌اطراح می نما یند .

حال به تشریح مختصر هریك از ویتامین ها می پردازیم.

**ویتامین آ :**

این ویتا مین جهت رشدونمو ی اطفا ل ارزش حیا تی دارد زیرا این ویتا مین درساختما ن یك قسمت مهم چشم نقش اساسی دا شته وبه واسطه آن تعا دل بینا یی خود را حفظ می کند . کمی ویتا مین (آ) باعث ضعیف شد ن قوه دید وفقدان آن ممکن سبب کور ی چشم گردد. یك خاصیت مهم دیگر این ویتا مین تامین وافزا یش مقاو مت طبعی‌بدن مقابل مکرو ب ها ست اشخاصیکه دچار کمبود ویتا مین (آ) هستند . بیشتر به امرا ض مجرا ی تنفسی وبولی مبتلا میشو ند این ویتا مین جلد بد ن را سالم نگهدا شته در بهبود استخوا ن و دندا نهاوشنوایی نیز تاثیر دارد . جوانا ن روزا نه به سه صد مایکرو گرا م ویتامین (آ) ضرور ت دارد .

**ویتا مین سی :**

کمبود این ویتا مین با عث‌خو ن شد ن بیره ها و باریك شد ن استخوا ن ها ی بد ن می گردد . مرضیکه از فقدان ویتامین‌سی‌بوجود می آید بنا م (سکاروی ) یاد میشود بی حو صلگی ، بهانه گیر ی ،درد تمام بد ن ، خونریزی زخم ها ، و حساسیت دهن وبیره ها (که سبب سست شد ن دندانها می گردد همچنان بو جود آمدن لکه های کبود رو ی پوست ، پندیدگی پا ها وکم خونی از جمله اعرا ض‌وعلایم مهم آن‌است .

میوه جات تازه و سبز یجات منابع غنی این ویتا مین می باشد. کچالو جوش داده دارا ی مقدا رزیاد این ویتا مین است اما، باید یاد آور شد که غذا های حاوی ویتا مین سی نباید زیاد حرار ت داده‌شود در غیر آن ویتا مین مذکور خاصیت خود را از دست مید هد . و اگر میخوا هید سبزیجا ت را پخته‌نمایید پس باحرارت کم و آب محدود در ظر ف سر بسته به پختن آن‌اقدام کنید .

خرد خرد کرد ن و قرار داد ن‌سبزیجا ت در معر ض هوا سبب ازبین رفتن ویتا مین سی میگردد بنا ء خوردخوردنمودن‌بیش‌ازحدیاباصطلاح پشت چمچه نمود ن سبز یجا ت مفید نبوده و نیز باید از ریختن‌آب سبزی جلو گیر ی به عمل آید . غذا ی که در دیگ مسی پخته میشود ویتامین سی آن از بین میرود . همچنا ن علاوه کرد ن پلی یاسودیم بای کار بو ینت سبب تخر یب ویتامین سی میشود .

علایم کمبود این ویتا مین به خصو ص در نزد اطفا ل دیده‌میشود منابع مهم آن نارنج ،لیمو ، مالته بادنجا ن رو می و غیره می باشد .

**ویتا مین دی :**

این ویتا مین که ویتا مین(آفتاب) نیز نامیده میشود در رشد ونمو بسیار مو ثر بوده از آغا ز تو لد تا پایا ن دوره بلو غ در تکا مل‌نموی بدن نقش تعیین کننده دارد .و در مواقع بار دار ی و شیر داد ن‌بد ن زنا ن از هر و قت دیگر بیشتر به این ویتا مین ضرور ت دارد .

این ویتا مین جذاب کلسیم‌و فاسفور را از طر یق روده هاممکن میسازد . کمبود آن سبب نر می و کجی استخوا نها میگر دد.چون نرمی استخوان در اطفال زیاد تر دیده میشود .

بقیه درصفحه ۴۲

# تاسیس وایجاد پرورشگاه وطن

## قدم بزرگی درراه پرورش اطفال بی سرپرست وطن

از: نیکخو

نظا مهای مرد می را می توا ن از رو ی خصا یل انسا نی و بشر دوستا نه آ ن شنا خت که هرقدمی در را ه ر فا ه و سعا د ت مرد م می گذ ارند و هر اقدا می رابرا ی پرکرد ن کمبود ها ی جا معه و رشد سالم جسمی و رو حی اطفا ل آ ن بعمل می آورند . جامعه ا فغا نی ما که امروز از یك نظا م ملی ، مترقی وانقلابی بر خور دار است و تحقق اهدا ف والا ی انقلاب مرد می آن گره کشا ی مشکلات امرو زوتا مین رفا ه و سعا د ت فر دای جا معه میبا شد ، از داشتن چنین نظا می بخود می بالد و باید هم ببا لدزیرا با پیروز ی انقلاب ثور و به‌صورت اخص مر حله نو ین و تکا ملی آن اقدا مات سود مند ی به نفع تود ه های و سیع ز حمتکشا ن کشور صورت گرفته و پلان های نافعی رو ی دست حز ب و دولت انقلا بی ما میبا شد که یکی پی دیگر به نفع اکثر یت عظیم و توده های وسیع دهقانا ن ، کار گرا ن وسایر ز حمتکشا ن به منصه اجرا گذارد ه می شود وو طن محبو ب ما رابسو ی شگو فانی و تر قی اجتما عی‌می کشاند .

دشمنا ن تر قی و سعاد ت مردم افغانستا ن که سالیا ن دراز ی ثمر دست رنج تود ه های و سیع کشور را می بلعیدند با پیرو ز ی انقلاب ثور و مر حله نو ین‌تکا ملی آن به پرو پا گند های ناروا برضد انقلاب آغا ز کردند وبا آنهم اکتفا نکرد ه از با دارا ن‌امپریا لیستی خویش سلاح گر فته.مسلما نا ن واقعی و روستاییا ن سا ده د ل‌ما را بدا م تز ویر ها و ریا کا ی‌های شان افگند ند و یکی را بجان‌دیگر انداخته دست به قتل ، آدم کشی وتجاو ز به آزا دی های دموکراتیك مرد م زدند که نتیجه این مداخلات امپر یالیزم و قتل و قتال ووحشی گری های عنا صر ضد انقلا ب باعث و یرا نی خانه ها، مسا جد تا سیسات عام المنفعه و غارت نمود ن دارا یی های مرد م شد ه و بسا اطفا ل و زنا ن را بی سر- پرست گردانید ند که این جنایا ت ضد انقلاب و بادا ران امپریالیستی شان هر گز فرا موش خلق کشور نخواهد شد .

جمهور ی دمو کرا تیك افغا - نستا ن که خد مت به تود ه های وسیع کشور و رفا ه و سعا د ت مرد م از اهدا ف بز رگ آن می باشد دست بیك اقدا م بی‌سابقه‌ای در کشور زد ه و پرورشگاه و طن رابخا طر تر بیت نمود ن اطفا ل بی سرپر ست تا سیس نمود ه‌نو باو ه گا ن امروز و طن که زنا ن ومردا ن بز رگ و دورا ن سا ز فردای جا معه ما ن میبا شند به تر بیت سا لم جسمی و رو حی کا مل نیاز دارند که باید این نیاز مند ی اطفا ل امروز به خاطر هر چه بیشتر شگو فا نی جا معه فر دا بر آو رد ه گردد ، بخصوص آن‌عد ه اطفا لیکه یا در اثرمرگ طبیعی پدرا ن خویش بی سر - پرست شده اند و یا پدرا ن آنها جان خود را در راه دفا ع‌از میهن و انقلاب از دست داد ه اند ، به سرپر ستی و یا مر جع امید ی که آنها را بتواند تعلیم و تر بیت دهدو بزرگ سازد اشد ضرور ت داشتند که با تاسیس پرورشگا ه وطن این نیاز مبر م اطفا ل بی سر پر ست بر آورده شد ه و در دا ما ن پرورشگا ه وطن از نعمت تعلیم‌و تربیت جسمی و رو حی بر خور دار می شو ند .

در پرورشگاه وطن که به روی فرزندا ن بی سر پر ست و طن آغوش باز دارد و همهٔ اطفال بی سر پرست را تحت شر ایط معین شمو ل می پذیرد بر علاو ه اینکه اطفا ل اعا شه و ابا ته می شو ند بلکه و سایل تر بیتی و سا یل سرگر می و سا مان باز ی‌وو رزش نیز برا ی آنها میها بود ه و با در نظر داشت سن و سا ل آنها در تربیه ذهن آنها موافق به ایجا بات عصر ما اقدا مات سود مند ی ا ز طرف مربیا ن پرور شگا ه‌صور ت می گیرد و اطفا ل بسو ی یك زندگی بهتر و آیند ه شگو فا ن نیك رهبری‌ور هنمایی می‌شوند .

هرگاه به اهدا ف عا لی پرورشگا ه و طن عمیق با ندیشیم وخد ما ت انسا نی آنرا نیك بنگریم بدر ستی در می یابیمکه پرورشگا ه و طن یك مو سسه عام المنفعه است و بهمه مردم تعلق دارد که هر فرد ی‌از افرا د کشور که توان مالی داشته باشد می توا ند در تقو یه پرور شگاه و طن سهم گیرد و آنرا بیشتر نیرو و توانا یی بخشند تابتواند تعداد ز یادی از اطفا ل سرا سر کشور را جذب نماید .

دولت انقلابی ما با و سعت نظری که دارد همه اطفا ل وطن را که بی سر پر ست شده اند اگر فر زندا ن را هیا ن راه انقلا ب اند و یا دشمنا ن انقلاب یکسا ن در پرورشگا ه و طن می پذ یرد و یکسا ن در تعلیم و تربیت آنها همت می گمارد زیرا عنا صر ضد انقلاب و یافریب خورد گا ن را ه نابود ی را خود برای خو یش گزید ه اند و لی اطفا ل آنها که گلها یی از شگو فه های انبو ه این چمن اند گنا هی ندارند .

پس بر ماست تا در راه تقو یه وگستر ش چنین مو سسا ت عام- المنفعه و خیر یه مبارز ه نمود ه‌و از این اقدا م شایسته دو لت مرد می خویش مجدا نه پشتیبا نی نمایم .

پرورشگاه وطن یکی ازموسسات عام‌المنفعی است که بهمهٔ مردم کشور تعلق‌دارد.

# گردهم آیی های اختصاصی ژوندون

## مسایل: سیاسی، اجتماعی وخانوادگی وفرهنگ وهنر

## دربوتهٔ نقد وانتقاد

# راه‌های رشد در باروری تجارت ملی در کشور

## آیا تجارت ما دچار رکود شده است؟

طرح و تنظیم : رووف راصع
حکم : راحله راسخ خرمی

در این جدل :
۱ ـ انجنیر محمد عزیز رئیس عمومی ارزاق
۲ ـ مهر چند ورما رئیس عمومی اتاقهای تجارت
۳ ـ انجنیر شاهین رئیس افغان کارت
٤ ـ انجنیر لمر احمد لمر رئیس عمومی مواد نفتی و شکر
٥ ـ انجنیر مسکین مل رئیس انکشاف زراعت

رئیس انکشا ف صا درا ت :

یکی از وظا یف عمده واسا سی وزار ت تجا ر ت در سطح تجا رت خار جی جلب اسعار قو ی است که در مقابل بتواند به تور ید مـوا د ضرور ی و او لیه ز ندگی مردم بپر دازد .

. خو شبختا نه بعد از مر حلـه نوین و تکا ملی انقلاب ثور ریاست انکشا ف صا درا ت توا نسته است تا جا ی امکا ن این مامو ل را بر آورد چنانکه حجم تجار ت خار جی به استناد احصا ئیه های مو ثـق در سال شصت بـه مقا یسه سال پنجا ه و نوو درسا ل پنجا ه ونؤبه مقایسه سا ل پنجا ه و هشـت افزا یش یا فته است .

یکی از مو فقیت های دیگـر وزار ت تجار ت این است که این ار گا ن به کمك تا جرا ن سکتو ر خصو صی توانسته است تمـام احتیاجا ت عا مه را در سطح ملی بر آورد چنانکه هیچ کمبو د ی در عرضه مواد او لی به چشـم نخورد .

برای اینکه دلیلی بر این اد عا ارا ئه داد ه با شیم که تجار ت ما رشد یابند ه است به‌ذکرارقـام صادرا تی وواردا تی ربع او ل سال شصت به مقا یسه همین ربع سا ل پنجا ه ونو می پر داز م :

مجمو ع صا درا ت ربع اول‌سال گذ شته یکصدو سی و نو میلیون دالر بود ه است در حا لیکه‌مجمو ع صا درا ت در همین ربع سـا ل جار ی به یکصد و هشتاد میلیو ن دالر میرسد همچنین مجمو ع‌واردات در ربع او ل سا ل گذ شتـه یکصد و شش میلیو ن دالر و از همین مد ت درسا ل جار ی‌یکصدو سی و چار میلیو ن دالر بـو د ه است .

یکی از مواردی که باز گو کننده موقف حمایت گرا نه و زا ر ت تجار ت از سکتور تجارت‌خصوصی است این میبا شد که پر چـون فرو شی و عمد ه فرو شی اجناس به صور ت کل آزاد گذ اشته شده وصرف دو لت کنترو ل آنرا عهده دار است تا از صعود قیم‌در بازار جلوگیر ی گردد .

همچنین کمك های فراوا ن بـه سر مایه گذارا ن ملی صـو ر ت گرفته تا تجار ت صا درا تی توسعه یابد که در این شمار است بازا ر یابی برای امتعه افغا نی در بازا ر های خارجی ،جلو گیری‌از صعودقیم نر خگیر ی مر تب مواد مصر فی در سطح بین المللی و کار هـای دیگر .

ریاست انکشا ف صا درا ت به منظور توسعه خد ما ت خـو د برای تجار سکتور خصو صی درهر نمایشگا هی که از امتعه دا خلی در بازا ر های خار جی تدویر گردید ه از تجا ر انفراد ی برای شر کـت دعو ت به عمل آورد ه و برای کالای آنها به قدر کا فی تبلیغـا ت کرده است .

تجار سکتور خصو صی همیـن اکنو ن در حدو د نودو هشـت در صد تجار ت کشور را به عهده دارند و این خود نمایانگر آن است که دو لت به چه پیمانه تجا ر ت ملی را در سکتور خصو صی‌مو رد حمایت قرار میدهد .

**رئیس عمو می اتا ق ها ی تجار ت :**

به تایید گفته های محترم رئیس انکشا ف صا درا ت نکته یی که قابل یاد آور ی میباشد این است که تجار ملی در دورا ن امین در امور واردا تی و صادرا تی با مشکلا تی روبرو بودند که بعد از پیرو ز ی مر حله نوین و تکاملی انقلا ب ثور به همه‌ی آن مشکلات خاتمه داده شد . به عنوا ن مثا ل تا جرا ن دست اندر کار صادرا تی مو ظف بودند به اساس فیصله یی که به عمل آمد ه بود بیست در صد مازاد را به حسا ب وزار ت ما لیه محاسبه کنند ، اما بعد از پیروزی مرحله نوین و تکاملی انقلاب ثور نه تنها این بیست فیصد گشتا ند ه نمیشود بلکه آنچه هم که گشتانده شده بود وا پس به تاجرا ن ملی مسترد گردید و همچنین رسم ار ضی بنا در برای تجار تور ید کنند ه نیز معا ف گردید .

**روف راصع:**

محترم رئیس انکشا ف صادرات در بخشی از سخنا ن خود اشاره‌یی به این مو ضو ع داشتند که گو یا در اثر اقدا ما ت از گا ن‌های تجارتی کشورنه‌تنها هیچ کمبودی در عرصه مواد او لی و ضرو ر ی زندگی مردم در بازار های کشوربه چشم نمیخورد بلکه از صعود قیم نیز جلو گیر ی شده است که من مورد او ل گفته های ایشا ن ر ا تایید و مورد دو م یعنی بالا نر فتن قیمت ها را رد میکنم ، برای این ادعا نیز دلایل فراوا ن در دست است به عنوا ن مثا ل صابو نی که دوسا ل پیش و یا سال های قبل از آ ن ده افغا نی قیمت داشت اکنو ن بیش از بیست افغا نی قیمت دارد کرم ریش که سی افغا نی فرو ش داشت حا لا قیمت آن به پنجا ه افغا نی رسیده است انوا ع تکه های پو شا کی که تر مثلا پنجا ه افغا نی فروخته میشد اکنو ن بیشتر از صد درصد به قیمت آ ن افزود ه شده است و به همین تر تیب است قیمت ها ی سیر خشك، مواد غذا یی تور ید شد ه از خار ج ، سا مان و لواز م الکتر یکی ، منسو جا ت نخی شمی ، نایلو نی و اقلام فراوا ن دیگر .

پر سشس اساسی در این زمینه این است که چگو نه میتوا نیم از صعود قیمت ها بیشتر از این جلو گیر ی کنیم و حد اقل قیم را د ر سطح مو جود ثابت نهگداریم ؟

**رئیس عمو می اتا ق ها ی تجار ت :**

عد م استقرا ر قیم در بازارهای کشور ما بیشتر از آنکه زاد ه شرایط دا خلی باشد و ابسته به شرایط و ضوابط اقتصا دی بین - المللی است و از همه بیشتر به نر خ اسعا ر وابسته میباشد .

در سا ل ۵۸ نر خ دالر ا ز چهل وچار افغا نی تجاو ز نمیکرد اما در سا ل ها ی گذ شته و سال جار ی قیمت دالر به پنجا ه و هشت افغا نی افزا یشس یا فت .

عا مل دیگر بلند ر فتن قیمت ها گرا ن شد ن نر خ نفت در سطح جها نی است ، تورید مواد مصرفی به ترانسپور ت احتیا ج دارد و ترانسپورت به مواد سو ختی نفتی که پیدا ست و قتی قیمت نفت بلند رود قیمت ترا نسپو ر ت نیز بلند میرود و در نتیجه صعود قیم را موجب میگردد .

سو مین عا مل گرا نی هم این است که قیمت ها به خاطر عوامل گو ناگو ن در همه کشور ها ی جها ن بلند ر فته و در اصل خرید به مقا یسه سا ل های پیشس گران تر صورت میگیرد بنا صعود قیم امر ی کا ملا طبیعی است ،در پهلو ی این مسایل باید در نظر بگیریم که با وصف قرار داد شتن درشرایط انقلا بی ومشکلات فراوان ترانسپور تی ما توا نستیم تما م مواد مورد ضرور ت مرد م را د ر بازار ها عر ضه داریم .

**روف راصع :**

با تو جه به کا هش روز افزو ن قد ر ت خرید ، پایین بود ن سطح عاید عمو می ومشکلات کسا نی که عاید ثابت دارند باتوجه به صعود قیم باید ار گا ن ها ی مسوو ل خد ما ت اجتما عی مقداری ضرر اقتصا د ی را به خاطر رفا ه عا مه قبو ل دار شو ند به عنوا ن مثا ل فرآورده های تور یدی خود را به قیمت تما م شد عر ضه کنند و حتی در موارد ضرو ر ی که قیمت جنس مورد نیاز همگا نی بالاتر از قدر ت خرید عمو م باشد ارزان تر ازقیمت تمام شد. عر ضه نمایند.

آیا افغا ن کار ت و یا ار گا ن های دیگر تجار تی کشور چنین اقدا ما تی را در دست اجرا دارند یا خیر :

**رئیس افغان کارت:**

به اجاز ه شما پیشس از اینکه به پاسخ پر سشس مشخص شما بپر داز م می پر داز م به یادآوری چندنکته در زمینه استقرار قیم :

در سطح جهانی نظر به خرا بی او ضاع ایران قیمت نفت این کشور بلند ر فته است و این گرا نی خود به خود رو ی نر خ ترانسپور تی تا ثیر میگذ ارد ،از سو ی دیگر نو سا ن نر خ اسعا ر درسطح جهانی رو ی قیمت هاتاثیر میگذارد و از استقرار آن جلوگیری میگردد به عنوا ن مثا ل دالر که چند ما ه پیشس چهل افغا نی قیمت داشت اکنو ن پنجا ه افغا نی قیمت دارد ، از این هاگذ شته یك عامل دیگر صعود قیمت ها و عدم استقرار آ ن ما ند ن ز یاد اموا ل در بنادر میباشد که به یقین این مشکلات در آینده حل میگردد .

به پاسخ سوا ل شما در زمینه ضرور ت قبو ل ضرر اقتصا د ی دولت به خاطر ر فا ه عا مه در مسایل عرضه مواد مورد ضرور ت مرد م باید بگو یم فقر زاد ه شرایط نا هنجا ر روابط فیو دا لی د ر جا معه است که تا هنو ز هم بقایای این گو نه مناسبا ت و روا بط خان سالار ی در جا معه ما به چشم میخورد که در نتیجه پیروزی کامل انقلاب و از میا ن ر فتن همه ضوابط فیو دا لی از میان میرود .

در پر سشس شما آنچه مربو ط به شر کت افغا ن کار ت میگر دد پاسخ آن این است که این شرکت برای جلو گیر ی از صعو د قیم کار ها یی را به انجا م آو رد ه است به عنوا ن مثا ل قیمت شیر که یکی از اقلام مورد ضرو ر ت همگا نی میبا شد بعد از آنکه رو به افزا یشس گذ اشت افغا ن کار ت مقا دیر فراوا ن آن را از کشور دو ست اتحاد شوروی وارد کرد و با افزا یشس عر ضه به مقدا ر بیشتر از تقا ضا موفق گردید قیمت آنرا به کنترو ل آورد .

اکنو ن نیز شرکت افغان کارت اقلام وارداتی خود را به قیمت تمام شد به بازا ر عر ضه میکند .

نقشس کو پرا تیف ما مو رین نیز در جلو گیر ی از صعو د قیم بسیار ار زند ه و اسا سی است و دولت بابت فرو ش اقلا م او لیه حیا تی مرد م مانند چا ی روغن آرد و غیر ه به قیمت نازل تر از نر خ تمام شد ضر ر هنگفتی را متقبل میگردد و به همین

**بقیه در صفحه ۵۰**

**گوشه یی از میز گرد ژوندون که پیرامون مسایل تجارتی کشور دایر گردیده بود**

مارتین لوتر کینگ

ترجمهٔ قاسم «سرمد»

پیوسته بگذشته

# من هم یك انسانم

...

## مارتین لوتر کنگ رهبر سیاهان

## چگونه بقتل رسید؟

در سپتمبر ۱۹٤٤ به‌شمول مارتین ۲۰٦ متعلم در پوهنتون مور هوس شامل شده بود ند •

رئیس پوهنتون که قدبلند وموهای خاکستری داشت شاگردان را به پوهنتون خوش آمدید گفته اضافه کرد که باید آنها بخود اطمینان داشته باشند تادر آینده موفق و رهبران با اراده وبا جرأت ببار آیند •

بعد از ختم مراسم شاگردان چندین روز را به شناسایی پوهنتون و آزمایش های روحی جسمی و غیره سپری کردند •

عمارت پوهنتون کهنه بود واکثرآنها توسط تاك زینتی پوشیده شده بود . برج زنگ پوهنتون که بر فراز یکی از لیلیه ها قرار داشت از دور ترین نقاط شهر به نظر میرسید•

چند روز پسانتر شاگردان صنوف بالاتر به‌پوهنتون‌آمده وپروگرام‌یك‌هفتهٔ برای شاگردان جدید ترتیب کردند •

مارتین و دیگران کلاه های سرخ تیره‌رنگ پوشیدند . رنگ سرخ تیره و رنگ سفید رنگهای رسمی پوهنتون بود •

هر گاه شاگردان نو سرود پوهنتون رادر ذهن نمی سپردند سر آنهارا می تراشیدند و یابا لباس زیر (شاور) میگرفتند •

کنگ رشته سوسیولوژی (علم اجتماع) را انتخاب وبدرس آغاز کرد • فضای درس‌برایش دلچسپ بود و برای‌اولین بار عملا درمباحثات غیر عادلانه بودن تبعیض نژادی حصه گرفت قبل برین هرگز در صفت نشنیده بود که قانون تجربه غلط و غیرانسانی بوده وباید لغوگردد•

پوهنتون مور هوس یك پوهنتون خصوصی بود و مصارف آن ازطرف ریاست جورجیا ویا شهر اتلانتا پرداخته نمیشد استدلال مالی باعث آزادی گفتار و غیرعادلانه تلقی نمودن تبعیض نژادی میگردید • مکاتب دیگری که مارتین در آن ها درس خوانده بود از دولت بودجه در یافت میداشتند واین یکی از دلایلی بود که استادان نمی‌توانستند بصورت آزادانه در باره قانون جدا سازی سخن گویند •

کنگ که شاگرد ممتاز بود در کلب آواز می‌خواند وعضویت کمیته انضباط پوهنتون را حاصل کرده بود • در رقابت های نظامی حصه میگرفت واستعدادش را بیشتر از پیش پرورش میداد . در صنعت دوم در مسابقات نطاقی شرکت جست و مقام دوم را بدست آورد•

مارتین در شورای مشترك پوهنتون های سیاه وسفید اتلانتا هم‌عضویت داشت . مقصد این شورا را تقویه دوستی بین پوهنتون هاو حل پروبلم های مشترك محصلین تشکیل‌میداد کنگ برای اولین بار به صفت عضو مساوی الحقوق شورا با سفید ها بمذاکره نشست• تجاربیکه در این شورا آموخت ویرا متقاعد ساخت که درجامعه سفید پوست هاهم اشخاصی پیدا میشود که از نگروها طرفداری میکنند • قبلا کنگ از تمام سفید پوست ها اظهار تنفر می‌نمود •

مارتین میخواست حقوق دان ویا داکتر طب شود ولی به تحصیل در رشته الهیات علاقه بیشتر داشت • پدرش باین تصمیم او موافق بود . مکیل اولاد هایش رابسیاردوست داشت ودر حالیکه همه به سن بلوغ رسیده بودند بازهم آنها را هدایت ورهنمائی میکرد و در تصامیم آنها شریك میشد ونصیحت به‌هرکدام بصورت جدا گانه می پرداخت •

فرزندان در مقابل پدر عکس العمل های مختلف نشان میدادند کریس دختر وظیفه شناس نصایح پدر راازدل و جان گوش میکرد کنگ انتقاد وبربی عدالتی نژادی را هرگز فراموش نمی‌کرد و خودرا برای برانداختن آن آماده می‌ساخت او دو سال اول پوهنتون را به تحقیق وتتبع ، مطالعه ، تفکر ،جروبحث وارائه سوالات سپری کرد •

وی در صنف سوم تصمیم گرفت در رشته الهیات درس بخواند ابتدا موضوع را با مادرش مطرح کرد مادر اورا به پدرش راجع ساخت وقتی پدراز تصمیم قطعی پسرش اطلاع یافت بسیار خوش شد وکنگ را تشویق نمو دتادرادامه تحصیلاتش مساعی و کوشش بیشتر به خرج دهد •

طوریکه قبلا تذکر داده‌ایم‌مارتین در رخصتی های تابستانی کار میکرد ودر دوران آن‌خود رابه مشکلات سیاهان آشنایی ساخت . باموفقی که‌پدرش در بین سیاه پوستان حاصل کرده بود می توانست بهترین کار برای خود تهیه کند ولی او در عوض به کار های کمر شکن دست می‌زد دریکی‌ازتابستان ها در قطار سریع‌السیرریل به‌حمالی پرداخت ودرتابستانی دیگر در فابریکه دوشك سازی کار کرد وی مشاهده کرد که ثقلت کار برای سیاه وسفید یکسان بود ولی یك فرق بزرگی موجود بود• این فرق پرداخت پول کمتر در مقابل همان کاربه سیاهان به مقایسه سفیدها بود . مارتین تصور نمود تا زمانیکه پرداخت غیر عادلانه موجود باشد نگرو ها به همان حیثیت اجتماعی خواهند ماند• درینوقت گفته‌پروفیسر سوسیولوژی که «پول نه تنها وسیله شرارت هاوبدی هاست بلکه ریشه تبعیض نژادی هم می‌باشد» بیاد کنگ آمد و آنچه را که در نظر آموخته بود در عمل مشاهده کرد •

مارتین در تابستان ۱۹٤۸ یعنی درسال چهارم پوهنتون مضمون در باره تعلیم و تربیه در اخبار پوهنتون به نشر سپرد • عنوان مقاله «هدف‌تعلیم وتربیه » بود وی در مقاله اش اظهار عقیده کرده بودکه‌منظور از تعلیم وتربیه نباید صرف آماده نمودن جوانان برای کار باشد و نباید یك شاگرد را به یك رشتهٔ مشخص تربیه کرد . تعلیم وتربیه باید در خدمت علمی و منطقی افراد قرار گیرد وبمردم تفهیم نماید راست را از غلط وواقعیت را از رویا تشخیص نماید . شخص معقول بایدجانب حقیقت وراستی را اختیار نماید و یك شخص با منطق این نظریه را که یك نژاد از نژاد دیگر مافوق است وجداناً نفی کند .

کنگ‌درجون۱۹٤۸ازپوهنتون فارغ‌التحصیل‌شدو به استثنای یك‌کورس فرانسوی درتمام مضامین دیگر نمره های خوب حاصل کرده بود •

کنگ در خزان سال‌مذکور به (کروزر)که‌یك منطقه سر سبز و مقبول بود رفت و بمکتب مختلط آنجاشامل شد دربین یك جمعیت (۱۰۰) نفری صرف شش نفر سیاه وجود داشت .

مارتین تبصره‌ها وقضاوت‌های شاگردان‌سفید رانسبت به خود و رفقای سیاه خود احساس میکرد وی میکوشید از اجرای برخی حرکاتیکه از نگاه سفید ها در وجود نگرو ها موجود می‌باشد احتراز کند ، نگرو ها اغلبا متهم به خندیدن های بی جا،بلند بودن آواز ،کثیف بودن وناوقت رسیدن به‌دروس بودند . کنگ اتاق خودرا پاك و صفا نگهمیداشت وبوت های خودرا همیشه رنگ میداد ، لباس هایش دایم نظیف ودر همه احوال بوقت معین بدروس

حاضر می‌گردید • مارتین در مکتب تاریخ کلیسا، حیات وکارنامه‌های پیامبران ،روحیات مذهب مسیح واخلاقیات می آموخت .

حیات مکتب به درس و تفکر محدود نبود شاگردان به شوخی هایی‌بین هم می‌پرداختند از جمله شوخی ها یکی این بود که شاگردان در غیاب هم صنفی‌هادراتاق آنها داخل و تمام فرنیچر موجود در اتاق را سر چپه میکردند در گروپ حمله آوران باتاق ها گاهگاهی‌کنگ هم حصه میگرفت •

روزی گروهی باتاق یکی از متعلمین که کنگ را بعضی اوقات«سیاه کک» صدا میکرد یورش برده بودند صاحب اتاق وقتی فرنیچر های خودرا در هم وبر هم یافت مستقیماً نزد کنگ رفت واورا متهم نمود که با تاقش داخل شده‌است . تصادفا کنگ در گروپ حمله‌آوران باتاق شامل نبود و موضوع که به شاگرد عصبانی اظهار نموده بود شاگرد مذکور حرف های اورا باور نکرد و کنگ را با تفنگ تهدید نمود • موضوع به حکمیت شاگردان گذاشته شد کنگ باین امر حاضر نه شد و مساله فراموش گردید •

چندی بعد متعلم مذکور به حقیقت موضوع پی برد و در پیش همه‌ازماتین معذرت خواست•

کنگ درین مکتب شاگرد ممتاز بود • وی‌به حیث اول نمره صنف خود به صنف رشیل اتحادیه محصلین مکتب انتخاب شد• کنگ بیانیه های جالب ایراد میکرد وروز بروز به محبوبیت او افزوده می‌شد •

کنگ در پهلوی دروس مکتب یك تعداد کورس های فلسفه رادر پوهنتون پنسلوانیا تعقیب میکرد کتاب های فلسفی را یکی بعد دیگر مطالعه می نمود و همیشه در جستجوی افکار و عقاید یك بزرگان و فلاسفه بودو میخواست با استفاده از عقایدو افکار آنهابه جنگ علیه بیعدالتی ها در جامعه امریکا برود و زمینه را برای این مبارزه آماده سازد •

کنگ آثار(تارو) نویسنده‌قرن (۱۹) رامطالعه کرده بود (تارو) عقیده داشت که هیچکس‌نباید از قوانین غیر عادلانه طرفداری و حمایت کند یعنی وقتی یك شخص‌واقعااحساس کند که‌یك قانون غیر عادلانه در جامعه تدوین شده‌است از آن نباید اطاعت نمود وافراد در شکستن آن باید خطر اتی را قبول دار شود •

وقتی قوانین غیر عالانه دریك جامعه تدوین میگردد بهترین ماوا برای افراد صالح محبس می‌باشد •

از نگاه مارتین گفتار (تارو) در مورد قانون تجرید صدق میکرد چه این قانون نه تنها غیر عادلانه بود • بلکه بر ضد قانون اساسی آن کشور هم بود •

مفکوره مقاومت و عدم تشدد (مقاومت منفی) (تارو) مفکوره خوبتری به شمار می‌آمد •مارتین به مطالعه آثار فلسفی ادامه میداد ودر صدد بود اساسات برادری و دوستی را به حیث یك عامل عمده بر ضد بیعدالتی بکار بندد •

کنگ با جانسن رئیس پوهنتون (هوارد) که در جهت پایان دادن تبعیض نژادی از راه دوستی و برادری مبارزه میکردو از هندوستان بر گشته بود نیز ملاقات و دیدار کرده بود• وی در هند استفاده از محبت‌به‌همنوع را که‌به حیث یك وسیله موثر از آن کار گرفته شده بود به چشم سر مشاهده کرده بود • جانسن گاندی را به مردم خود شناساند •

پولیس رمینگهام داکتر لوترکینگ را به‌اتهام شرکت در مظاهرات دستگیرنموده‌است .

کنگ تمام کتاب هایی را که درباره گاندی بود جمع آوری و مطالعه کرد وباین نتیجه‌رسید که دوستی وبرادری باعث پیروزی میگردد•

کلمه دوستی را که گاندی بکار می‌برد به منزله و معنی دوستی یك طفل ، یك معشوق پدرو مادر و غیره نبود بلکه به معنای احترام ورعایت حقوق همنوع بود •

گاندی بر علیه حکمفرمائی انگلستان مبارزه نمود از دادن تکس به مقامات انگلیسی اباء ورزید • به ساختن دستگاه بافندگی دستی برای تولید پارچه های مورد نیاز مردم خود اقدام نمود و میخواست هموطنان خودرا از وابستگی به تولیدات نساجی بر تانیه بی‌نیاز سازد •

گاندی وطنداران خویش رابه‌طرف بحرهدایت کرد تانمك جمع کنند وانزجار شانرا بر ضد تکس برنمك باشغالگران نشان دهند •

وقتی اورا به محبس می‌بردند بدون اعتراض به سوی محبس روان شد • گاندی هم آثار (تارو) را خوانده بود •

گاندی از ابراز تنفر بر علیه انگلیسها که‌در حق هندی ها از منتهای بی عدالتی کارمیگرفتند احتراز کرد وآنهاراهم نوع خود خطاب می نمود وبر ضد آنها نه دست خودرابالاکردو نه صدای خودرا بلند نمود ودر مقابل زجرو آزار آنها رفتار دوستانه داشت و عاقبت پیروز شد•

گاندی رادر سال ۱۹٤۸ بقتل رساندند ولی با مرگ او افکارش از بین نرفت • عقاید او اولا به جانسن وسپس به داکتر کنگ انتقال یافت •

مارتین در سال ۱۹۵۱ لیسانس خودرا در رشته الهیات بدست آورد . بلندترین جایزه اسکالرشپ و هم چنان پروگرام فیلوشپ لویی کروز د برای دو سال بوی تعلق گرفت واجازه یافت بد لخواه‌خود دوره دوسال مذکور رادر یکی از پوهنتون هابه‌اتمام برساند. کنگ پوهنتون بوستون را انتخاب کرد •

کنگ درپوهنتون بوستون برای اخذدوکتورای فلسفه بدرس آغاز نمود •

وی بایکی از هم‌صنفی های دوران پوهنتون مورهوس که در پوهنتون(تفتس) درس میخواند یك اپاراتمان را بکرایه گرفت ، آنها باتفاق هم یك کلوب‌فلسفی هفته وار را افتتاح کردند• فارغ التحصیلان سیاه پوست‌پوهنتون بوستون برای مباحثات فلسفی به کلوب می‌آمدند •در کلوب مقالات مختلف فلسفی قرائت و حاضرین نظرات خودرا مبنی بر تائید ویا رد آن ابراز میکردند • کلوب‌در محافل علمی شهرت زیادی کسب نمود وشاگردان سفید پوست هم در جلسات آن اشتراك می‌نمودند •

کنگ بعداز چند ماه اقامت در بوستون باکورتیا اسکات شاگرد کنسرواتوار موزیك آشنا شد کورتیا میخواست سر اینده کانسرت شود کنگ مجذوب وی شد وکورتیا هم کنگ را مرد خواستنی یافت آنها درسال ۱۹۵۳ باهم ازدواج کردند •

مارتین کورس خود را در بوستون تمام‌کرد و تحقیقات را برای نوشتن (تیزس) داکتری شروع نمود • موضوع‌تیزس اورا خاتمه دادن به اختلاف فلسفی دو نفر فیلسوف (که یکی آلمانی و دیگری امریکائی بود) که‌از (۲۰) سال باین طرف لاینحل مانده بود تشکیل میداد •

کورتیا درسال ۱۹۵٤ از کانسرو اتوار فارغ شد کنگ هم تمام شرایط لازمه را (باستثنای تیزس ) برای بدست آوردن شهادتنامه تکمیل کرده بود و پیشنهادات کار از طرف کلیسا هاو پوهنتون ها برایش میرسید در جمله این پیشنهادات ریاست فاکولته ، پست های اداری و سمت های استادی شامل بود •

بقیه در صفحه ۵۰

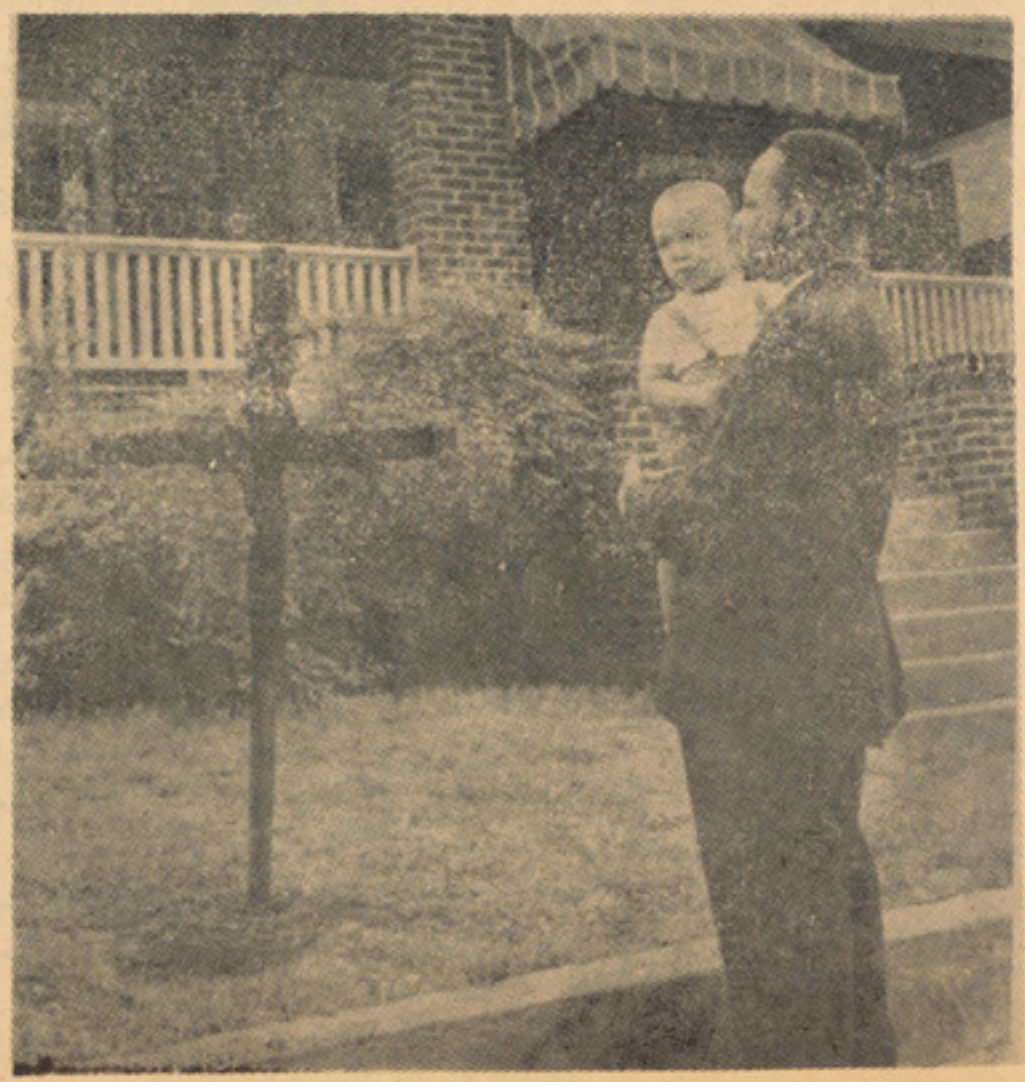

داکتر لوترکینگ، اطفال را همیشه موردنوازش قرارمیداد ومیگفت اینها حق بسیاربرما دارد .

## برای شما برگزیده‌ایم :

### هر هفته یک داستان از ادبیات جهان

این هفته از ادبیات یوگوسلاوی

# فیل در دوسیه

از : برانسیلاونوشیچ

بر انسیلا و نو شیچ از نو - یسندگا ن به شهر ت رسید ه‌اواخر قرن نزد هم یو گوسلا و یا است‌که قصه هایش بیشتر ر نگی از طنز اجتما عی داردو با دید ی نقا دانه به تحلیل او ضا ع اجتما عی زما ن خود و سا د گی و بی شا یبه گی بر خی از انسا ن ها یی مـــی پر دازد که در زیر ضوابط غیـــر انسا نی بیرو کرا تیك فشر د ه شد ه و به علت جو یی نیز پرداخته نمیتوا نند ، آد م ها و کر کتـــر های این نویسند ه که آثار شـــ به بیشتر ز با ن های زند ه دنیابه چا پ رسید ه است نمو نه وا قعی ازانسا ن های جا معه یی میباشندکه در آ ن همه چیز در بیهود گـــی غرق است ،او اعما ق جا معه را میکاود و با دید ی ژرف و عـمیق به خلق تیپ ها یی می پر دازد که همه خصو صیت های عینی جامعه در و جود آنا ن انعکاس یا فتـــه است .

«فیل در دوسیه» یکی از آثـــار طنز آمیز او ست که به و سیلـــه «سژا ن » به در ی بر گر دا ن‌شده و ما با مقـداری تز یید و تصر ف آنرا از نظر شما میگذرانیم .

• • •

شهر دارای یکهزار و هشتصـد نفر جمعیت ، شش کو چه ، سـه کشیش ، هفت کا فی ، یـــك شاروا ل ، دو مهمانخا نه، هفد ه زن بیو ه ، سه معلم ، دو معلمه ، زن‌بیوه،سه‌معلم، دومعلمه‌دوبازاربود دو بازار ،بود که‌در این اواخر یك باغ وحش‌نیز به‌آن‌افزوده شده بود.

باآنکه آقای «پا یا» شخصیـت بر جسته شهر عقید ه‌داشت که با نبود ن این با غ‌و حشس باز هم‌شهر بـه اندازه کافی حیوان دارد بـــار هم متصد ی سیر ك سیار حیوانات ناچار بود برای تر تیب نمایشس به شهـر بیایـد زیرا در غیـــر آن حتی یك پو ل هم برای ادا مه‌سفر خود نداشت .

باورود سیر ك به شهر «ساوا»ی بقال مقدار ی تخته و میخ نسیه به صا حب آن فرو خت « نیچکو » ی صابو ن پز هم مقدار ی گو شت‌برای حیوانا ت او قر ض داد و به ایـــن ترتیب سیر کچی مهربا ن موفـق گردید در مد ت یکرو ز خیمه اش رابر پا دارد و سحر گا ه روز بعد هم دایر ه ز نگدا ر ش را به دست گیرد و به جار زدن این مـوضوع که سیر ك باشکو ه جهانی بر ا ی نمایش آماده است مردم را بـــه خرید تکت دعو ت کند .

سیرك مجمو عا دارا ی ششـــ حیوا ن بود که شا مل یك خر س لاغر و مرد نی ، یك فیل پیر وتنبل یك پرند ه عا دی خانگی ، یـــك شا دی یك سمور و یك رو با ه بود که تماشا گر به مشکل میتوانست به هویت آنا ن پی برد .

اهالی شهر بـــه تما شا ی باغ وحشس ر فتند ، اماپس از آنکه همهٔ آنها از برابر قفس ها گذ شتند صا حب سیرك مدا خلشس رامحاسبه کرد ومتو جه شد با اینکه هـــر تما شا گر یك گروش با بت حـــق ورود پرداخته است ، در آمد ش از دو صد و ده گرو ش تجا و زنمی کند .

در این حا ل در مدت هشت روز میزا ن قر ض اربا ب محتر م با غ وحشس با بت قیمت گو شت بـــه پنجصد و هجد ه گرو ش رسیـد ه است .

نیچکو ی صابو ن پز چند روز پی هم گو شت نسیه به او میفرو خت ولی بعد ا ز یك هفته و قتی متوجه گردید که صا حب سیر ك خیـا ل داد نطلب او را ندارد به وی‌مراجعه کرد و گفت :

ـرسید بنویسس !

ـبا کمال میل .

وصا حب سیر ك با گفتن ایـــن سخن رسید ی به مبلغ پنجصد و هجده گرو ش نو شت و به دست نیچکو ی صابو ن پز داد .

عصر روز نهم و قتی صا حب سیر ك متو جه گردید که قرو ضشس به میزا ن پنج برابر سر یعتر از در آمدش ، افزا یشس می یابـد ، همسر ش را صدا زد .

آنها دونفر ی نشستند ، یك‌بوتل مشرو ب رو ی میز نها دند و به‌طور جد ی در بار ه خود ، حیوانا ت‌خود واینکه نمیتوا ن به این تر تیب به زندگی ادا مه داد ، بحث کردند .

صبح روز بعد همز ما ن با باز شد ن دکا ن ها در سرا سر شهـر شایع شد که شب گذ شته‌صا حب محتر م « سیر ك باشکو ه جهانی!» فرار کرد ه و زن و سمور آ بـــی وشادی را نیز با خود برده و بقیه چیز ها یعنی قرو ض ، خرس ، فیل ، پرند ه و رو با ه را بـرا ی اهالی شهر به جا ی گذ اشتـــه است .

گر چه تمام مرد م از این خبر مبهو ت گردیدند اما ساوا ی بقا ل ونیچکو ی صابو ن پز واقعااز صمیم قلب متاثر وغمگین بودند :

آقا ی پایا که مو ظف شده بود لست اشیا ی با قی ماند ه راترتیب وگزار ش کند فو را به باغ‌و حشس رفت و فهر ستی را به این شر ح به نبشت آورد :

۱ـفیل بزر گ یك راس .

۲ـدمپا یی پاره یك جفت

۳ـرو با ه بدو ن گو ش،درو ن قفسس یك راس .

٤ـجورا ب مردا نه کا ملا پار ه یك لنگه .

٥ـپرنده یی با د م رنگ شده شبیه ار د ك یك عدد .

٦ـمیز شکسته یك عد د

۷ـ خرس با پو ست مستعمـــل درون قفس یك راس

۸ـمیخ معمو لی نیم کیلو .

۹ـسطل دسته دار دو عدد .

۱۰ـدایره ز نگدار مستعمـــل یك عدد

# فیل در وسیله

۱۱ـکتا ن معمو لی یك پار چه.
۱۲ـپرد ه سر خ معمو لی یـك
ت .
۱۳ـبو تل بز رگ که معلو م می
ود محتو ی شرا ب بود ه یـك
د .
۱٤ـچو ب دراز یك اصله .
۱۵ـتسمه ی سو را خ دا ر یك
د .
۱٦ـچرا غ مستعمل یك عد د.
۱۷ـتابلو بانو شته « سیر ك با
کوه جهانی » یك عدد .
پس از تنظیم فهر ست ، با غ
شس را مهرو موم کردند ، امـا
وانا ت معصو م با مشا هده‌اینکه
یا به هیچ صورت در نظـر
ارد شمکشا ن را سیر کندچنا ن
ه یی سر دادند که اشك‌در چشم
ه تماشا گرا ن حلقه زد ، فیـل
ند بیو ه ز نی که در مرا سم یاد
د مر گ شو هر ش بگرید، مـی
یست اما خر س از شد ت‌گرسنگی
د ر لاغر شد ه‌بود که مانـنـد
ا ر ی جیر جیر میکرد و لی طبیعی
ت که آقا ی پایا حق نداشـت
ساسا ت خودرا بروز دهد زیرادر
ل انجا م داد ن و ظا یف ادا ر ی
.
تا فهر ست آقا ی پایا تنظیـم
دید ، تا در بار ه آن تصمیم‌گرفته
و مورد اجرا قرار گر فت .
تقریبا تمام اها لی شهر درمراسم
م که یکی از جا لب تر یـن
م ها در مد ت عمر آنا ن بو د
کت دا‌شتند ، همه می خند یدند
هم چشمك میزدند و در ایـن
ن‌آقا ی پایا مملو از شرا فت
س وو قا ر با تکبر تمام به امور
م رسید گی میکرد .
میز آبی رنگ به هفت گرو ش
کیلو میخ به سی «پارا» قطعـه
ك کتان بـه نزده گـروش و
ه ها ی سر خر نگ به سـه
و ش به فرو ش رسید ، لنگـه
را ب مردا نه را به دور انداختند
چو ها با پر داخت چهل و دو
وش دایر ه ز نگدار راخریدند ،
لو یی را که « سیر ك‌باشکو ه
انی » رو ی آن نو شته شده‌بود
ی بقا ل به هشت گرو ش‌فروخته
. بعد از لیلام این اشیا آقـای
ا انگشتش را رو ی فهر ست
اشت و با لحن بسیار جـد ی و
سمی گفت :
فیل را بیاو رید !
فیل با خو نسرد ی ظا هر ی و باطنی غیر عادی اجازه داد که‌بـه لیلام گذ اشته شود ، اما و قتـی اعلام گردید که قیمت آن دو صـد گروش تعیین شده است غرو ر ش جریحه دار شد و بایك حر کت تند خرطو م ، ضر بتی به سر آقا ی پایا وارد آورد که تا مدتی‌او راگیج ساخت و مرد م را به خنده انداخت.

بالا خره لیلام شرو ع شـد ، نیچکو ی صابو ن پز بیش ازهرکس دیگر ی به جریا ن لیلام علا قمندبود زیرا او عمد ه ترین طلبگا ر فرار ی باغ و حش به شمار می آمدو مـی کوشید هرشیئی‌حتی‌نیم گروش‌هم‌که بشود گـران تربه فروش رود ، در مورد فیل هم او همین کار راکردو وقتی تماشا گرا ن قیمت آنرا بـه شو خی و مسخر گی تا دو صد و شش گرو ش بالا بردند نیچکویك گروش به آ ن علاو ه کرد ، کسی از میان جمعیت دو گرو ش بعد یکنفر یك گرو ش وسو می نیم گرو ش‌به آن‌علاو ه کرد تا قیمت فیل به د و صدو ده گرو ش رسید ، طبـل لیلام مر تب صدا میکرد نیچکو یك پارا ی دیگر به قیمت افزود ، همه ساکت شدند ما مور لیلام صدا کر د «یك»و نیچکو بانگا ه تر حم انگیز به جمعیت نگاه کرد دوباره‌صدابلند شدکه « دو » دانه های عر ق رو ی پیشا نی نیچکو ظا هر گردید ،مامور ادا مه داد :

«سه » اشك در چشمان نیچکو نشست مرد م می خندیدند و فر یاد میکشیدند و نیچکو را مسخر ه می کردند که پو لیس ریسما ن فیل را به دست او داد . و فیل نیز بـا اطمینان اینکه نیچکو ی صابو ن پز باید آدم خو بی باشد دنبا ل او به راه افتاد .

نیچکو مانند اشخا ص لت خورده در کو چه ها سر گردا ن بود و د ر افکار آزار دهنده یی فرو ر فتـه بود :

زن من « سویکا » که سه مـا ه است اجاز ه نمیدهد کلا ه نو یی‌برایم بخرم چه خواهد گفت ؟

بقیه در صفحه ٤۳

# جنبش
# دموکراتیک بین المللی زنان
# درمرحلهٔ کنونی

از سلسله انتشارات ساز مان د مو کراتیک زنان افغانستان .

جنبش دمو کراتیک بین المللی زنان د ر مرحله کنونی رساله ای است دارای (۱۱٤) صفحه که اخیرا از طرف ساز مان دمو کراتیک زنان افغانستان به نشر رسیده است .

این کتاب در نوع خود می تواند نخستین اثری باشد که به زبان‌دری درکشورماچاپ‌شده است. درین مجمو عه‌ی کوچك مطالبی جالب وقابل استفاده جای گرفته است که برای خواننده علاقمند می تواند جالب و آ موزند ه باشد در پیشگفتار این رساله دکتور اناهیتا راتبزاد ر ئیس ساز مان دمو کراتیک ز نان افغانستان می نو یسد :

محتویات این کتاب را مسایل مبرم و در دستور روز کنونی پروسه‌ی انقلابی جها نی یعنی پرو بلم های مر بوط به عنصر متشکله این روند ، جنبش بین المللی د مو کراتیک زنان تشکیل می دهد .

یکی از مشخصات دو ران ما ارتقای نقش جنبش دمو کراتیک بین المللی ز نان‌در جنبش خلق هابخاطر زندگی بهتر ، صلح و رفاه محسوب می گردد که این پدیده خود زا ییده‌ی تغییر چهره‌ی سیاسی جهان یعنی ایجادسیستم جهانی سوسیالیستی ، و پیروزی پیهم جنبش طبقه کارگر و نیرو مندی موج جنبش آزادی بخش ملی می باشد . »

« فد راسیون دمو کراتیک بین المللی‌زنان» نخستین مقاله‌این رساله است که ا ثری تحقیقی است و به معرفی گسترده‌ی‌فد راسیون دمو کراتیک بین المللی ز نان می پر دا زد . درین نو شتار نشان داده می شود که زنان مبارز چگونه برخلاف همه تلاش ها و کو شش های لجاجت آمیز جنگ افروزان، پاسداران نظام های ار تجاعی و بیداد گر به مبا رزات رهایی بخش و سازنده‌ی خود ادامه می د هند، از حقیقت آ زادی و عدالت اجتماعی با قاطعیت وشور انقلابی د فاع می نمایند . زنان درروند تاریخ در بسیاری از سر زمین ها و قلمرو ها تحقیر شده اند ، شکنجه دیده واز ابتدایی ـ ترین حقوق انسانی و مدنی بی بهره گشته‌اند. درین اثر نشان داده می شود که زنان مانند مردان علیه استبداد و بیداد قا مت ا فرا خته زیر بار نا هنجاری و زور گویی نظام های ارتجاعی تاراجگر و بیداد گر نرفته اند . زن باوجودی که مو رد تحقیر و شکنجه قرا ر گرفته است دست از مبارزه و پیکار نکشیده همچنان به‌مبارزه وراه پیمایی ادامه داده وهدف های خویش را دنبال کرده است . در نخستین مقاله‌ی کتاب « جنبش دمو کراتیک بین‌المللی زنان- افغانستان با چهره هایی از زنان مبارز، آگاه ودرد مند آ شنا می شویم که‌درفش مبارزه راتامرز پیروزی بر زمین نگذاشته اند. به پیشواز مرگ و شهادت رفته اند اما ازشرافت و حیثیت انسانی دفاع کرده اند خواستار حقوق خود شده اند که در سراسر تاریخ به وسیله‌ی مشتی از زور گویان پا مال شده است . درین بخش کتاب نشان داده می شود که چگو نه زنان سراسر جهان در آسیا ، افریقا ، امریکای لاتین صف های خودرا فشر ده‌تر کرده اند در راه به دست آوردن حقوق خو یشتن بسیج شده‌اند. خواننده باقهرمانی های زنان مبارز جهان مبارزات پیگیر و د وامدار شان، شهامت های بی نظیر شان آ شنا می شود . درین‌بخش نمایانده می شود ز نان چه قهر مانی هایی در ویتنام ، فلسطین وافریقا و الجزایر نشان‌داده اند . باریختن خون های گرم خویش همچنان درفش آزادی را بر افراشته نگا هداشته اند . در رابطه بااین مقاله عکس هایی از او ژ نی کوتون شخصیت بر جسته ا جتماعی فرانسه‌و اولین ر ئیس فداراسیون د مو کراتیک بین ـ المللی زنان ، تصویری از نخستین کنگره تاریخی زنان که بتاریخ ۲٦ نوامبر ۱۹٤٥ در پاریس کشایش یافت . عکس از هیر تـه کوس نین شخصیت برجسته فنلند و دومین رئیس فد راسیون دمو کراتیک بین المللی‌زنان وفریده براوون سو مین ر ئیس فد راسیون دموکراتیک بین المللی زنان که تا اکنون ریاست فد راسیون را به عهده دارد نشر شده است که برای خواننده‌ی علا قمند جالب است

وبا قیافه های سر شناس جهانی آ شنا میشود که همه‌ی نیروی خودرا در راه رزمندگی‌ودفاع از حقوق ز نان صرف کرده اند. فد راسیون جهانی زنان اکنون به سازمان پر قدرتی در سراسر جهان مبدل شده است که با قا طعیتی تمام از صلح ، آزادی و عدالت اجتماعی دفاع می نمایند . همچنان این بخش کتاب باتصویر ها و عکس هایی از بر گزاری سو مین کنگره زنان منعقده کو پنهاگن ، کنگره مسکو که درآن بیش از دو هزار نماینده از یکصدو سیزده کشور اشتراك ورزیده بودند ، گرد هم آیی برلین که تحت شعار صلح ، مساوات‌وانکشاف برگزار گردیده بو د آراسته گشته است .

دو مین مقاله این رساله « ار گانهای رهبری کننده‌ی فد راسیون د مو کراتیک بین المللی زنان را » مورد مطالعه قرار داده است. که‌برای خواننده علا قمند بهترین منبع معلو ماتی درین زمینه می تواند باشد . « مبارزه برای صلح و خلع سلاح به مثابه یکی از وظایف عمده‌ی جنبش بین المللی ز نان » نام سو مین مقاله‌ی این رساله است که آ غاز چنین دارد :

« صلح نیاز مندی همه خلق هاست . و لی زنان به آن بیش از هر کسی نیاز دارند» »

سطوری راکه درزیر می خوانید آخرین کلمات زنانی است که بدست و حشیان هیتلری‌نابود شده اند . »

مادر عزیزم !

نوشتن آ خرین کلمات ز ندگی کار خ دشوار است . ناخود آگاه همه خا طرات د انسان زنده می گردد و بهترین آ نها درد فرسایی را ببار می آورد . درین روزها ع من ناگزیر م تا بخود بگویم . « با شه باش به زانو درنیا . » مادر جان ! شجا من نیز تلاش خواهم کرد تا دلاور باشم .

« انا » دختر

«انا» که ۲۹ سال داشت در پراگ ب ۱۲ می ۱۹٤٤ به دست اشغالگران هیتلری باران شد .

عزیزم میمه !

مادرت برای همیشه از نزدت میرود در آخرین د قایق ز ندگی در عالم خی با توست. دختر نازنین و بی نهایت د و داشتنی‌ام تلاش کن د ختر خوب باشی ب هایت توجه کنی واز ماما هایت همیشه‌ف بردار باشی آ نان را مانند من دوست باش! من به آرامی میروم بـه همـه دو ونزدیکان مابگو که مرابه خاطر گناه بزر مصیبتی که برایشان ببار آورده‌ام ببخش تونباید گریه کنی . من هیچگاه برایت ننگ نبوده‌ام . و قتی که بزرگ شدی چیز را خواهی فهمید یگانه خواهشم از اینست که خوب درس بخوانی ، روحم ه باتو خوا هد بود .

مادر بدبخت تو « گاریکی میر

او به سن ۲۸ سالگی به تاریخ اول‌نو ۱۹٤٤ در ایتالیا بدار آویخته شد .

مادر جان ، مادر !

عنقریب لحظه‌ای فرامی رسد که با ز برای همیشه و داع می گویم . همه د ش هارا حالا دیگر به عقب گذاشته ام رنج از گانسن کوچکم دیگر به پایان رسیده از خاطرش تشویشی ندارم . میدانم که به دست های مطمئن تو سپرده ام . مادرع به من وعده بده که به خاطر او با روحیه‌ز مطمئن ام که تومی توانی این‌طور باش همانطور که توانسته‌ای همه رنج‌ها ومحرو های زندگی راباشکیبایی تحمل نمایی . درست نیست مادر جان ؟

مادر ، مادر یگانه ام ؟ عشق بزرگم همواره در حلقه خواهد داشت . بهمان دلاورباش که همین لحظه من می خواهم با

این دختر مبارز « خلیده کویی» در چار سالگی به تاریخ پنج اگست ۱۹٤۳ برلین تیر باران شد و گانسن شو هر ا ۱۹٤۲ به دار آویخته شد .

این واقعیت هایی است اندو هبار ودر که سیمای ضد انسانی امپریالیسم و روی این سکه فاشیسم را نشان می دهد که تباهی انسان وانسانیت کمر بسته اند. آزاد در اتحاد شوروی» عنوان مقاله ب

بقیه در صفحه ۵۰

مناسبت سی و ششمین سالگرد
ملل متحد

# حقایقی چند درباره‌ی ملل متحد

توبر سال ۱۹۸۱ موسسه‌ی ملل متحد
ش ساله شد ، تغییراتی که طی این
ش سال در اجتماع رخ داده در تاریخ
ندارد نقشهٔ سیاسی جهان بابوجود آمدن
یکصد کشور جدید کاملا تغییر کرد،
جهان در نتیجه قلت و افزایش بهای
م و نیرو طوری تغییر یافته که حیات
ادار را یکسان به خطر مواجه ساخته
حقوق بشر مفهوم و ابعاد گسترده تر
تر یافته است •

نین یك عصر ملل متحد نه‌تنها زنده
بلکه در گسترش بسیاری از تحولات
ر خورد با تغییرات منفی نقش داشته
تعداد اعضای سازمان ملل متحد که‌در
هلك ترین جنگ تاریخ بشر توسط
ورتاسیس گردیداکنون‌به‌بیش‌ازیکصدو
سه‌کشور ارتقایافته وساحهٔ فعالیت‌های
با کلیه ارتباطات انسانی را احتوا
طی این سال ها موسسهٔ ملل متحد
ت فشار حوادث آمدهٔ مگر نقش هایی
حوادث‌درسیمای‌آن‌بجاگذارده‌خود گویای

مقام آن منحیث عنصرفعال در حیات بین‌المللی است . طی سال های اخیر ملل متحد در بسا موارد بباد انتقاد گرفته شده ، در بعضی‌ازاین انتقادات سؤنیت مضمر نبوده ، ولی برخی از عدم آشنایی با آن ویا دلایل سیاسی سرچشمه گرفته اند . انتقاد واقع بینانه و سازنده برای موثریت هر یك از موسسات یك امر لازمی است ، مگر انتقاد مبتنی بر اطلاعات نادرست نه بحال موسسه ملل متحد مفید است و نه به جامعهٔ جهانی •

## ملل متحد در تغییر او ضاع جهانی چه کرده میتواند ؟

دنیای امروز دستخوش اختلاف شك وتردید است ، شعله های اختلافات منطقوی در شرق میانه ، قبرس و بسیاری از نقاط افریقا و هند و چین باز هم زبانه می‌کشد مصارف تسلیحاتی بازهم‌بلندمی‌رودومسابقه تسلیحاتی بازهم لجام زده نشده است • در همزدگی نظام اقتصاد بین المللی ادامه داردو شگاف بین غنی ونادار به وسعت همیشگی خودباقی است ، تبعیض نژادی ملیون ها انسان را در افریقای جنوبی از حقوق ذاتی خود محروم میسازد و حقوق اساسی تعداد بیشمار مردم در اکناف جهان به ذرایع مختلف پامال می‌گردد ملیون ها نفر دیگر در پنجهٔ آفات سماوی و تعذیب سیاسی در جستجوی منزل ملجا اند در عین حال با پروبلم‌های‌جدید وجدی دیگری چون حفاظت محیط زیست انسانی ، تامین‌نیرو و ضروریات جهانی که نفوس آن تاپایان قرن قریب دو برابر خواهد شد مواجه می‌باشیم و گذشته از همه هیولای هستوی همچنان بر- سرماسایه می افگند .

بسیاری از مردم ، ملل متحد را مسوول وضع کنونی جهان می دانند ولی چنانچه قبلا تذکار یافت ، ملل متحد حکومت جهانی نیست و صرف در صورتی می‌تواند دست بکاری بزند که کشور های عضو در مورد تصمیم بگیرند این کشور های عضو اند که به ملل‌متحدارادهٔ سیاسی برای عمل ، پول، ، کار مند و مواد و جهت می‌دهند در صورت فقدان هر یك ازاین عناصر ملل متحد نمی‌تواند بامشکلات موفقانه پنجه نرم کنند ، البته ازکشور ها توقع برده شده نمی‌تواند که با هماهنگی کامل و مداوم کار کنند •

## ملل متحد درگذشته چه کارهایی را انجام داده است ؟

در ۳۶ سال گذشته‌ملل‌متحد کار های‌زیادی را انجام داده است ، بعضی از موفقیت های آن در مطبوعات بخط درشت منعکس گردیده مگراکثرکـــار هـــای آن تبلیغ نشده است . زمانیکه منشور ملل متحد امضا گردید خود ارادیت ، یعنی حق‌حاکمیت مردم وحق انتخاب روش زنده‌گی شان یك هدف بود، ملل متحد این هدف رادرمقابل وجدان جهان نگهداشت امروز این هـــدف در اکثر سرزمین های که سابق تحت استعمار بود تحقق یافته است میانجی گری ها وقوت های حفظ صلـح د ر کنترول نمودن یا پایان بخشیدن به برخورد واختلا فات دربین کشور های عضودر بسا نقاط جهان نقش داشته اند •

ملل متحد درسال ۱۹٤۸ اولین اعلامیهٔجهانی حقوق بشر را در تاریخ تدوین نموده و متعاقب آن دو میثاق دیگر را تصویب نمود، که‌حقوق مدنی و سیاسی و اقتصادی مندرج در اعلامیهٔ جهانی را شرح داده و به تامین آن کشور های عضو را قانونا متعهد میسازد. این‌میثاق ها در سال ۱۹۷٦ نافذ گردیده وشامل ترتیباتی غرض رسیده‌گی به شکایات و عدول از موازین حقوق بشری می باشند •

در چوکات ملل متحد و سازمان های مربوط آن کنوانسیون های زیاد دیگری کـه تحت آن کشور ها تامین حقوق خاص را تعهد می‌نمایند به امضا رسیده است • مثلا کنوانسیون های قتل نوع ، حقوق سیاسی زنان ، برده گیری‌و برده فروشی . کار اجباری، حیثیت‌مهاجرین، از بین بردن تبعیض نژادی و غیره •

در ساحهٔ اقتصاد و مسایل بشری واجتماعی موفقیت های مهم ملل متحد قابل ملاحظه اند.

ـتحت یك عملیاتی که از طرف موسسه صحت جهانی انسجام یافت چیچك محوگردید.

ـبه کوشش موسسهٔ مواد غذائی وزراعت یك سیستم اخطار قبلی در برابر کمبود های احتمالی حبوبات ومواد‌غذائی دیگر براه‌انداخته شد • از طریق صندوق اطفال ملل متحد و موسسهٔ صحت جهانی به چهار صد ملیون‌طفل در برابر امراض مهلك ومعیوب کننده معافیت داده شد • عملیات خطوط هوایی جهان درنتیجه قوانین و مقرراتیکه روی آن در چوکات موسسهٔ فضانوردی ملکی موافقیت بعمل آمده محفـوظ تر گردیده است • در تطبیق تقریبا هشت هزار پروژه انکشافی از طریق پروگرام‌انکشافی ملل متحد معاونت بعمل می آید، معاونت به پناهندگان از طریق کمشنر عالی ملل متحـد انجام داده می شود ، معیار هایی که ازطریق موسسهٔ بین المللی کار تثبیت گردیده شرایط حیات را برای ملیون ها کارگر در اطراف‌و اکناف جهان بهتر و محفوظ تر ساخته است ، آبدات گران بها چون معبدابواسمعیل در مصر واکروپولس در یونان به‌کمك موسسه تعلیمی علمی و فرهنگی ملل متحد از تخریب و نقص حفظ میگردد .

## کوششهای ملل متحد درامـر حفظ صلح

فعالیتهای حفظ صلح ملل متحد یقنا در جلو گیری از بروز مجدد تصادم و تمدید برخورد ها در تعدادی از نقاط بحرانی جهان موثر واقع شده است •

ملل متحد از بدو تاسیس ، پانزده عملیات حفظ صلح رادر نقاط مختلف شرق میانه در قبرس ، در کشمیر در جمهوریت دومینکـــا ، و د ر کـــا نکـــو ( فعـلا ز ا یـر ) براه انداخته است •

این عملیات معمولا به تعقیب برخورد های مسلحانه بین متخاصمین ودر خواست ملل‌متحد برای آتش بس بـراه افتاده اند وهدف عملیات حفظ صلح بطور عمومی شامل رعایت ونظارت از رعایت مقررات او ربند ، جلو گیری از تجدید برخورد ، ودر اکثرموارد تسهیل دست یابی به حل صلحجویانه اختلاف میباشد • در اکثر عملیات حفظ صلح این مامول های مهم تحقق‌یافته اند •

تشکیل قوای اضطراری ملل متحد درسال ۱۹۷۳ برای ثبوت مفید یت عملیات حفظ صلح ملل متحد مثال خوبیست درماه اکتوبر آنسال باز هم بین مصر واسرائیل تصادم واقع‌گردید. وبا شدت جنگ بحرانی پدید آمد که خطر شمول قوای بزرگ رادرین بـرخـورد بمیان آورد • تشکیل قوای اضطراری ملل متحد توسط شورای امنیت بتاریخ ۲۵ اکتوبر ۱۹۷۳ ورسیدن اولین واحد های این قوا در ظرف سی ساعت در صنحه عملیات به رفع ایـــن خطر بزرگ تقلیل تشنج ، واعادهٔ آتش بس کمك نمود •

شورای امنیت در عملیات حفظ صلح ملل- متحد صلاحیت اعمال قوه را تفویض نکرده است و چنین عملیات بایستی به اصل توافق مبتنی‌باشد. چین‌عملیات‌صرف به‌موافقه شورای امنیت (وازینرو‌به‌موافقه‌قوای‌بزرگ‌که درشورای امنیت از حق ویتو برخوردارند ) براه انداخته شده میتواند . بااین دلیل ملل‌متحد نتوانست در بعضی از برخورد ها چون جنگ ویتنام دخالت نماید ، همچنان بدلیل اینکه ملل متحد مجبور است از اعمال قـوه اجتناب نمایـــد واز تشویق وترغیب‌کاربگیرد،عساکر ملل‌متحد جز در موقع دفاع از خود به جنگ مبـادرت ورزیده نمی توانند .

عملیات حفظ صلح ملل متحد هنگامی‌موثر واقع متعهد همکاری نیز میشوند . اگـر این معمولا این همکاری وجود داشته است زیرا جوانب ذیدخل با قبول دخالت ملل متحد در واقع متعهد همکاری نیز میشوند . اگـر این همکاری بـاز هـم صـورت نگیرد از برخورد جلوگیری شده نمیتواند حـوادث لبنـــا ن شاهد این مدعا است •

اکثرا عملیات ملل متحد پس از اجرای ماموریت آن خاتمه می‌یابد فعلا علاوه‌ازدو هیات مشاورین سه ماموریت حفظ صلح درقبرس، ارتفاعات جولان، و جنوب لبنان در جریان است وضع در قبرس وارتفاعات جولان پس از یکسلسله بر خورد هاآرام‌است ودلیل عمدهٔ آن حضور قوای حفظ صلح ملل متحد درین نقاط میباشد • در جنون لبنان تشنج وجود داشته و برخورد های مسلحانه کرارا بوقوع می‌پیوندد ولی قوای ملل متحدازشعله‌ورگردیدن تصادمات وسیع که احتمالا بسرعت از کنترول خارج خواهد شد جلو گیری نموده است•

بقیه در صفحه ۵۲

نوشته‌ی : غلام رحمن (امیری)

# سوابق تاریخی سیستان

سیستان باستان حصه یی از جنوب غربی افغا نستان و قسمتی از حاشیه شرقی ایران امروز را احتوا می‌نمود راجع بحدود سابقهٔ آن بین مور خین و جغرافیه دانان اختلاف نظر موجود است ولی این‌واضح است که سیستان در سابق یك ساحه‌وسیعتر را نسبت به امروز احتوا میکرد •

ایالتی را که ساکه ها در او اخر قرن دوم قبل از میلاد اشغال کردند و به تعقیب به‌نام ایشان (ساکستانا) نامیده شد . تقریبا هلمند وسطی را نیز در بر میگرفت البته به یقین نمیتوان گفت که در دوره های مختلف کدام نواحی مربوط به‌سیستان بوداما این‌واضحست که در سابق قسمت های قندهار نیز بعضی اوقات در زیر این نام آمده است ودر جغرافیای حافظ آبرو اولین شهر معرفی گردیده است .

سیستان معاصر یك ساحه نسبتا فرورفته را در بر میگیرد • این ساحه رااز طرف جنوب دامنه های شمالی کوه سلطان و کچه کوه‌واز سمت‌غرب نشیب‌هایی تپه‌های پلنگان وبندان احاطه‌نموده است‌واز جانب شمال نواحی حاصلخیز قلعهٔ کاخ فراه وسبز وار (شین‌دند امروزه، آنرا ازحوزه حاصل خیزهرات مجزا میسازد • از طرف شرق سیستان محدود به حواشی اراضی مرتفعی است‌که ازدامنه های نواحی کوهستانی غور شروع شده‌و بطور نشیب بطرف جنوب امتداد یافته است طول اعظمی سیستان تقریبا (۱۰۰) میل وعرض آن از (۷۰) تا (۱۰۰) میل بوده و مساحت آن در حدود (۷۰۰۶) میل مربع میباشد •

قبل از آمدن اسکائیان در سیستان امور جیزیان (شاخهٔ از ساکه های قدیمی ) در سیستان متوطن بودند • صورت آمدن ووقت ورود آنها دراین حوزه بدرستی معلوم نیست پیش از ورود اسکائیان این منطقه در انجیان یاد میشد جاج پترتیت در ینباره مینویسد:

زری نام بسیار قدیم سیستان خواهد بود که مورخین یونانی و مولفین لاتینی از آن در انجیانا ساخته اند •این نام توسط مورخین که سفرنامه های اسکندر را نوشته اند به غرب راه یافته است اعراب هم در وقت فتح سیستان بنام زری برخورد ندو آنرا زرنج خواندند • اکنون هم کلمهٔ زیره بیك ناحیه فرو رفته در جنوب سیستان که آنرا گودزیره یا فرو رفتگی زیره می‌نامند اطلاق میگردد این نام وقتی محققتر شد که کتیبه مشهور داریوش زرنکه بحیث‌نام قدیمی سیستان‌کشف گردید •

در حوالی۱۷۵قبل‌ازمیلاددرعهد (ایو کراتید) پادشاه یونان وباختری مهاجرتهای قبایل (سیستی) یاساکه ها از شمال شرقی آغازشده واز ماورای سیحون به سغد یانه سرازیر گردیدند اولین موج این مهاجرتها توسط اسکائی ها به ماورا لنهر فرو ریخته و متعاقبا باعبور از جیحون ایالات باختر را فرا گرفت وقتی این موج راه غرب رادر پیش گرفت باسدی از قدرت اسکائی پارتیا تصادم نمود بناچار بطرف‌جنوب سراز یر گردید وسیستان و قندهار را مالامال نمود • از همین اوان بود که در انگیانای قدیم بنام اسکائی ها (سا کستانا) خوانده شد• مو رخین عرب ازین اسم (سجستان ساختند) که‌نام موجوده سیستان از آن مشتق گردیده است •اسکائی ها نیز بتدریج از سیستان و قندهار تا حوزه سند پیشرفتند • انتشار اسکائی های‌داخلی و حملات دولت اشکائی پارتیا سبب شد که مرکز یك دولت یونانو باختری در ۱۳۵ـق.م از شمال به جنوب هندو کش انتقال یابد ودر اواخر قرن اول‌قبل‌ازمیلاد بکلی منقرض گردید•

پار تیها و اسکائی هااز اواخر قرن دوم‌قبل از میلاد ۱۳۰ ـق ـم تااواخر قرن اول میلادی (۷۵ م) در ایالات سیستان ـ قندهار وحوزه سفلای سند حکومات مستقل داشتند که‌باوصف موجودیت مسکو کات شان تاریخ آنها تاریك است •

در دوره ساسا نیان ـ آرد شیر موسس‌این خاندان ساکستانرا نیز ضمیمه قلمرو خود گردانید ـولی این ارتباط دوام نکرد وساکه هادر عهد ساسانیان بیشتر متحد و متفق آنها بودند تا اینکه رعیت شان باشند • بهرام دوم سیستان را بار دیگر فتح کرد و بهرام پسر خود را بحیث حکمران این ناحیه مقرر نمود واسم آنرا سگانشاه گذاشت • در عهد شاپور دوم ساکه ها باز از زیر نفوذ ساسا- نیان خارج گردیده و حیثیت متحد ایشانرا اختیار کردند •

رویداد های مهم تاریخی در سیستان از حمله اعراب آغاز میگردد ـ اعراب در عهد حضرت‌عثمان (٦٤٤ـ ٦٥٦م ) تحت قیادت عبدالله بن عمر داخل آریانا گردیدند و زرنج مرکز سیستان را بمحاصره کشیده آنرا فتح کردند • در مرحله اول برای ادارهٔ آن از طرف خلافت ربیع بن زیاد موظف گردید ولی مردم سستان بزودی علیه او قیام نموده اورا از سیستان خارج کردند ، خلیفه والی دیگری‌را بنام عبدالرحمن بن ثمره‌باداره سیستان موظف ساخت • وی زرنج وبست را فتح نموده وبست را مرکز اداره خود قرار داد •

از آن ببعداعراب‌برای مدتی ـهم ازسیستان مالیه ـ باج و خراج میگرفتند و هم از آن منطقه بحیث مرکز سو قیات حربی خویش فتوحات نقاط دیگر استفاده مینمودند • دوره تسلط اعراب نهضت های آزادی در سیستان اوج گرفت • این نهضت در اول اعراب رااز لحاظ اداری به مشکلات ساخت• وبه تعقیب سیستان تحت ق یعقوب لیث صفاری که از باشند گان این حوزه بود از تصرف اعراب خارج وبحیث یك قلمرو وسیع ظهور نموده مناطق زابلستان ـ کابلستان ـ تخارست بلخ ـنیشاپورـ کرمان ـ طبرستان وخ بان ملحق گردید • در عهد صفاریان پایتخت امپراتوری وبست معروفترین فرهنگ آنزمان بشمار میرفت •

در دوره غزنویان‌نیز این حوزه اهمیت را ازدست نداد • سبکتگین پدر محمود جغرافیای آنرا درك نموده وبان توجه داشت •محمودغزنوی سیستان را بحیث گاه خود تعیین کرد تا ازین جابه سپه وقت کم قوای خود را به سیستان ـ فتوحات هند سوق دهد • علاوه بران نگهداری فیل ها و اسپ ها که در مهمترین قوه نقلیه بشمار می‌آمد نیز بسیار مناسبی بود• پس از وفات پسرش مسعود تاسیسات‌خودرا دربست بخشید و قصر باشکوهی برای خود اع که به کشك سلطانی معروف است • ل قلب کشور و پایتخت دوم امپر اطور محسوب میگرد ید پس از مسعود غزنوی روبه‌ضعف‌گذاشت وسرنوشت هم آهسته آهسته دگر گون شد•

اولین حمله مغول درسیستان در میلادی حینیکه تولی خان مصروف ت خراسان از قبیل ـ نیشاپور و هرات بو گرفت در حین این‌جنگها یکعده از مغل سیستان متوجه و مرکز آنرا که مق نصرت الدین بن بهرام‌شاه‌حرب بود به کشیدند ولی موفقیت بدست نیاورده کردند و ملك نصرت الدین درین جنگ شد •

حملهٔ دوم با مرا وکتای بقیادت دو نفر منصبدار او (منکده چربی وسعدی چربی) در سیستان صورت گرفت درین حمله مغلها نهر- سیستان را با برج وباره آن منهدم وبیشتر نفوس شهر را کشتندوخود بر گشتند • درین وقت ملك رکن الدین محمودبن حرب جانشین ملك نصرت الدین‌بودکه‌ضمن این حمله باتمام خاندانش از بین رفت •

درسال ۱۲۲۷ ـم بار دیگر قشون مغل به سیستان سر از یر شدند ـ نیا لتگین در ارگ سیستان محصور گردید و یکسال و هفتماه باسپاه مغـــل جنگید . نیالتگین درین جنـگ زخمی ـ اسیر وبعدا کشته شدقلعه مذکور را سپاه مغل فتح کرده تمام مدافعین را کشتند وآبادی های سیستانراتاجائیکه توانستندویران کرده از آنجا رجعت نمودند •

بار دیگر در ۱۲۳۲ ـ ۱۲۵۳ ـم او کتای‌خان طاهر خان بهادر افسر سپاه مغل مقیم‌بادغیس رابرای از بین‌بردن‌فراجه حاجب یکی ازافسران سلطان جلال الدین که جنگهای گوریلائی را علیه مغل راه انداخته بود مامور ساخت‌فراجه حاجب با طاهر بهادر جنگید ولی اختلاف داخلی امرای مغلی باعث مراجعت طاهر بهادر از سیستان گردیده و مردم سیستان عجالتاآرامش یافتند •

بعداز تخریبات مکرر مغل در سیستان ـ شهر جلال آباد مرکز جدید امرای محلی سیستان قرار گرفت‌تاآنکه امیر تیمور گورگانی آخرین جهانگشای مغولی در۱۳۸۳م سیستانـرا ویران کرد• او نه تنها جلال آباد وبندرستم را که دریك منزلی شهر زرنج از رود هلمند کشیده شده بود ـ ویران کرد بلکه سیستم آبیاری را نیز در آنمنطقه طوری از بین برد که بعداً کسی از توان نماند که آنرا کاملااحیاء نماید •

شواهد چنین میرساند که در قرن ۱۷ و۱۸ باین حوزه کمتر توجه شده ساکنین سیستان نتوانسته اند از هجوم وانتقال ریگ که‌توسط باد های ۱۲۰ روزه از سمت شمال غرب به جنوب شرق بسرعت متوسط ۵۰ کیلـو متـــر فی‌ساعت منتقل میشود جلو گیری نمایند•

باین ترتیب بعضی از شبکه های آبیاری که پ س از تخریب تیمور لنگ دوباره اعمار گردیده بود توسط ریگ مسدود شده ویکنوع خاموشی برا کثر حصص سیستان حکمفرما گردیده است که تا هنوز ادامه دارد •

ازلابلای‌وقایع‌تاریخی چنین‌معلوم‌میشودکه ولایت سیستان در گذشته معمولا جزء امپراطوری های بوده است که مراکزآنهاگاه در افغا نستان وگاهی در ایران امروزی واقع میبود • گاهی نیز سیستان مستقل‌وخارج‌ازحوزه نفوذ دیگران مانده است بعضا نواحی همجوار تحت تاثیر وکنترول سیستان نیز در آمده است • در دوره صفاریان ولایت همجوار سیستان از قبیل زمینداور ـزابلستان ـرخج وحوزه های مجاور از طرف شاهان صفاری که از مردمان بومی سیستان بودند کنترول واداره میگردید•

بعداز قتل نادر افشار سیستان در ۱۷۳۶ م مربوط قلمرو امپراطوری احمدشاه آبدالی‌گردید احمد شاه ملك سلیمان کیانی را بحیث‌حکمران سیستان مقرر کرده‌بادختر ملك مذکور ازدواج نمود• در مورد بدست آوردن قدرت بین ملك سلیمان وبزرگان سر باندی و شهره کـــی (که نادر آنها رااز فارس به سیستان منتقل ساخته بود ) نفاق وجود داشت همین مخالفـت ها باعث گردید تابا لاخره تیمور شاه درانی قدرت رااز سلسله کیانی سلب کرده وبه خوانین شهر کی بدهد بعداز مرگ تیمور شاه حکمرانی سیستان‌تحت‌اداره و کنترول‌حکمرانان افغانی در لاش وجوین برای ملك بهرام از سلسله کیانی اعاده گردید •

مبارزه بین سرداران قبایل سر باندی‌و شهره کی بلوچ وسلسله کیانی ادامه پیداکرد تا آنکه در ۱۸۳۸ م جلال آباد آخرین حکمران کیانی از باز ماندگان بهرام توسط سرباندیها از سیستان تبعید گردید از ین تاریخ ببعد قدرت در سیستان بدست خوانین محلی افتاده واز جانب دیگر حوزه مذکور موضوع مناقشه بین امرای هرات و قندهار گردید • در ضمن این مناقشات علیخان‌یکی‌از سرداران سرباندی درسیستان با حکومت فارس متحد گردیده پرچم دولت فارس را بر فراز قلعهٔ خویش درسه کوهه بر افراشت• علیخان تسلط دولت فارس رادر آنجا قبول نمود ودر ۱۸۵۳ پسر خود را نیز بحیث گرو گان به مشهد فرستاد ولی حکمرانی علیخان در آن منطقه طرف نفرت سیستانیها قرار گرفته و علیخان طی یك‌حمله در ۱۸۵۸ـ در قلعه خ ود کشته شد • خانمش نیز درین حادثه زخمی گردید تاج محمد خان پسر سر دارمحمد رضاخان برادرزادهٔ علیخان که در واقعه قتل هم‌دست داشت بجای علیخان قدرت را تصاحب نمود • بیوه زخمی ذریعهٔنفر خاص دولت فارس به تهران برده شد•

اما در جهت بر طرفی‌تاج‌محمد خان باوصفی که درواقعه قتل مظنون واقع شده بود اقدامی بعمل نیامد تاج محمد خان برای مدتی بدون ارتباط با دولت فارس‌بصورت مستقل حکمرانی نمود مگر در ۱۸۶۲م از پیشرفت امیر دوست محمد خان امیر افغا نستان‌به‌صوب هرات‌بخوف افتاده و تابعیت خودرابدولت‌فارس اعلان نمود• امیر دوست محمد خان در ۱۸۶۳ م مرد وبه جایش امیر شیر علیخان بقدرت رسید در همین وقت بین تاج محمدخان وافسرانی که حکومت فارس بانجا اعزام کرده بود اختلاف واقع شدو این امر باعث گردید که تاج محمد خان به افغانستان متمایل شود ولی شیر علیخان‌که مصروف امور داخلی بود به مردم سیستان کمك موثر داده نتوانست ولذا تاج محمد خان دو باره بدولت قا جاری متوصل گردید •

در ۱۸۶۵ م دولت قا جاری بنام سر زنش ازادخان که در سیستان خاص علیه کیانی ها بـه اقدامات دست زده وانارشی ایجـاد کرده بود عسگر فرستاد در ۱۸۶۶ م حکمـران کرمان بامر خصوصی دولت قاجاری بانجارفت ومظفر الدوله نیز بقیادت دولت عسکری زرنج در جوار هامون فرستاده شد باین صورت به تدرج قسمت اصلی سیستان توسط عساکر وقوه حربی قاجاری اشغال گردید به تعقیب یکتعداد پسران و اقارب خوانین سیستان خاص به تهران فرستاده شد و در موقع ملاقـات حکمران مشهد از سیستان ـ تاج محمد خان وبرادرش کهندل خان نیز گرفتار وبه مرکز اعزام گردیدند •

در طول این مدت در افغا نستان خانه جنگی هاو اغتشاشات داخلی جریان داشت •

(شورش مهمند در ۱۸۶۳ـم) و هم برادران محمد زائی برسربدست آوردن اقتدار بگردن هم افتاده بودند (سردار محمد اعظم خان- سردار محمدافضل خان-سردار محمد امین‌خان امیر عبدالرحمن خان و امیر شیر علی خان از ۱۸۶۳ م ۱۸۶۷ م نه بار بر خورد نمودند)•

لذا شیر علیخان فرصت بدست نیاورد تا با دولت فارس تصفیه حساب کند حکومت فارس از موقع استفاده‌نموده و سیستان اصلی را کاملا اشغال نمود • در پایان شورشهای داخلی امیر شیر علیخان عزم داشت مو ضوع رااز طریق استعمال قوه‌حل‌و فصل نماید ولی حکومت انگلیس حکمیت بر قضیه را بردوش گرفته و مانع این حرکت شیر علیخان گردید•

(پایان بخش اول)

نقشه سیستان ولواحی صحوایش

# تازه‌هایی از هفت اقلیم

تنظیم و ترجمه از : میر حسا م‌الدین برو مند

## مساعی مردم نامیبیا بخاطر دست‌یابی حاکمیت و آزادی حتمی است

بدین تازه گی ها کنفرا نس‌بین‌المللی به مقصد همبستگی با مردم مبارز جنو ب افریقا در نیویا ر ك دایر گردیده بود که در آن نما یندگان محافل اجتما عی ، اتحاد یه های صنفی ،سازما ن ها ی مذ هبی ایا لات متحدهٔ امریکا ، موسسهٔ‌ملل متحد ، هیئت کنگر س ملی‌افریقایی افریقای جنوبی ، ساز مان مردمی جنوب غرب افریقا یعنی «سوا پو» وبعلاوه فر ستندگان بسیار ی دول جهان اشترا ك کرده بودند .

اشترا ك کنندگان در مورداهمیت کنفرانس گفتند :

((گرد همایی ما زما نی صور ت میگیرد که دستگاه اداری ایا لا ت متحدهٔ امریکا بیشتر از همه ازسیاست ارتجاعی در راه مبارزهٔ مردمان افریقا ی جنو بی به خا طر نهضت های ملی شا ن استفاده مینما ید ، بایستی این گرد هما یی‌ما بتوا ند انسان های صاد ق ومبارز افر یقا راعلیه این مشی یکبار چه سازدو آخرالا مر منتج به پیروز ی نها یی مردم این مرز وبو م گردد .))

یکی از مبارزین دلاو ر حقو ق مدنی افریقا بنا م چیسو یس مدعی شده گفت : واشنگتن سخت در تلاش است تابا دستا ن کثیف‌نژاد پرستا ن افریقا ی جنو بی ، مبارزهٔ خلق نامیبیا را که به خا طر آزاد ی وحاکمیت شا ن میر زمند خفه ساخته ودر نیرو ها ی متر قی نامیبیا رخنه وارد آورد . آشکاراست‌امریکا بادنباله رو ی از سیا ست‌ستمگرانه ونژاد پر ستانهٔ خویش در صدد دامن زدن بیش از پیش اپر تا ید ، تجاوز گر ی ونژاد پرستی است . ((تجاوز امریکا در انگو لاخودگواهی است از سازش نیرو ها ی امپریالیستی علیه آزاد ی افریقا .))

گوشه‌یی از مبارزات مردم‌نامیبیا بخاطردستیابی به‌آزادی وحاکمیت‌ملی

این مطلب را ((ای .دی.فی‌گربر)) نما ینده دایمی انگولا در ملل متحد ضمن سخنرا نی در ین کنفرا نس بیان داشته علاوه کرد : امپر یا ـ لیستان مساعی به خرج‌میدهند تازندگی مردم ا نگولا را د چار وحشت گر دانیده و وادار به‌صرف نظر کرد ن از حما یت سوا پونمایند که ابدا بدین آرما ن نایل نخوا هند آمد . امروز تما م مرد م افر یقا در راه مبارزهٔ بر حق مردما ن نا میبیا خود را سهیم میدانند و متیقن اند که مبارزهٔ مردم نامیبیا به خا طر تامین آزاد ی ، پیروز ی حتمی و زود رس در قبا ل دارد وشکست قطعی خواهد بود به سیا ست‌نژاد پرستانه متجا و زین امپر یالیستی وحامیا ن اوشما ن .

اشترا ك کنندگا ن کنفرا نس از نمایندهٔ مبار زین افر یقا ی‌جنوبی باگر می استقبا ل به عمل آور دند موصو ف طی سخنرا نی خو یش گفت : مابه خا طر حقو ق سیا سی واقتصاد ی خویش مبارزه مینما ییم تابا شد که مرد م ما از فقر وتنگ دستی نجا ت پیدا کنند . همچنان رئیس کنگر س ملی افریقا گفت :

(( اگر سیاست محیلانه نیروهای امپریا لیستی و حما یت انحصارات بین المللی ازنژاد پرستان افریقایی نمیبود افریقایی جنو بی بسان تمام قاره ها میتوا نست آزاد با شد . مردم نا میبیا به طو ر قاطعا نه مستحق حاکمیت و آزا د ی ا ندو سر کوبی و ترور نمی تواند درراه مبارزه بر حق آنا ن سد واقع‌گردد. نمایندهٔ سیوا پو اتحاد ننگین نژاد پرستان آ فر یقا ی جنو بی‌و وواشنگتن را یك سیا ست ننگین وبیشر ما نه خواند . کار چهار کمیسیو ن کنفرانس در مورد امور سیاسی ، اقتصاد ی ، نظا می و (سپور تی و کلتور ی ) میا ن ایا لات متحده امریکا وجمهور یت افریقا ی جنو بی آغا ز گر دیده است . وظیفه کنفرانس از جمله انشاء ائتلاف واشنگتن‌با(پریتوریا) نیز میباشد . بعلاوه طی میتنگ‌های متعدد سیا ست نا بکا را نه ریگن بشد ت تقبیح گردید .

## تشدید بیکاری در آلمان فدرال

عر صهٔ زند گی بر زحمتکشا ن در کشور های غر بی ، به خصوص در آلما ن فدرا ل روز بروز تنگتر شده میرود . کار فر ما یا ن و صا حبا ن فابر یکه ها به عنا و ین مختلف بیچاره کار گران راباعالمی از ما یوسی ونو مید ی سبکدو ش میسازند و همچو اتفا قا ت بیشتر در قسمت آنا نی است که خواهان حقو ق مسلم خود اند ونمیخوا هند استثمار شوند .

به اساس یك گزارش ((اد یت‌و یزی لیبرت )) جوان بیست‌و نه سالهٔ آلما نی باوصف آنکه عایدش زیاد چشمگیر نبوده و به مشکل کفاف زند گی شبا روز ی نامبر ده را مینمود . در اوآخر می سا لجاری از کا ر جوا ب دا ده شد. «البته لیبرت» به عنو ا ن اینکه وی به حزب متر قی آلما ن فدرا ل بستگی دارد ، ازکار رانده شد . هفتهٔ بعد آن زنش ((ادیت ویز ی‌لیبرت)) نیز به جهت همکار ی با یکی از احزاب‌مترقی ، حقوق‌کارش درفابریکه از وی سلب گر دید وبه وی تاکید گردید که منبعد حق کار کرد ن را در هیچ مر جعی ندارد . حتی کار ها ی بسیار خردو ریزه از نزد آنانیکه اند یشهٔ مترقی داشته وطر فدار تامین حق وعدالت و د مو کرا سی ا ند، گر فته می شود تاباشد که جلو بیداری انسا ن بو سیلهٔ انسا ن از طرف سرمایدارا ن کما فی السابق دوا م پیدا کند چنانچه ((پیترا)) جوا ن بیست ساله ای که به سمت باغبان در پرورش گلها در یو نیور ستی ((هولم)) مصرو فیت دا شت به خاطر علاقمند ی اش در یك کنفرانس جمعیت تر قی پسندا ن اشتراك ورزیده بو د ، از اینرو حتی‌حق نگهدار ی گلها را برایش قایل نشدند . هر گاه دیده شود که مثلا شخصی طر فدار خلع سلاح و ختم مسابقا ت تسلیحا تی میبا شد ، سخت مورد نکو هش واذ یت‌مقامات دولتی آلما ن فدرا ل قرار میگیرد. یکتن از استادا ن بنا م ((حنس‌

زن وشوهر هردو خواهان حقوق‌کار بوده و علیه بیکاری اعتراض می کنند .

کلب)) از آنجا ییکه یك شخص موسیا ل دمو کراد بود، از مسلکی علمی طرد گردید و ور قهٔ هم در قابل دریا فت داشت که او حق دارد از تامین صلح و خلع سلاح حر فی به زبا ن بیاورد .

موصو ف در جنور ی ۱۹۷۷ در ورد ختم مسابقا ت تسلیحا تی طریا ت نیکی بایکی از ژور نا ـ ستان متر قی انجا م داده بود . رخلاف در آلما ن فدرا ل احزا ب یر مترقی وار تجاعی ، اعمال ضد شریت و ضد انسا نیت را مرتکب یکردند ، چنانچه از عر صهٔ ده‌سال ینسو یکی از اعضا ی حزب نازی ای جدید در ((بادن فور تنبرگ)) جازه یافته است به سمت ما مور ولیس ایفای و ظیفه بدارد، ازآن یب پولیس ها ییکه بااجراآت غیر انو نی وارتجا عی خود به نفع یر یالستا ن فعا لیت نموده و در قابل پادا ش چشمگیر ی دریافت یدارند . یکی از فعا لیت ها ی‌آنان گو نهٔ مثال حفا ظت از جا ن (هنس فیلبنگر )) یکی از قا ضیان دیمی زیاد عوا مفریب ناز ی هاست. ر گاه شخص از نزد محو طهٔ‌محکمهٔ (مانها یم )) واقع در آلما ن فدرال جور کند ، مسلما آدم بیاد دسپلین حمقانه وتصا میم جا هلا نه‌زما ن سلطهٔ نازی ها می افتد .

احزا ب وابسته به ناز ی که اینك بنام(نازی‌های جدید)خویشتن ا مسما سا ختند معمولا در زیر اسك ((پولیس)) به اعما ل‌خیانت میز وکاملا پر از جنا یت بز ندگی نگین خود ادامه مید هند تا مگر علو اندیشهٔ آنانیرا که طر فدا ر ر قی اجتما عی وبرابر ی ومساوات اند ، سد شده و بز عم خوددر راه پروسهٔ خلع‌سلاح و صلح جهانی موانع ایجاد کرده باشند .

تشدید بیکار ی و سکبدو ش ساختن کار گرا ن شرا فتمند که آرزو یی جز خد متگذار ی‌شرا فت مندانه وخلاقا نه ندارند ، نه تنها در راه‌بیداری نهضت ترقی پسندان خللی ایجاد نمیکند بلکه مرد م صلح پسند و روشن نگر را به‌حقا ـ نیت اندیشه و مبارزا ت نیرو های مترقی بیشتر مطمئن میگر دا ند . امروز پیروز ی نصیب آنا نی است که در برابر نیرو های جنگ طلب قد علم کرده ، خوا ها ن تا مین دموکرا سی و محو قدر ت ها ی انحصار ی در جها ن اند وپیوسته مسا عی به خر چ مید هند تا ترور وآدمکشی جای خود رابه آسایش‌و صلح بسپارد ونیرو های امپر یمنی امپر یا لیستی جز خجلت نو شه‌ای ندا شته باشند .

((جیو ر ج مار خیز)) سکرتر مسوو ل حزب کمو نست فرا نسه طی یك سخنرا نی اش در(پار لمان اروپا) که آنجا نما یند گا ن ملل مختلف حضور یا فته بودند ،چنین گفت :

((بایستی تما می نیرو ها ی صلحدو ست و متر قی در هرکجایی کره خاکی که هستند در راه تا مین حقو ق بشر ی بیند یشند وهمچنا ن در جهت مر هم گذار ی بر جراحا ت آنانیکه در کشور ها ی ارتجاعی وامپر یا لیستی حقو ق انسانی شان پامال می گردد. باید مسا عی لازمه به خر چ داده شود . همچنان مو صو ف در قسمت حق تلفی بیش از (۴۰۰۰) نفر کارگری‌که بدین تازگی ها بی جهت و به طور بیرحما نه از وظا یف شا ن بر طرف شده‌اند ، بعلا وه از فعا لیت نازی ها در زیر نقا ب پولیس در آلما ن فدرال ، روشنی ا نداخت .گزارش حاکیست که اخیرا در هفده کشور اروپا یی کمیته ها یی به خا طر احتجاج علیه رشد بیکاری وتشدید مبارزا ت به خا طر بر طر فی این معضله به راه افتیده است‌درکنفرا ـ نس های بین‌المللی ورسا نه های گرو هی نیز به خاطر پاما ل شد ن حقو ق بشر ی ، صدا ی اعتراضات رساتر شده است . کمیته هابرای تامین حقو ق انسا نی ودمو کراسی در آلما ن فدرا ل تلاش پیگیرا نه‌را آغا ز کرده اند . چه امروز درآلماز فدرا ل مرد م نمیتوانند به طورعلنی دربارهٔ دمو کرا سی و حقو ق‌انسانی حرفی بر زبا ن آوردند .

# تجلیل از دو صد و بیست و پنجمین روز تولد موزارت

شخصیت هنری نامور ((فولفگا ـ نگ آمو دویس موزار ت )) که‌بطور جاودانه نامش ماندگار در حلقه‌های هنر ی گردیده ، در محا فل هنر ی برای خود همیشه جا ی خا صی داشته است که از سا لروز تو لد این استاد موسیقی چیره دست ، اخیرا درمیا ن حلقه ها ی هنر ی تجلیل شاندار بعمل آمد . در تیا تر دولتی ((خانه بزرگ )) نما یشا ت بوسیلهٔ ((هاری کوپو به صحنهٔ )) درآمده بود بنام « تصو یر».این نمایش که از رو ی آثار هنر ی موزار ت استاد بزرگ موسیقی شهروین تهیه گردیده بود ، مقا م شامخ هنر ی موزار ت در نزدشرکت کنندگا ن سالگرد امسا ل مو زار ت رادر شهر در سد ن بیش از حد گرا می تر گردا نید .

باید متذ کر شد که از ۳۲می الی‌دهم جون به مناسبت۲۲۵ مین سالروز تو لد کمپو زیتور ـ چیره دست موزار ت، نما یشا ت بیشمار ی از آثار وی نما یش داده شد ، از ((اپولو)) و(ایاسنتوز )آن آثار موزار ت که در یاز ده سالگی آفریده بود تا آثار هنر ی کا ملا پخته واستا دانهٔ او در کهنسا لی چون ((تیتوز)) که نما یش اینهمه آثار خود گوا هی است از منز لت وشگو همند ی آثار موزار ت و محبو بیت اودر جمهور ی دموکرا ـ تیك آلمان ، مو زارت در شدن فقط یکبار پاگذار ده بود آنهم‌درسال ۱۷۸۹ . موزار ت از (۱۷۸۶ـ ۱۸۲۶) مدیر او برا بود . قو یترین نمایش او آنزما ن در شهر((هلبی)) روی صحنه آمده بود. در رابطه بااثر متذکره مو زارت در تجلیل از سا لروز تو لد مذکور ،انسا مبلی تهیه گردیده بود که در پایا ن انسامبل به خا طر عظمت شا مخ هنر ی موزار ت تحا یف فرا وا نی‌به روان این بزرگمرد مو سیقی اهداء گردید . بعلاوهٔ انسا مبل متذ کره بایستی از انسا مبل تیا تر موزیك

بقیه درصفحه ۵۲

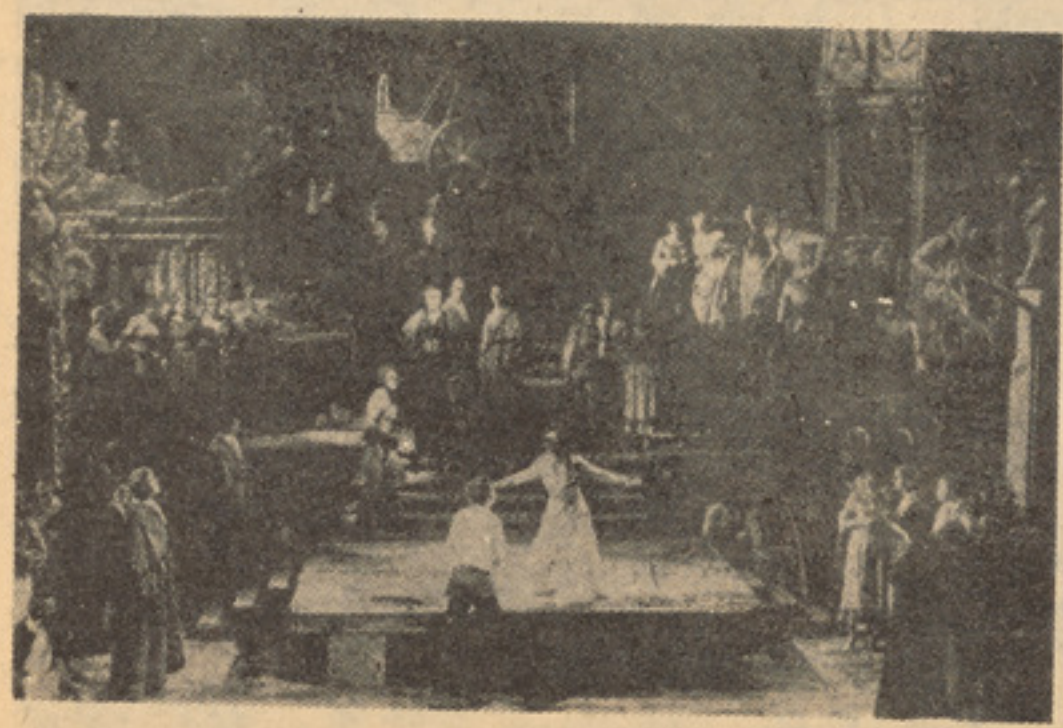

گوشه‌یی از محفلی‌که بخاطر تجلیل‌از۲۲۵ مین سا لروز تولد موزارت درسدن برگزار گردیده بود.

# اطفال امروز

## اطفال و پول ؟

از آن جاییکه پو ل تا مین کننده معیشت زند گیست لهذا اطفا ل که آینده سازا ن جوا مع بشر ی می باشند و در آینده مسئوو لیت ها ی زند گی و فر د ی و فا میلی به عهده ایشان می باشند با یست از زش واهمیت پول‌ادرك کنند پس‌برپدران ومادران است تا اطفا ل خودرامتوجه این امر بسازند که پو ل چست ؟ چگو نه بد ست‌می آید و راه ها ی مشرو ع پو ل اندو زی کدا م هامی باشد ؟

چون پول از وسایل زند گی روز مر ه‌همه افراد و اشخا ص محسو ب می شود و بدو ن پو ل ((مگر پولیکه آبرو ریزی را سبب نگردد نمی شود همیشه خو ب زیست .

رو ی این منظور فا میل ها ی گرامی وظیفه دارند تا اطفا ل‌خویش رابه این‌موضوع ملتفت سازند که پول یعنی چه ؟

اما عیب کار اینست که اکثریت فامیل‌ها نه‌کودك رابه ارزش پول متوجه می سازند ونه پول را بدست آنها میدهند تا مبادا پولکی شوند وبه گرفتن پول عاد ت‌نموده‌وخدای نا خواسته ولخرچ بار آیند .

اما راستش اینست که آشنا شدن اطفا ل به پو ل و ار زش‌ها ی مادی آن نه تنها ضرور ت حتمی می باشد بلکه اگر مطالب و قضا یا با طفل در میا ن بگذاریم و او درست از مو ضو ع آگاه ساز یم این مطلب رابه او بفهما نیم‌که چیست ؟ و در زند گی چه نقش‌د وباید آنرا چطور بد ست آورد چگو نه به مخار ج زند گی روز آنرا مصرف نمود به‌یقین کودك خلا کشیده و در روشنی قرار م دهیم ، بر عکس اگر در ین باره تو جهی و غفلت از خود نشا ن دهیم بعد ها و قتـــی کود ك ما دشواری ها روبرو می شود یعنی وقتی پو ل بد ست می آورد نمید آنرا چطور و در کجا مصر ف کند یابه آن پو ل چندا ن ار زش قا نمی شود مسئوو لیت این همه مشکـلات بدو ش ما ست پس بهـ است این مو ضو ع را خوب‌بررس کنیم ودر باره آن بیند یشیم :

بسیار ی از پدارن به این‌تص اند که وقتی می توانندا‌و لاد اه تربیت نما یند که پیو سته به امر و نهی کنند هر آن به اودستو بدهند که این کـار را بکـن و انجام آن عمل پر هیز نما اگر این کار را انجا م بد هی بتو پسر خو خطا ب می شود و در غیر آن تـ منحیث-بچه نا فر مان وبی تربیـ می شناسند .

پدر ومادر از ین امر غافل‌اند اطفا ل دوره ها و سنین مختلف پشت سر می گذارد و مثلا ز ما قدر ت هیچ کار را ندارد امافرص می رسد که طفل خیلی شو خ شـ ولحظهٔ آرا م نمیگیرد که این وض نما ینده خوبی از صحت و سلام کودك می باشد اگر طفل در گوشـ انزوا آرا م می نشیند و آرا م آرا می نگرد کو یا مریض است وبا جلو انزوا و گوشه گیر ی اوگرف شود باید طفل به اجتما عی و برا بازی با اطفا ل دیگر تحر یك شـ وبرا ی خود همباز ی و رفیـق‌خو بیابد خودش کار ها ی مربو ط خود را انجا م دهد دخل و خر خود را خودش ارزیابی کند مثلاج پول دارد و آنرا به کدا م ضرورت زند گی مصر ف نما ید به طور م اگر کتابچه و قلم ندارد با ید او آن‌را خریدار ی کند ویا اگر گرس است باید آنرا خورد نی پـا ك صحی تهیه نما ید اینها همه‌مطا اند که گویا پدر و مادرمی‌تواندآ برای‌طفل بیاموزاند وبتکرار برا بگو ید تا ذهن نشین طفل گردد

حتی هنگام صرف غذا در دورمیزاین مطلب به اطفال تفهیم شود که‌این همه وسایل‌دور و پیش کودکان وسایل زندگی روزانه واین همه‌غذاهاوخوراکه ها باپول تهیه شده‌ودربرابر آن پول تادیه گردیده است.

طفل این همه خوا سته ها ی‌مشروع پدر و مادر را آویزه گوش نموده و لحظه ای از آن خواسته‌هاکنارنرود.

خواست هر پدر و ما در همین است که پسر خود را خو ب وبا تربیه ودارا ی همه خصلت ها ی انسا نی تربیت وپرورش دهند مگر ازین هم غافل نبا شند که‌اطفا ل‌نیز خواسته ها و آرزو ها ی دارند که باید به آن ارزش قایل شوندنه‌اینکه همه گناه را به دوش کودك بیندازند ویکطر فه قضاو ت نمایند .

از آن جاییکه در ین بحث طفل را در ارتبا ط با پو ل صر فه جویی ومصار ف آن مورد ارزیا بی قرار مید هیم ، بهتر است تا در ین‌مورد مفصلتر صحبت نماییم .

۱ ـ پول‌از کجا بدست می آید ؟

نکته مهم واسا سی اینست که‌از همان چار ـ پنج ـ سالگی با یدبه کودکا ن آمو خت که پو ل چیست و چگونه واز کجا بدست می آید و هم به‌آنها تفهیم شود که پو ل پدر و مادرش نامحدود وبی حد وحساب نیست وآنها نمی‌توانند هر قدر ی دلشا ن خواست از بانك ویا از محل کار واداره پول بگیرند، پدر ومادر دربرابر کار یکه می کنند مقـــدار معین پو ل بدست می آور ند همان مقدار پو ل رابا عر ق جبین و آبله دست کمایی می کنند نبا ید اطفال در برابر آن بی تفاو ت با شـــند بلکه در برابر آن پو ل خیلی‌محتاط بوده ونیاز ها ی او لـــی را با آن مرفوع‌سازندوازآن‌پول بایدهمه‌افراد واعضا ی خانواده مساو یا نه‌مستفید گردند .

اینها و همه مطالب دیگر با یدبه زبان ساده وطور یکه که بتوا نـد احساس کودکا نه طفل را تحر یك کند به او گفته شود و مثا ل ها ی روشن و آمو زند ه که بتوا ندطفل را قانع سازد ارا ئه بدار یم مـثلا اگر بخوا هیم پو ل زیاد را در ین ماه به خریدار ی اسبا ب باز ی تو مصر ف نماییم در آن صور ت غذا یا لباس نخوا هیم دا شت که درآن حالـت ممکن است گر سنگـی و سرد ی یا گر می هوا ترا تکلیف بدهد ویا ترا مریض سازد که تـو نتوا نی طور شاید وباید با هما ن ساما ن وآلات بازی خود رامصروف ساز ی .

به یقین وقتی او بداند و آگاه شود که پو ل ویا آنچه که با پو ل تهیه می شود به آسا نی بدست نمی آید وکاریست نهایت مشکل و حتی‌غیر ممکن از ین‌جاست که کود ك باهمان اندیشه کودکانه اش به همه‌قضایا توجه داشته وبه پس اندا ز ، به ساما ن ها ی باز ی اش به لبا سش وبه همه مطالب که پو ل در برابر آن مصر ف می شودنها یت تو جه داشته وبه همه علا قمند خوا هدبود ودز ویرانی ،شکستش وگم کردن ساما ن ها ی باز ی و غیره سا مان آلات خانه جلو گیر ی نموده وکاری نخواهد کرد که‌سبب آزردگی پدرو مادر وسایر افراد فا میل گردد .

**ارزش پول :**

برای اینکه کود کا ن از ار زش پو ل آگا هی داشته باشند با یدبه آن امکا ن آنرا میسر سا زیم تاخود شا ن چیزی مورد ضرور ت خودرا خریدار ی نمایند در اوایل با ید خرید اشیا ء خورد وارزا ن قیمت که قیمت معیین داشته باشدبه‌آنها سفارش کنیم مثلا خرید یك دا نه قلم ویا یك بکس خورد را به‌عهده آنها واگذار شو یم و پس ازخر ید باید دقت کنیم که بقیه پول‌رادرست گرفته باشد ، بعدا می توانیم خرید دو سه و چهار چیز مختلف را به‌او واگذار کنیم واز او بخوا هیم که در موقع خرید تو جه جد ی مبذول داشته متو جه باشد تا اشـــیا ی خریدار ی شده اش خو ب ، مفید وزیبا باشد .

با این عمل می توانیم یك کـار نـیك ر ا بـه طفل یا د بد هـیم وبـا ایـن عمل کـو د ك چیز ها ی را که لازم دارد با داد ن پول می‌تواند بدست آرد . ثانیا برا ی بدست آورد ن هر چیز باید مقدا ر پول داشته باشد یعنی باید بدانـد که هر چیز قیمت و ارزشی دارد .

راه دیگر اینست که کار ها ی کوچکی غیر از وظا یف عاد ی و معمو لی روزانه کود ك رابه‌اومحول کنیم وشر ط بگذاریم که اگر ایـــن کار را انجا م بد هی در مقا بل مزد وپاداشی حاصل خوا هی کرد که‌می توانی به‌آن پول چیز های خـوب‌و مفید برایت تهیه کنی مثلا اگرعلف ها ی با غچه را بکنی برا یت پنجاه افغا نی مید هم ویا اگر در شستن ظرو ف با مادر ت کمك نما یی بتو یك هد یه خو ب خوا هم داد .

بقیه درصفحه ٥٤

# اطفال وترافیك

گسترش روز افزو ن شهر ها ، دور ی مسا حت بین خا نه و محل کار سبب میشودکه برای ر فـع‌این نقیصه فکری شود و نیز در داخل شهر ها روز به روز تعداد مو تر اضا فه شده میرود وشهر هـــا ی بزرگ با مشکل زیاد ترا فیکی رو برو میشو ند و مشکل ترافیك‌زمانی سخت ترمیشود که رانند گا ن‌بابی توجهی به مقررات راهنمایی را ـ نندگی و استفاده نا معقو ل ازوسایط نقلیه، موجب تصادف می شود که این تصاد فا ت خود بار ترا فیك‌را سنگین تر می سازد . بی‌توجه ایی‌به مقررا ت رانندگی خطرا ت جا نی برا ی همنوعا ن پدید می آورد که اکثرا شنید ن آن انسا ن رامتا ثر می سازد .

امید است رانندگا ن و مرد م‌این نکا ت مهم را مرا عا ت نما یند .

۱ ـ اجرا ی مقررا ت راهنمایی ورانند گی ضامن سلامت ما واطفال ماست .

۲ ـ پولیس به تنها یی قادرنیست بدون همکار ی ما مشکل ترا فیـك راحل کند .

۳ـ را نندگی هر فرد مـعرف شخصیت اوست .

٤ ـ وظیفه معلمین و وا لد ین است که به اطفال خویش یادبدهند که چطور قوانین و مقررا ت‌ترافیکی را مراعا ت نمایند .

مثلا برا ی اطفا ل‌خود یاد بد هیم که برا ی عبور از سر کها ی‌عمومی از دهلیز که توسط یك خط سفید نشانی شده است بگذرند .

٥ ـ حتی المقدور سعی نما ییم که از مکاتب نزدیك خانهٔ خود ش برای اطفا ل استفاده شود .

٦ ـ رعایت مقررا ت راهنما یی تنها برای موتر ها وموتر ران ها نیست بلکه شامل موتر سوا را ن ، بایسکل سوران و عابرین پیاده‌نیز میشود.

۷ ـ در انتخاب موتر را ن هاکه به سرو یسها ی شهر ی سرو کار دارند همواره کوشش شود که‌انسان ها ی باتجربه با حو صله وبا نزاکت تعین شود .

به جرات میتوا ن گفت که علت اکثریت تصادما ت در نتیجهٔ عد م توجه به مقررا ت ترافیکی است و اکنو ن وقت آنست که پیاده رو و سوار بیش از پیش با پولیس‌ترافیك همکار ی های لازم را انجا م دهند .

وبر رانندگان است که هنگا م راندن باید مقررا ت ترافیکی رامرا ـ عات نمایند، اگر پیاده‌رو ازهرنقطه سر ك که‌بخواهد عبور کند وهمیشه این‌حق راازآن‌خود بدانندوفکر کنند که قانون ترافیکی منحصر به‌وسایل نقلیه است وآنها هیچگو نه‌وظیفه‌ای ندارند. درا ثر این بی اعتنا یی‌وضع نابسا مانی گریبانگیر ما وفرزندان ماخوا هد شد که جا ن خود ودیگران رابه خطر خوا هیم انداخت .

ویگانه راه علاج این کار آنست که خود و فرزندا ن را متو جه این نکته نماییم که باید مقررا ت ترافیکی‌را مراعا ت نماییم ، واگر امکا ن آن موجود باشد از مقا مـات ذیصلاح وزارت تعلیم وتربیه خواهش‌نماییم که تدریس مقررا ت ترا فیکی در چوکا ت درسی مکا تب گنجا نیده شود .

مثلا اطفا ل که خود به مکتب‌می رو ند و مجبور هستند کـــه‌برا ی رسیدن به مکتب و در راه‌بازگشت از چند ین چهار راهی و دهلیـــز ترافیکی عبور کنندا‌گر این اطفال‌به مقررا ت ترافیکی آشنا یی‌نداشته باشند بامشکلات زیاد روبه به رو خواهند شد و همواره خطرا ت‌جانی آنها راتهدید خوا هد نمود .

# زندگی زن
# اتحاد شوروی

انقلاب کبیر سوسیا لستی اکتبر که در سا ل ۱۹۱۷ در روسیه به پیروز ی رسید به مثابهٔ نقطه عطف در تاریخ بشر یت محسوب می‌گردد همچنان سر آغاز دورا ن جدید یا گزار از سر مایدار ی به سوسیا- لیـــزم .

پیروز ی انقلاب اکتو بر بود که کلید حل بغرنج تر ین پرو بلم های اجتما عی را در دست بشر یـــت سپرد ، قدر ت استثمار گرا ن را سرنگو ن نموده ما لکیت خصو صی رابه مالکیت سوسیا لیستی مبد ل ساخت ، حل عادلانه مسئاله ارا ضی رابه نفع دهقانا ن میسر گردا نید، امکانا ت رها یی خلق های وابسته از یو غ ستم واستعما ر را تا مین نموده برای خلقها حق تعیین سر- نوشت رابه ارمغان آورد .

با استقرار قدر ت شورا هـــا شرایط لازم جهت تامین بـــرابر ی واقعی زن بامرد در اجتما ع بوجود آمد .

اولین فر ما ن ها ی‌دولت‌شوروی که به امضا ء لنین صادر گردید با آرمان ها ی زنا ن مطابقت کا مـــل داشت ، برا ی او لین بار زنا ن به کسب حقو ق سیاسی مسا و ی با مرد، حق کار ، دریا فت دستمزد مساو ی نایل گردید و قوانینیـــکه تامین مو قف مسا و ی آن خا نواده بود پا س گردید .

تصویب قانو ن حفا ظه کارزنان واطفا ل ،حما یه مادر وکودك همه‌و همه مثال ها ی بر جسته موا ظبت بزرگ دو لت شورو ی اززن به‌مثابه مادر است .

سند عمدهٔ زند گی مردم شوروی اولین قانو ن اسا سی جمهـــو ر ی جوان بود که درسا ل ۱۹۱۸ پا س شد که ضمن آن برا ی‌همه اتبـــاع شورو ی صر ف نظر از تعـــلقا ت جنسی ، نژادی و ملیت ، حقو ق مساو ی تضمین گردید .

درسا ل ۱۹۱۹ لنین با سربلندی وافتخار چنین گفت : ((حکو مـــت شوروی به مشابهٔ قدرت زحمتکشان در اولین روز ها ی استقرار خـــود باهر آنچه که به حقار ت واسار ت زن می انجا مید مقا طعه نـــموده و بزرگترین کامها را در جهت برابری قانو نی برداشته است .

حزب کمونست اتحاد شورو ی‌به مساوا ت زن در چوکا ت قا نـــو ن اکتفاء ننموده برا ی تا مین برابری واقعی زن در عمل پیکار کرده‌است.

دو لت شورا ها از هما ن آغـــاز استقرار خود تو جه به خصو صی رابه میتود ها وشیوه ها ی کار به خصو ص در بین زنا ن مبـــذو ل داشته است .

در دشوار تر ین روز ها ی بعد از پیروز ی انقلاب ، زمان جنگـــ داخلی گرسنگی ،ویرا نی ،تجا و ز خار جی ومبارزه حاد طبقا تـــی در شرایط کشور یکه بیش از صدملیت که هر کدا م درسطح مختلف تکامل قرار داشت بسر می بردند و بـــه صور ت مطلق همه زنا ن بیســـواد بودند . حزب کمو نست شورو ی آن میتود های کار را در بین زنا ن برگزید که برای آنا ن قابل در ك وفهم بود .

بعد از تدو یر او لین کنگره سر تاسر ی زنا ن کار گر و دهقا ن در همه مناطق ونوا حی شـــورو ی در پهلو ی کمیته ها ی حز بی‌کمیسیون ها وبعد تر شعبا ت به خصو صـــ جهت کار در بین زنا ن ایجادگردید.

در شر ق شورو ی که تا حد ی بقایا ی خرافا ت گذ شته و جـــود داشت کار تنویر ی ، سازما ند هی وپرورش در بین زنا ن بادر نظـــر داشت سنن وعنعنا ت پسندیـــده مردم واحترا م به عقا ید آنان‌صورت میگرفت .

درین محلات علاوه بر جلسا ت نمایندگا ن زنا ن ، کلو پها ی زنان کار گر و مراکز اجتما عی زنـــا ن دهقان تاسیس یافت ، در چوکا ت این مراکز زنا ن سواد می آموختند تعلیما ت مسلکی فرا گرفته سطـــح دانش حرفو ی ومسلکی شا ن ارتقاء می‌یافت ، همچنا ن مشوره های‌طبی دریافته ،مرا قبت از نوزاد و تربیه طفل برایشان تدریس می گردید .

**شرکت زنان در کار ها ی‌تولیدی**

سو سیالیزم در بـــرابر زنـــان افق ها ی وسعی را گشود وامکانات اشترا ك فعا لانه آنا ن را درپروسه تولید میسر گردانید .

شرکت زنا ن در امر تو لیـــد اجتما عی عامل مهم رشد شخصیت زن ،ارتقا ی سطح شعور سیا سی واجتما عی اوبه حسا ب میرود کار اجتما عی استعداد هـــا ی ز ن را شکوفا ن ساخته ودایره دلبستگی های اورا وسیع تر میسازد .

سوسیا لیز م برای زنا ن حق‌کار حق انتخا ب . آزاد حر فه ومسلك حق دریا فت دستمزد مسا و ی‌با مرد در برابر کار مسا و ی ، حق استرا حت ، حق حفا ظت کار ز ن حق استفاده از تضمینا ت‌اجتما عی ومادی در صور ت عد م قا بلیت کار را تضمین می نما یند .

در اتحاد شورو ی جهت جلـــب وجذب زنا ن به پروسه تو لید کار وسیع و همه جانبه صور ت‌گرفته است که دینا میك ار تقا ی نقشـــ زنان در تو لید اجتما عی ثمر گران- بهای این کار و پیکار بوده است .

قبل از جنگ دو م جها نی ۱۳٫۲ فیصد زن در عر صه ها ی مختلف اقتصاد ملی مصرو ف بو دند ازسال ۱۹۵۰- ۱۹۷۸ تعداد زنا ن مشاغل از ۱۹٫۲ تا ۵۵٫۸ از دیاد یا فـــته است و فعلا پانـــزده فیصد زنـــان مشغول کار هستند .

پنجاه فیصد کـــار گـــرا ن و مستخد مین ، چهل و هشت فیصد کلخوز ها ، چهل و پنج فیصـــد کار گرا ن سلخو ز ها را زنـــا ن تشکیل مید هند .

چهل وهشت فیصد کار گرا ن مستخد مین امور تجار ت و تغذ یه اجتماعی زنا ن اند . در عر صه‌های مختلف امور صحت عامه تر بیـــت- بدنی وتضمینا ت اجتما عی هشتاد وسه فیصد زنا ن مشغو ل کاراند همچنان هفتادو چهار فیصد کار - مندان آمور آمو زشی ملی و هفتادو چهار فیصد مشغولین امور فرهنگ ملی رازنا ن تشکیل مید هند .

زنان در رشته ها ی اتو ماتیـــزه شده تولید نیز شر کت و سیـــع دارند به طور مثال در رشته هـــا ی تولید ساما ن آلات بر قی ، رادیو تخنیك وغیره چهل و پنج‌تا چهـــل وهفت فیصد کار گرا ن صنا یـــع تولید ابزار آلات الکترو نیك زنا ن هستند .

تعداد زنا ن انجنیر رو به افزایش است اکنو ن نودو پنج فیصدمجموع متخصصین آن دارا ی تحصیـــلا ت عالی اند :

سی و سه فیصد انجنـــیرا ن ، چهل فیصد متخصصین فنی ، چهل ونه فیصد انجنیرا ن صنعتی زنا ن می باشند . در نتیجه انقلا ب علمی وتخنیکی کار دهقان زنا ن ازلحا ظ کیفیت خویش تغییر نموده به کـــار میکانیزه شده مبد ل گر دیده‌است، هزارا ن زن شورو ی مو فقا نـــه به نو ترین تخنیك زرا عتی آشـــنا می شوند ، زنا ن دهقان‌درموسسات اتـــو ما تیز ه شده مر غـــد ا ری،در کمپلکس های دامپرو ری به‌کارمی پردازند .

امروز چهل فیصد متخصصـــین امور زرا عتی را زنا ن تشکیل مـــی دهند . انگیزه ز ن شورو ی درکار تولید تنها بد ست آورد ن یـــك مشت پو ل نیست ، او آگاها نه‌در تولید اشترا ك می ور زد و بد یـــن ترتیب می خوا هد در امر سا ختمان جامعه نوین اشترا ك ور زیـــده و نقش خودرا درین نو ساز ی‌ایفا ء نماید . او میخوا هد سطح رشـــد فرهنگی خودرا ارتقا ء بخشـــد ، ابتکار و خلاقیت از خود نشا ن‌بدهد

بقیه درصفحه ۵۳

مشخصه عمده سو سیا لیز مشرکت وسیع زنا ن در رهبر ی تولیداست. امروز بیش از نیم ملیو ن زن‌زحمت‌کش به حیث آمرا ن واداره کنندگان موسسا ت تو لید ی مشغو ل کار انـد .

همگام باتکامل انقلاب علـمی و تخنیکی ، ارتقا ی در جه تخصص و دانش مسلکی زنا ن در دستور روز قرار میگیرد .

پرورش کادر ها ی فنی ومتخصصین در چوکا ت شبکه های وسیع‌مکاتب مسلکی همچنا ن موسسا ت صنعتی وکورسها ی صور ت می گیرد همین اکنو ن از جمله دو ملیو ن فار غان چهار صد هزار مکتب مسلکی سی فیصد آن را زنا ن تشکیل میدهند.

هر سا ل بیست‌و پنج ملیو ن‌نفر مستقیما در موسسا ت صنعتی ، دانش مسلکی کسب می کنند که‌یك برسه حصه این رقم زنان اند .

اضا فی جهت بهبود بخشـید ن شـرا یط کار زنا ن مشا غلـی در امور اقتصاد ملی ، گما شتـن زنان به یك سلسله کار ها ی‌ساقه ومضر به صحت منع قرار داده شده است . زنانی را که قبلا مصرو ف این رشته هابوده اند به تحصیـل مسلکی در رشته های دیگر گماریده ودر ایا م تحصیل معا ش قبلی رابه آنان می پرداختند .

همه و همه این تدابیر جهـت تامین مصئو نیت در کار بـرا ی زن به مشابه مادر با در نظرداشت مشخصا ت فز یو لوژیکی او اتخـاذ گردیده است .

**زن شورو ی به مثابه شخصیت اجتماعی :**

ارتقا متدا و م فعا لیت سیاسی زنان وسهم گیر ی وسیع زنا ن در پیشبرد امور اجتما عی یکـی از مشخصا ت بر جسته نظا م سوسیا-

تریشکوا نخستین زن تسخیر کننده فضا

در نتیجه این تدابیر سطـح تخصص زنا ن بلند رفته از یکسو مقدار دستمزد آنا ن بیشتر می‌گردد واز سو ی دیگر این امر عا مـل موثر برای رشد شخصیت زنا ن و تثبیت مقا م اجتما عی آنا ن‌محسوب می گردد . موا ظبت و بررسی‌شرایط کار زنا ن در اتحاد شورو ی و ظیفه دولت است ، طو ل کار روز هشت ساعت وپنج روز کار در یك هفـته در کشور شورا ها پذیر فته شد ه است .

شورای وزیرا ن واتحاد یه ها ی مسلکی اتحاد شورو ی در سـا ل ۱۹۷۸ مصوبهٔ را پا س نمودند که ضمن آن به خا طر اتخا ذ تدا بیر مشخصات بر جسته نظام سوسیا-لیستی محسو ب می شود .

زنان کشور شورا ها ما نـند همه خلق های آنکشور حق انتخاب کردن وانتخا ب شد ن را دارند .در نهمین دوره انتخابا ت شورا ی‌عالی اتحاد شورو ی در سا ل ۱۹۸۰ به نود و نه اعشار یه نود و نه فیصـد انتخا ب کنندگا ن شر کت ورزیدند واز جمله نمایند گا ن شورا هـای محلی ۴۹٫۵ فیصـد آنـرا زنا ن تشکیل مید هند .

همچنا ن ۴۱۷ یا ۳۵٫۹ فیصـد نمایند گا ن شورا ها ی عا لـی جمهور یها ی اتحاد شورو ی رازنان تشکیل مید هند .

بقیه درصفحه ۵۳

# درود به تو ای زن ای مادر

**درود بتو و سلحشور ی هـا ی‌نجات بخش وآزاد ی آفرین تو .**

ودرود بتو و به زنجیر شکنـی ها ی رها یی ساز تو .

بتو که در این دوران ـ دورا ن خون وآتش ودوران دود وبا رو ت که در هر گوشه جها ن از آسیا تا افریقا وامریکا ی لاتین همه جا در-فش گلگون آزادی رها یی انسا ن‌از بند استثمار به اهتزاز میا یدرسالت عظیم و تاریخی فرد را در یافته‌یی‌و پابه پا ی برادرا ن رزمجو ی خود حماسه ساز عصر ما گشته یی .

**آری !**

دراین زمان ـ زمان به پایان آمد ن اجبار سلطه جویی ها ی جابرا نه‌و زمانی که ملتها همه بند های‌اسارت را از دست و پایی میگشا نید تا به همه افسانه ها واسطوره ها ی‌بهره کشی انسا ن از انسا ن خا تمـه دهند وخود حاکم سر نو شت‌خود باشند دیگر جا ی آن نیست که‌نیمی از پیکره جوامع انسا نی محصو ر زندان چادر وخانه با شند و درقید اسار ت ها ی فکر ی واند یشو ی واجتماعی از همه حقو ق محرو م گردند .

امروز دیگر عصر سیا هی ها ـ نیست . دوران ظلما ت خاتمه یافته است وآفتا ب اندیشه ها و آید یا-لوژی های متر قی باتابش گر م و نوید بخش خود حتی تا آخر یـن زوایا ی زند گی انسا ن را نـور وحرار ت عشق به آد می و عشـق به آزاد ی می بخشد وچه به‌جاست که در این دوران ـ در این زما ن‌که همه نیرو های اهریمنی و آهو را مزدا یی یکی بخاطر حفظ امتیازا ت کهنه وفرسوده فرد و دیگر ی بـه خاطر گسترده ساختن ندا ی آزادی و آزادی خوا هی میر زمند و مـی جنگند ، تو ار زش و ما هیت اصلی انسا نی وفرد رابدست آورده ودر این پیکار اشتی ناپذیر در صـف راد مردا ن و راد زنا ن ضد سیاهی وتیره‌گی قرار داری .

آری بگذار ی این مو ج خروشان با هیبت وسهمنا کی خو ف افگن خود به پیش تازد ومارا با هم بـا دست های گره خورده و جدا نا ـ پذیر از هم مان وبا آرزو ها ی‌مقدس مشتر ك مان به ساحلی رسا ندکه در آن انسا ن انسا نیت را فر یاد میکند وزما ن آزادی رابه ار مغـان مید هد بگذار ، اسم نقط پایا ن رابه همه قصه هاوافسا نه ها وروا یت هایی بگذاریم که اعصا ر و دوران هایی بینوایی ترا ومرا وهمه را به یاد میاورد .

وگشا یندهٔ فعلی تازه از زند گی ملی خود گردیم که در آن غر یـو مساوات برابر ی انسا ن جا ی‌برای مظالم اجتما عی واقتصاد ی را با ز نمیگذارد .

بقیه درصفحه ۵۳

کودك: وقتی مادرم را در آغوش دارم دنیا درآغوش منست

ترجمه ونگارش یوسفزی

# گهواره صلح و خوشبختی در دست مادران قرار دارد

***

## نقش جنبش جهانی زنان در مبارزه برای تساوی حقوق، استقلال ملی و تحکیم صلح در روی زمین

نهضت بین‌المللی زن و نقش‌روز افزو ن آنها در حل مسا یل ملـــی وجها نی از یکسا ل تا سا ل دیگر نیرو ی بیشتر گر فته و ایجـــاد تغییر در تواز ن قوا به نفع نیروهای طر فدار صلح وعدا لت اجتما عـــی موقف برازنده به زنا ن داده‌است.

درین میا ن نقش زن به حیث‌مادر و هسته خانواده در تربیه نســـل جوان وتزریق اید یا ل ها ی عالی بشر ی و صلح خوا هی اهمیـــت قابل ملاحظه یی کسب کرده است.

علی الر غم مسا عی برا ی امحای مناسبا ت غیر عادلانه اجتما عـــی در مورد زنا ن ، متا سفا نه آرزوی بسا از مادرا ن مبنی بر ایجـــاد است .

نضا ی صلح آمیز جهت تر بـــیه اولاد شان در اثر سیا ست ها ی تبعیضی وضد انسا نی از طر ف حکو ما ت ارتجا عی و مستبددرنقاط مختلف جها ن کنو نی به حیث یك خواب وتصور محض باقی ما نـده ما بسا از کشور ها و منا طقی را ســـرا غ دا ر یـم که افـــراد آن به شمول زنا ن و اطـــفا ل از چندین سا ل متماد ی دستخو شـــ تبعیض ، تعقیب دهشت و تجا وز تحت تجاوز آشکار صهیونیز م و حامیان امپریا لیستی آن بوده است

زنان مبارز فلسطینی در پهلو ی مردان شا ن به مبارزه بر حـــق و عادلانه خویش علیه متجا و ز یـــن اشغالگر اسرائیلی و حا میا ن آنها ادامه مید هند ، مبارزا ت زنـــا ن فلسطینی وزنا ن سایر کشور هاکه تحت شرایط استبداد ی دشوا رو رژیم های ضد مرد می حیا ت بسر میبرند از حما یت کامل‌جنبش‌جهانی

زنان مبارز وحماسه آفرین فلسطین‌خواهان آزادی انسان اند.

بوده خانه ها ی شا ن خـــرا ب و اطفال آن در اثر فقدا ن غذا ،پوشاك ومسکن مکفی در پیش چشم دوستان شان مرده و به قتل رسیده اند ، مثال واضح در زمینه مرد م عـــرب فلسطین اند که از مد ت ها ی‌مدید زن به خصو ص از حمایت‌همه‌جانبه زنان کمپ سو سیا لستی در را س اتحاد شورو ی بر خور دارنـــد ، نهضت جهانی زن ضمن مبارزه برای تامین تساوی حقو ق زنا ن با مردان درسراسر جها ن بدفا ع جد ی از حقوق زنا ن عر ب فلسطین بـر ـ خاسته خواها ن حل عادلانه معضله شر ق میانه براسا س اعاده حقو ق حقه مردم عر ب فلسطین و ختـــم بیعدا لتی و تبعیض در مورد زنا ن در همه حصص جها ن به شمو ل افریقای جنوبی است که در آنجـا زن تحت یك تبعیض دو گا نه یعنی تبعیض جنسی وتبعیض از لحـــاظ رنگ قرار دارند ،

این وظیفه بزرگ جنبش جها نی زن است که بیش از هر و قت دیگر علیه تجا وزا ت تو سعه جو یا نه امپریالیزم بررزمد وبرا ی تا مـــین آرامش ، صلح و سعاد ت بشـــر آینده مصئوو ن برا ی اطفا ل تلاش وپیکار نمایند چه سر انجا م‌پیروزی نیرو ها ی صلح امر حتمی است و طر ح ها ی امپر یا لیزم علیه ملـــل وجوامع عدالت پسند و صلح خواه به شکست قطعی موا جه میبا شد .

پوستر اتحادیه عمومی زنان‌فلسطین

اینست نمونهٔ استثمار فردازفردکه نما یا نگر ا ین و ضع درکشور های سرمایه داری‌میباشد

# نقش‌سازندگی زنان

جای بس افتخار است که زنان نه تنهادر ورش کودکان نقش بربها دارند بلکه با صوصیات فزیولوژیك و آمادگی های روانی ود در تربیه نو جوانان وپرورش نسل های وان نیز خیلی ها موثر اند.

البته از نظر نباید دور داشت که این ش بسته به سیستم آموزشی وپرورشی امعه بوده و باسمت کلی تکامل جامعه ،در وکات مناسبات معین سیاسی واقتصادی یزش قانون مند دارد •

زنان در جوامع فیودالی و سرمایداری به مان گونه که در دیگر عرصه های زندگی تماعی در ردیف دوم‌قرار دارند،درساحه های وزش وپرورش نیز به مثابه موجود اجتماعی عیف تلقی می‌گردیدند ولی همینکه شرایط تماعی وسیاسی مهیا گردید زنان با استفاده آمادگی های طبیعی خود در تربیه نسل های دید سهم فعال گرفته و بخصوص نو جوانان‌و ودکان را با روحیه خوشبینی به زندگی ، سان دوستی ، عشق به میهن و احترام به حمتکشان تربیه کرده آنها را متوجه رسالت ای عظیم و تاریخی شان میسازند از همین است که نقش زنان افغا نستان در پرورش سل های آینده بر جستگی خاص کسب میکند

زنان افغا نستان باید اطفال و نو جوانان مارا از هر نگاه آماده سازند تادر خدمت‌مادر وطن قرار گیرند ، زنان ماباید از یکسو اطفال‌صحت مندو سالم تیز هوش ودراك به جامعه تقدیم دارند واز سوی دیگر آنها را فعال وپر کار، جدی واز خود گذر،میهن پرست وانساندوست تربیه کند • زیرا ساختمان افغا نستان نوین کاری حدوحصر میخواهد .

زنان‌افغانستان‌بایدذهنیت‌فرتوت فیودالی راسرکوب کنند واطفال خودرا اعم از پسرو دختر روانه مکتب سازند و خود در فراهم آوری شرایط مناسب تعلیم و تحصیل‌آنهاازجان ودل بکوشند •

افتخار به زنان که شب ها و روزها بارنج ومشقت ، بادرد و بیماری زندگی‌میکنندوشرایط تحصیل فرزندان خودرا فراهم می‌سازند.

زنان رزمنده نقش ورسالت شمادر پرورش وتربیه سالم نسل جوان بخصوص دختران خیلی عظیم است وباید بادید روشن وبادرك این رسالت تاریخی همراه با پلان های دولت انقلابی مادر عرصه آموزش و پرورش کارو پیکار مجدانه نمائیم که درین زمینه ها آموز- گاران و مربیون نقش بس اساسی و مهمی‌را عهده دارند •

این زنان روشنفکر اند که تربیت وپرورش اطفال ، نو جوانان و جوانان را بعد از محیط خانواده به عهده دارند •

از آن جاییکه در شرایط کنونی افغانستان نقش آموزشی‌محیط‌تحصیل‌ارزنده تروبرجسته‌تر است لهذا همه زنان و بخصوصا آموزگاران بایست رسالت خودرا به وجه احسن انجام دهند و حتی می‌توانید توسط شاگردان محیط خانواده شانرا روشنفکرتربیت نمایند .

وقتی خانواده ای‌تنویرمیشود و روشنفکرانه به‌زندگی اجتماعی شروع می‌کند به یقین گفته می‌توانم همه اعضای‌که‌به‌همان خانواده ها تعلق میگرند با دزك سالم می‌توانند قضاوت سالم نمایند •

---

کوهگرد

## سوگند

سو گند بنا م پاك تو ای‌مادروطـــن
سوگند به قهر ما نی فر زندخوب تو
سو گند به‌نام نامی ام البلاد
سوگند به نام غزنه و پامیـرپر شکوه
سو گند مرا به شعله زر یـن‌آفـــتاب
سوگند به نو را ختر شبگردآسمان
سوگند به حسن و صور ت‌پروین وکهکشان
سو گند به پتك و بـازو ی‌مردان کار گر
سوگند به دست ها ی پر اززخم بزرگر
سوگند مرا به قا مت خـــم‌گشته چون کمان
سو گند به پا بر هنگی یـــی‌طفل بی پدر
سوگند به آب دیده آن ما درغـمین
سوگند به چشم منتظر عاشق‌حـــزیـن
سوگند بدید گان هو سر یزدخـتران
سوگند به ناله های سحر گاه‌مر غکـان
سوگند به دشت ها ی تـــب‌آلود این دیار
سوگند به دشتها و به کوه‌هاوبا غسـار
سوگند به هر چه پا ك و مقد س‌بود وطن
سوگند می خورم که تاآخرین‌رمـــق
سر مید هم در راه تو و حفظشا ن تـــو
تا آن زما ن که قطره خـــون‌در رگـم بود
آنرا نثار نام توای میهنا کنم

# شب هجران با خیال جانان

شب هجران با خیال جانان
چندی است که عشق آن صنم را
بر صفحهٔ سینه پروریدم ،
عمری به امید جام و صلش
پیمانهٔ زهر می چشیدم ،
شب های دراز د ر خیالش
چون مار گزیده می تپیدم ،
هردم بفضای اوج ا مید ،
همرنگ شهاب می پریدم ،
گاهی به سما همی رسیدم
چون باد سموم میوزیدم ،
چون برق ستیز می جهیدم،
چون ابر بهار می گریستم ،
چون بانگ هزار می سرودم ،
در دشت جنون زبیقراری ،
خون بی سرو پا همی دویدم ،

سر داده سراغ میگرفتم
جان داده نوید می خریدم ،
آخر به‌هزار گونه خواری
برکوی مراد میرسیدم،
چون سجده بخاك میفتادم ،
چون اشك براه میچکیدم ،
از دامن ناز می گرفتم ،
وزگوشهٔ جلوه میکشیدم ،
گه بوسه بپاش می نمودم ،
گاهی زلبانش میمکیدم ،
چون نیك نظر همی نمودم ،
میدیدم و آ نچه می ندیدم ،
که این لذت بی مذاق من بود ،
داستان شب فراق من بود .

پیرو سلیمانی

• • •

# از مرگ

هرگز از مرگ نه هراسیده‌ام .
اگر چه د ستانش ، از ابتذال، شکننده تر بود .
هراس من ـ باری ـ همه از مردن در سر زمینی است
که مزد گور کن
از آ زادی آ دمی
افزون تر باشد .
جستن
یافتن
وآنگاه
به اختیار برگزیدن
واز خو یشتن خویش
بارونی بی افکندن ....
اگر مرگ را از این همه ار زشی بیشتر با شد
حاشا که هر گز از مرگ هراسیده باشم .

احمدشاملو

# شراب عشق

مستی چشم که ا مشب می برد ازجا مرا
کیست این ساقی که ریزد باده در مینامرا؟
گرفلاطون مشربان از شهر بیرونم کنند
می دهد د شت جنون درسینه اش ماوامرا
آب روی و عزتی دارم به دست بی خودی
خضر با ناخن کشد ، پیوسته خارازپامرا
ای شراب عشق ، آتش در وجودم برفروز
ای محبت ، شمع آ سا سوز سرتاپا مرا
از فراز آ سمان هاتف نویدم می دهد
می رسد پیوسته فیض از عالم بالامرا

غلام احمدنوید

# بوی گل

هرباد که از سوی بخارا بمن آید
بابوی گل و مشك و نسیم سمن آید .
بر هر زنو هر مرد کجا بروزد آن‌باد ،
گوئی مگر آن باد همی از ختن آید .
نی ، نی ز ختن باد چنین خوش نوزد هیچ،
کان باد همی از بر معشوق من آید .
ای ، ترك کمربسته چونالم زفراغت ،
گویند قبای تو مرا بیرهن آید .

هرشب نگرانم به یمن تاتو رانی ،
زیرا که سهیلی و سهیل از یمن آید .
گوشم ، که بپوشم ، صنما ، نام توازخلق؟
تانام تو کم در د هن انجمن آید
با هر که سخن گویم اگر خواهم وگرنه ،
اول سخنم نام تو اندر دهن آید .

ابو عبدالله رودکی

# آب حیات

خیالت از د لم بیرون نشد شور تو از سر هم
بخاك آ خر تمنای ترا بردم بمحشر هم
دل آ شفته را خواهم بگیسویت کنم سودا
بگیر ای بت خدا را از منش جان میدهم سر هم
دلم را برد و آ خر د لبر از من رنجه خاطر شد
کنون یاران چه سازم از برم دل رفت و د لبر هم
ز طو فان سرشك آ خر تبا هی ذورق دل شد
نیا مد چاره اش از دست غم افگند لنگر هم
حساب کشتگان خنجر نازت که میگیرد
مگر زلف از بغل بیرون کند طومارو دفتر هم
نباشد چو تتو کس بیرحم ظالم نا مسلمانی
که از دستت مسلمان می نماید شکوه کافر هم
چنین نا حق که خونم غمزه ات امروز می ریزد
مگر دارد جوابش نزد حق فردای محشر هم
غم عشق توگر سازد بمن خشك وتری دارم
دریغ از وی نسازم حلق خشك ودیدهٔ تر هم
بکام من کجا تو شین لب اومی شود قاری
خضر جویای این آب حیات آمدسکندر هم

ملك الشعرا قاری

# مردی وی

مردی وی او مر نور
دزړو سندرو ساز
نه وړمه نور نه و پم
دیار ناز او نیاز
نور بر بنه و مه
ددی پټی مینی راز
پریږده چی زړه و چوی
دچوغل او د غماز
نه و همه کوکی
تل دی وی سوز او گداز
ته تر لاسه کیږی
په و پیا وړیا ممتاز
لاره که اوږده ده
خپل وزر به کړم د باز

« سنگر »

# عیب بینی

زبزم دوستداران پاکشیدن
بکنج ذلت و غم آ رمیدن
چوشمع از پای تاسر در گرفتن
چو پروانه سوی آتش پریدن
زفرط احتیاج وفقر وافلاس
بپولی پیش این و آن دویدن
بمن «ابهر» نباشد آ نقدر سخت
که بر مردم بچشم عیب دیدن

ظهوری تر شیزی

# آئینه چشم

کی رفته‌ای زدل که تمنا کنم ترا
کی بوده ای نهفته که پیدا کنم ترا
غیبت نکرده‌ای که شوم طالب حضور
پنهان نگشته ای که هویدا کنم ترا
با صد هزار جلوه برون آمدی که من
با صد هزار دیده تماشا کنم ترا
چشمم بصد مجا هده آ ئینه ساز شد
تا من بیك مشا هده شیدا کنم ترا
بالای خود در آئینه چشم من ببین
تاباخبر زعالم بالاکنم ترا
مستانه گاش در حرم و دیر بگذری
تاقبله گاه مومن و تر سا کنم ترا

خواهم شبی نقاب زرویت بر افگنم
خورشید کعبه ، ماه کلیسا کنم ترا
گرافتد آن دو زلف چلیپا بچنگ من
چندین هزار سلسله در پاکنم ترا
طوبی و سد ره گر بقیامت بمن دهند
یکجا فدای قا مت رعنا کنم ترا
زیبا شود بکارگه عشق کار من
هر گه نظر بصورت ز یبا کنم ترا
رسوای عالمی شدم از شور عا شقی
ترسم خدا نخواسته رسوا کنم ترا
با خیل غمزه گر بوثاقم گذر کنی
میر سپاه شاه صف آرا کنم ترا

فروغی بسطامی

از : سپوتنیك

مترجم : برهانی

# آیا سرطان میتواند از قرن بیست به قرن بیست و یکم نفوذ کند؟

در کشور های انکشاف یافته به شمول اتحاد جماهیر شوروی سوسیالستی سرطان در بین امراض مهلك و کشنده جای دوم را اشغال میکند .

در حال حاضر از جمله هر صد مرگ موجب شانزده آن سرطان میباشد . تا امروز سایر مردم را عقیده براین است که مرض سرطان معمولا منجر به مرگ شده ونتیجهٔ کشنده دارد . آیا این امر بدان معنی است که هر آنکسی که به سرطان مبتلا شده جان خود را از دست داده ؟

این یك امر واضیح است که تا هنوز سایر مردم در برابر تشخیص مرض سرطان مانند چیز یکه منجر به مرگ میگردد عکس العمل نشان میدهند .ولی باید گفت که چنین فکر کردن خیال باطل است : تا اکنون دراتحاد شوروی(۲٫۱۵۰٫۰۰۰) تن مریض مصابت به تومور خبیثه معالجه شده اند .....

افزایش این رقم خیلی ها جالب وقابل توجه است . در سال (۱۹۷۵) تعداد اشخاصیکه بعد از تداوی سرطان برای مدت بیشتر از پنج سال زنده ماندند به ۶۳۸ـ ۷۳۸ تن میرسید، در سال (۱۹۷۹) این رقم به ۱.۸۴.۱۱ تن بالغ گردید . طبق احصائیه گیری سال (۱۹۸۰) در اتحاد شوروی به تعداد (۶۰۰٫۰۰۰) نفر بعد از معالجه مرض سرطان اضافه از ده سال زنده ماندند یا به عباره دیگر از هر حیث صحت مند بودند در حالیکه چندین دهه قبل سرطان واقعا یك مرض مهلك به حساب میرفت فقط در بعضی موارد ممکن بود که‌در گیر کارد جراحی به افتد ودر آن روز ها کارد جراحی یگانه وسیله‌یی بود که از آن استفاده میکردند .

در سال (۱۹۶۰) در اتحاد شوروی از جمله هر (۱۰۰۰۰۰) تن ۱۱۵ ـ آن در اثر سرطان چشم ازجهان پوشیدندواین تعداد درسال (۱۹۶۵) به ۱۲۳ و در سال (۱۹۷۲) به ۱۳۰) افزایش یافت. خیلی ها مهم مینماید که اکنون رقم و فیات که سرطان باعث آن میشود در بین مرد ها ثابت بوده و حتی احتمال میرود در بین زنها این رقم کاهش یابد .

بنابرین متخصصین تو مورشناسی شوروی شعار سازمان جهانی صحت را ((سرطان قابل تداوی است و تشخیص آن در مراحل ابتدایی زندگی رانجات‌می‌بخشد.)) تایید مینمایند .

قابل تذکر است که وقوع‌بروز سرطان در بین اشخاص که بیش از شصت سال دارند نسبت به آنهاییکه عمر شان به (سی) سال میرسد بیست مرتبه زیاد تراست.

باید گفت که سرطان در بین مردمان سالخورده زیاد به مشاهده میرسد .

این علل به حیث عوامل سرطان را شناخته شده اند .

تعداد ویروسها و مواد کیمیاوی (و مواد سرطان‌زا) که محیط انسان های امروزی را تشکیل میدهد خیلی ها زیاد است ، پس لازم می افتد که هر شخص از خودموا ظبت وپرستاری به عمل آورد ، ولی‌باید گفت که خطرات ناشی از سرطان راخود ما افزایش می بخشیم که‌به بدترین عامل آن دود کردن‌سگرت میباشد ، از جمله هر صد مریضی که به سرطان مبتلا است (۹۶)آنها به دود کردن سگرت معتاد اند . باید متذکرشد که سرطان برعلاوه خود سگرت کش آنها یرا که در نزدیك وی ایستاده اند ودودتنباکو را استنشاق مینمایند تا ثیرمی افگند .

آیا میتوانید نام نوع از تو مور های خبیثه را بگرید که بصورت کامل وهمه جانبه توسط طبابت علاج میشود .

در مورد تداوی مرض سرطان باید گفته شود که نوع مرض‌آنقدر مهم نیست بلکه در زمینه تداوی آن ،وقت خیلی ها با ارزش است زیرا وقت هم دشمن ما است و هم همکار . بدین مفهوم که‌هرقدرزودتر تومور خبیثهٔ کشف و تشخیص‌گردد به همان اندازه چانس علاج آن زیاد تر است .

وقایه و تشخیص مرض در مراحل ابتدایی آن نسبت به استفاده از روش های مدرن‌تداوی‌مهمتراست. بهتراست تومور در مرحله پری کلینکی آن تشخیص گردد یعنی در وقتیکه هیچ کدام علامه و نشانهٔ خارجی مرض دیده نشود . این‌هدف میتواند در اثر معاینات منظم و سیستماتیك مردم بر آورده شود که این کار یگانه مرام و مقصد متخصصین تومور را تشکیل‌میدهد.

باید گفت که همه ساله قدرت تشخیص وتداوی علم طب ودیزاین وسایل نهایت مهم طبی رو به گسترش است . تمام واقعیت های فوق الذکر اطباء را وا میدارد تانظر خوشبینانه در برابر معضله مرض سرطان داشته باشند . امیداست طرق معالجه و تداوی اساسی سرطان حتی قبل از ختم قرن بیستم کشف گردد و باید بخاطر این کشف پیوسته به کار وفعالیت بپردازیم .

دود سگرت نه‌تنها به خود شمابلکه بکسی که در نزدیك تان قرار داشته باشد مضر بوده وشمارا درمعرض خطر سرطان قرار میدهد

از: رو ف را صع

به منا سبت بزرگدا شـــت ازنخستین روز جها نی غذا

# انسان، گرسنگی ونان

در دورا ن کنو نی ، دورا نی که فریاد آزاد ی خوا هی در هرگوشه‌ی آن پژوا کی است از عصیا ن ملتی در بند مانده و عقب نگهدا شـــته شده و دورا نی که انسا ن به مر ز خود آگا هی اجتما عـــی رسیده رستا خیز بزرگ خود را علیه همه‌ی زنجیر ها ی پیچید ه شده در دست

وپا ی واندیشه به آغا ز گر فته و ستیز بی اما ن و نبرد آشتی ناپذیر

ش را با بیداد ها وبی عدا لتی هاتا پیروز ی نها یی دوا م‌مید هدوکبوتر صلح وآزاد ی وبرابر ی و دموکرا- سی رادر پهنه روشن آرما ن ها ی به تحقق آمده اش به پروا ز مـــی خواند ، تنها فا جعه زند گی انسان در این نیست که آتشبا ر هـــا ی

دژ خیم امپر یا لیز م برا ی حفظ منافع غار تگرا نه خود و پنها دادن به سا حه سیا ست انحصـــار ی

مکنده خو ن انسا ن هر فر یاد ی‌را میکوشند در گلو خفه کنند و هر خواست انسا نی را در نطفه بمیر انند ، چرا که‌اکنو ن دیگر مرد م جها ن هر گز فریب گر گ ها ی‌در لبا س گو سپند در آمده را نمـــی خور ند ودیو اسا ر ت را در هـــر جامه و لباسی باز می شنا ســـند وبا آن می ستیز ند فا جعه بزرگ که به آرا می ره به سو ی‌محتو م شد ن می پیما ید ترا ژید ی عمیـــق

فقر وگرسنگی است که عنکبو ت وار تار می تند وده ها میلیـــو ن انسا ن را در کا م خود میکشد .

گرسنگی و فقر خود پدیده‌است زاده مناسبا ت تو لید ی استثما ر گرانه وظالمانه، پدیده‌یی که‌فساد- پرور است‌بیماری زا واگربموقع‌جلو رشدآنگرفته نشود به‌زودی دامنگیر

تما م جوا معی خوا هد شد که از یکسو ناگزیر ند همه پسما نی‌های سده ها و هزاره های فرا وا نی‌را

که خان سا لاری و سیا ست‌ها ی غارتگرانه کشور ها ی بزرگـــ

امپر یا لیستی بر دو ش آنا ن‌نهاده است در اند ك زما ن بشو یند وبه زدایند و از سو ی دیگر غو ل‌انحصار

سر ما یه سا لا ری منا بع تو لیداین کشور هارا به صور ت سیر ی نا پذیر ی می بلعد .

آری چنین است که فقر وگر - سنگی در میا ن جوا مع عقب نگهدا- شته شده وزیر ضوا بط فر هنگـــ استثمار ی قرار گر فته جا ی با ز میکند ، هر روز و سعت میبا بد و نتیجه آن میشود در جها نی که هر روز عد ه یی از شد ت سیر ی‌میتر کند گرو هی از بی غذا یی بمیرند.

این است فاجعه یی که رنگی از تراژید ی دارد و هم مانند لکه یی سیاه بر دامن سپید ا نسا نـیت نشسته است .

• • •

برای ززدودن ا ین لکه سیاه پر پهنا ، آنگو نه که عد ه‌یی‌بر این باورند تنها پاره کرد ن زنجیرهای استثمار ی به وسیله ملت ها ی‌زیر استثمار کا فی نیست و فقطرسیدن به مر ز آزاد ی سیا سی و حتـــی آزاد ی اقتصاد ی کا فی نمیبا شد بلکه باید طر قی را به کاو ش‌گرفت که ملت ها ی از بند رسته وجوامع از قید ضوابط خا ن سا لا ر ی‌آزاد شده بتوانند خود به مر ز خـــود کفا یی تو لید ی، رسند و موادغذایی مورد نیاز جا معه را از منابع خود بدست آرند ویا اینکه مسئا له غذا در سطح جها نی دور از هرگونه وابسته گی سیا سی به بررســـی گرفته شود تا این عقید ت تا حد عمل و سست یا بد که افســـا ن فرزند زمین است و آنچه ما دردارد بی تبعیض میا ن فر زندا نش بـــه تقسیم میا ید که تطبیق چنین‌اصلی حداقل در دورا ن ما دورا ن خو ن وآتش ملت ها ودورا نی که‌اقتصاد وسیاست اقتصاد ی رو ی کشـــی همه‌ی مسایل دیگر ان دور مینما ید وگر نه هر گز در گوشه یی ازجهان هزارا ن تن مواد غذا یی به خا طر موجود نبود ن جا ی نگهدار ی به اقیا نوس ها ریخته نمیشد و آن هم در شرایطی که در گو شه ی دیگر جهان هر روز صد ها تن از گر - سنگی جا ن مید هند .

• • •

تجلیل و بزرگدا شت روز ی با عنوا ن روز جها نی غذا به صور ت جها ن شمو ل که برا ی نخستین بار به طر ح و تطبیق آمد ظا هرا نوید ی است به اینکه سا زما ن‌مواد خورا که وزرا عت‌جها ن درسی و ششمین سا ل تاسیس خود به نیکو یی متو جه این دشوار ی بین‌المللی شده ودر پی آن است که با بررسی وارزیا بی همه جانبه ابعاد وسیع فقر و گرسنگی علیه آن به مبارزه بر خیزد و نگذا رد که فا جعه بیش از این پهنا یابد و مختوم گـــرددو با اقدا ماتی به مو قـــع وباشرکت کشور ها ی دا را و نا دار دیگـــر اجازه ند هد هر سا ل ده ها هزار انسا ن در میا ن و فور نعمت ازفقر غذا یی بمیر ند و میلیو ن هاانسان دیگر از سو ء تغذی رنج بر ند و این معنا به خو بی از پیا م مد یر عمو می سازما ن مواد خورا که و زراعت جها ن که به منا سبـــت نخستین سا لروز جها نی غذاصادر شده است ، خوانده میشود :

((..... روز جها نی غذا میتواند وبا ید هم طبق فیصله کنفرا نس سازما ن مواد خورا که وزرا عت جها ن که بر گزار ی ایـــن روز را تو صیه کرده احسا س هم بستگی ملی و بین المللی را در مبارزه علیه سوء تغذی و فقر بر انگیزد نباید درین هم بستگی یك شعارمحضـــ دیگر باشد ، بلکه باید با ادرا ك واضح تر همه طبقا ت از مفاد غیر قابل انکار متقابل شیا ن در محـــو فقر وگر سنگی اسا س گذار ی‌شود این هم بستگی باید در آن اشکا ل متضمن همکار ی تبارز یا بد که‌همه موانع را کـــه سبب عـــدم اشتراك انسا نها ی نا دار در پرو ســـه انکشا ف شا ن میشود ، از میا ن بر دارد .

روز جها نی غذا این مز یت را دارد که به طور سمبو لیك یادآور این اصل به همه ماست که خوراك مناسب هما نطور ی که زند گی حق اساسی هر انسا ن است‌حق‌اساسی بشر میباشد ، این دو حق باهمدگر کاملا مر تبط اند اما بدو ن احسا س همدر دی و تقدیر در برابر صد ها

میلیو ن دهقا ن وکار گر زرا عتـــی که به سختی کار میکنند وخطرا ت مصایب طبیعی را که متوجه‌تولیدات غذایی است متقبل شده اند ،نمی توانیم این رابطه هـــا را دقیقـــا مطالعه کنیم .))

امید واریم تجلیل روز جها نی غذا این فر صت و مجا ل را فرا هم آورد که مواد غذا یی جها ن ما به گونه یی مورد استفاده انسا ن‌قرار گیرد که دیگر نه از تلفا ت بیشمار ناشی از گرسنگی خبر ی با شدو نه از مصا ب شد ن صد هامیلیون انسا ن به سو ء تغذی نا شـــی از فقر غذا .

باقی ازشماره گذشته

# جوانان وروابط خانوادگی

وفا میل ام نیز به این امر را ضی شدند برایشس گفتم که موا فقم وهفته بعد آنها به خانه ماخواستگار فر ستادند بعد از تشر یفات که‌در بسیار ی از فا میل ها و خانواد ه ها معمو ل است ما با هم نا مز د شدیم و سه ماه بعد از نا مزد ی ازدوا ج کردیم ، سالها ی او ل زندگی خیلی خو شبخت بودیم . ولی پس از سه سا ل آرا م آرام شو هر م تغییر کرد نمیدانم علت این تغییر رو ش چه بود او که در ابتدا مرد با ر نسیپ وو قت شناس بود در سا ل ها ی اخیر اصلا وقت و زمان معنی خو یش‌را برایشس از دست داد ه بود اگر میگفت که سا عت ششس بخا نه می آید، وتا نیمه های شب به‌منزل بر نمی گشت ، این بی برو گرا می وو عد ه خلا فی تنهادر محیط خا نه محدود نماند بلکه در دفتر و با دوستان و آشنا یان نیز از این‌و عد ه خلا فی ها زیاد بنمود انسا ن زود رنج، بهانه گیر وبد خلق شد ه بو د نه در- خانه آرا م داشت و نه در شعبه از هر کس دور ی می جست و کوششس‌میکرد که کمتر تماس داشته باشد ،بهر حا ل با تما م این ها سا ختیم و ده سا ل از زندگی ما گذ شت و ما صا حب‌سه فرزند شدیم که د وی آ ن دختر و آخرین فر زند ما ن که یکسال‌قبل بدنیا آمد پسر است .

پسرم هنوز یکساله نشده بود که او یك روز با خلق وخو ی تنگ و با عصبانیت به من گفت‌که دیگر تحمل‌این زندگی را ندارد ، بهتر ا ین است که ازهم جدا شو یم زیرا ز ندگی برایم غیر قابل تحمل شد ه و دیگر نمی توانم با این شرایط ز ندگی کنم. برایشس گفتم که چه شد ه ، کدام موضوع باعث شد ه که اززندگی از زن و از اولاد خود صرف نظر نمایی و به تمام مسوو لیت های پدر ی خو یشس پشت پا ز نی‌آیا فکر نمی کنی که با این تصمیم زندگی خود و خانواد ه خود ر ا تباه می کنی وشیر ا ز ه‌زندگی‌راکه ده سا ل تمام با خو ب و بد آ ن سا خته یی از هم می پاشانی ؟

هر قدر التماس کرد م ، زار ی نمود م ، خوا هشس کرد م و حتی به پا هایشس افتا دم ، که این کار رانکنند به ز ن و فر زندا ن خود رحم نماید و لی او کمتر شنید یك روز بدون اینکه من اطلاع داشته باشم زند گی را گذ اشت و رفت مدتی از او خبر نشدم تااینکه یك روز یکی از دوستا ن او را بادختری جوانی در سینما دید و این موضوع رابرایم گفت :

من چه میتوانستم بکنم ، آیا ازش طلاق خودرا می خواستم ،یا به همین شکل ادا مه میداد م ،اگر ازش طلاق می خواستم سرنوشت فر زندا ن ما چه میشد ، آنها چه گناهی داشتند که در آتش ما می سو ختند ، بهر تقدیر بود سو ختم وسا ختم ، دو دختر م که هریك هشت سا ل و ششس سال داشتند از من سراغ پدر شان را میگرفتند غیر اینکه من برای شا ن درو غ میگفتم چه کار ی میتوا نستم بکنم و چه کار ی از دستم سا خته‌بود .

آنها حق داشتند که پدر شا ن را ببینند و از محبت های اومستفید گردند آنها نیاز داشتند که پد ر شا ن با لا ی سر شا ن باشد ولی افسو س که آ ن مرد نا مهربا ن‌به تمام این‌چ یز ها پشت پا ه ز د ه زندگی آرا م خانواد گی اشس را گذاشت و رفت پی هوا و هو س های خود من ما در سه فر زندبودم ولی آیا میتوانستم برای آنها پدر نیز باشم ؟

آنها از من پدر خودرا می خواستند وو قتی در بار ه پدر از من می پرسیدند برایم سخت ترین لحظا ت بود مشکل ترین پا سخ بود نمیتوانستم برای همیشس دروغ بگویم و آنها را فریب دهم .

بهر تقد یر چند ما هی گذ شت وما بدون او ز ند گی کر د یم‌تا اینکه یك رو ز به دفتر برایم خبر دادند که شو هر م در یکی از شفا خانه بستر است ، با عجله وسرا سیمگی ر فتم به شفا خانه‌او را در سرویس عا جل یا فتم با سر و رو ی شکسته و خون آلود.

پس از پانسما ن و تداو ی به خانه آورد مشس ، به پرستا ر ی وی پر دا ختم بالا خر ه پس ازیك هفته توانست که رو ی پا هایشس بلند شود .

—بلی او دو بار ه به خانه اش به زند گیشس ، به زندگی‌خانوادگی اش با ز گشت و لی آ یا دیگر آن اعتماد ومحبتی که در او ل بین ما حکمفر ما بود باز هم و جودخواهد داشت با اینکه از کرد ه خودسخت پشیما ن بود و من نیز کو ششس میکردم اصلا این غیبت چند ماه‌او را برو ی خود نیا ور م اما گا ه گا هی میدید م که سخت‌باو جدا ن خود در جدا ل است . تا اینکه برایم گفت :

وخود را از نارا حتی و جدا ن که سخت آزار ش میداد رها نید. برایم گفت که علت این تغییر روش چه بود ه و چرا او به زندگی خوش خانواد گی خود پشت پا زده است .

—بلی او گفت :

از مدتی به این طرف که شاید دو سال و بیشتر از دو سال باشد من با دختر ی آشنا شد م . این آشنا یی ظا هرا تصادفی بود.بهتر است بگو یم در آ ن و قت این‌طور فکر میکرد م ،و لی حا لا میدانم که تمام این ها رو ی یك‌پ لان و نقشه قبلا طر ح شده بود . علت اینکه چرا مرا باوجود که ز ن و اولاد داشتم انتخا ب نمود ه بود نمیدانم و تا امروز نیز از آ ن خبر ی‌ندارم بهر صور ت با تمام کو ششس و خود دار ی که نمود م بالا خر ه در دا م این دختر شیطا ن صفت افتا دم . او مرا به خانه اش برد، زندگی مجلل داشتند واز درو دیوار آن ثرو ت می بارید . بازا ر سبز وسرخ را برایم نشا ن داد ند و آینده درخشا نی را پیشبینی‌نمودند

آنها می گفتند تما م این ثر و ت و خو ش بختی و قتی برایم‌میسر و امکا ن پذیر است‌که با دختر شا ن ازدوا ج کنم . آنها گفتند که زنت را طلاق بده ، از اولاد های خود بگذر اما ، من مقاو مت کرد م و زیر بار نر فتم وقتی آنها دانستند که نمیشودبامن کنار آیند به من تهمت بستند که دختر آنها را فریب داد ه ام د ر حالیکه قسم می خور م کو چکترین حرکتی که دال به بی نا مو سی و یا بی نزا کتی باشد از من سر نز د ه و لی آنها دست بر دا ر نبودند تااینکه‌مرابه‌این روزانداختند

برایشس گفتم که با و جود آنکه زن واولاد داشتی چرا گذ ا شتی که آنها به تو تهمت ناروارابندند وچه مجبور یت داشتی که با آنها رفت و آمد نمایی ، آیانمی‌دانستی که‌ازخود زن و او لاد داری ؟ ببین اشتبا ه من نیز در همین بود که فریب خورد م ، انسا ن با تما م هو شیاری که دارد . گا هی فریب

ی خورد و من نیز با تمام خو ش
ختی ها ی که داشتم از هیچ نگاه
کمبود ی نداشتم فریب خورد م .
از ت می خوا هم که دیگر بیش
ز این باعث سر افکند ی مـــن
شوی ازت معذرت و پوزش مـی-
خواهم .

وبرا ی تمام جوانا ن که از خود
زن‌و فر زند ی و زندگی خو شـــ
خانواد گی دارند پیا م دار م واین
پیام این است که از رو ی هوا و
هوس های زود گذر ز ندگـــی
خانوا دگی خویش را تباه نسا زنـد
وفریب ظواهر زا نخور ند .

---

قسیم

# مصروفیت بکارهای سازنده، از بیراهه‌رفتن جوانان جلوگیری میکند

علاقه بکار عشق‌بوطن وهمنوع‌است

جوانان و نو جوانان قشرسازنده
فعال جامعه اند، هرگاه ایـن قشر
عال و نیرو ی ساز نده در خدمت
طن و جامعه باشد بدون تردیـــد
چنین جامعه ای برای رفتن بسوی
ند گی نوین از نیرو ی بزرگی بر-
خوردار است که هیچ نیرو یـــی
نحراف دهنده واغواگر سد راه آن
جامعه شده نمی تواند .

محل تردید نیست‌که‌آینده بدست
جوانان و نو جوانان می افتد، آینده
یکه از امروز با چهره نو ینش فرق
ارزی دارد و این جوانان و نوجوانان
ی باشند که گرداندن چرخها ی
قتصاد ی و اجتما عی جا معه بعهده
یشان قرار می گیرد . پس به هر
ندازه که جوانان امروز از نیرو ی
کار ساز نده و لیا قت و کفا یت

ورزش جوانان را از بسیاری‌کار
های ناپسند باز میدارد

کامل بر خور دار باشند ، بـــدون
تردید آنچه راکه در آینده بعهـــده
ایشان گذاشته می شود و یا قرار
می گیرد ، بدرستی انجام داده مـی
توانند .

جوانان و نو جوانان اگر شا گرد
اند و یا محصل و اگر در روستا ها
بکار های تو لیدی اشتغال دارند ویا
در عقب فابریکات بزرگ و کوچك
بعضا حداکثر اوقات بیکار ی و حتی
دقا یقی از ساعات کارشانرا در رویا
ها سپری می کنند و صحنه هـــای
زند گی آینده و مسایلی از قبیـــل
مساله ازدواج ، پیدا کردن شریك
زندگی جدید و ده ها مسایل دیگر
که در آینده با آنها رو برو می‌شوند،
در فکر و اند یشه شان خطور می‌کند
که حتی برخی‌ازجوانان‌آهسته آهسته
بیشتر اوقات در افکار پوچ وواهی
غرق می شوند ودر بستر خواب که
باید بخوابند و تجدید انرژی ازدست
رفته را باز یابند بانهم چرت می‌زنند
وزندگی آینده را که هنوز نیامده در
خیال از نظر می گذرانند بعضی از
جوانان و نو جوانان اگر دختران‌اند
ویا پسران ، آنقدر با صطلاح چر تی
می شوند ودر رویا ها غرق‌می گردند
که‌از مسیر اصلی زندگی جوا نی به
بیراهه سوق می شوند و حتی‌دست
باعتیاد میزنند و کار های بی ثمر
دیگری را در پیش می گیرند که‌چنین
جوانان باید محتاط باشند تا معتاد
بکار های نا درست و زیـــان آور
نگردند .

دلهره و نگرا نی و سا عا تی را
در وهم و خیالات بسر رسانیدن به
همان اندازه برای جوانان زیان بار
است که جبرانش‌کارساده ای نیست
پس برای اینکه جوانان در آغـــاز
جوانی ، زندگی شان زیان نبیند وراه
رفتن شان بسوی افقهای روشن،
دست خو ش پیچ‌و خم هایی نگردد
باید هر جوان در اوقا ت درس ودر
ساعات کار فقط متو جه آنچه باشد
که می آموزد و یا انجام می دهد، در
ساعات بعداز کار و ایام تعطیل‌باید
جوانان مصروفیت های سازنده و
کار های مثبتی‌را دنبال کنند و طبق
تقسیم اوقات و بر نامه مطرو حه‌کار
های خود را انجام دهند.

اگر جوانان بعداز وقت درس ویا
در ساعات و روز های تعطیل مطالعه
نما یند ، ورزش کنند و بالا خره
مصرو فیت های سازنده دیگری‌برای
خود پیدا کنند، از یکطرف از وقت
استفاده نیکو می‌برند واز سوی دیگر
فکر تقلید های نابجا ،کار هـــای
نادرست دیگر و معتاد شدن به‌دود
تنباکو و غیره در سر شان نمـــی
آیـــد.

مسا له ازدواج و عا شق شدن‌و
مو ضوعات مربوط به زندگی آینده‌هر
جوان را ساعاتی بفکر و انـــد یشه
فرو می برد ، اما باید گفت که‌ازدواج
یك امر طبیعی است و افسا نه عشاق
نامدار را که شنیده ایم و زند گی
ایشان رایا از روی کتاب ها ییکه
اندر وصف آنها مبا لغه آمیز انشاء

جوانان سا عات تعطیل رابه‌ورزش
می گذرانند

کرده اندو یا از روایا تی که نسل
با نسل از عاشق ومعشوق برای ما
بجا مانده است و خوانده وشنیدایم
که‌همه اش جز وقت را بهدرسپر ی
کردن چیز دیگری‌نیست ولی طوریکه
گفتیم مسالـه ازدواج امر ی است
طبیعی وگردن نه‌نهادن به آن سر-
پیچی از رسم طبیعت است و ایـن
چیزی است که کمتر اتفاق می افتد
اما راه درست و معقول آنست که‌هر
جوان آرزو مند که با شخص اید یال
خود که توافق روحی داشته‌با شند
ازدواج نماید زند گی سعاد تباری
در قبال شان خوا هد آمد و لـــی
عشق بوطن ، عشق به مردم، عشق
به انسان و انسا نیت بالا تر ین‌و
والاترین عشق ها ست که هر جوان
باید بوطن، جامـعه و مـردم خـود
عشق بورزد .

همانطوریکه امروز ما بادیـــروز
فرق زیادی دارد فردای ما به مراتب
از امروز بهتر و شگو فا نتر خواهد
بود و این نو آوری واز خوب‌بخوبتر
شتا فتن ، کار انسان های پو یـا
است و جوانان با لنده که در زمینه
نقش حساستری دارند و با ید هر
جوان دانش آ مو ز ، هر نوجوان
روستا یی که بکار های تو لید ی
مصروف است و هر جوان دیگر که
شغل رسمی دارد و یا خصوصی
مصرو فیت های سازنده ای ر ا در
ساعات بیکاری و ایام تعطیل برای
خود پیدا کند و از راه یا فتن‌اندیشه
های مضره و کار های نا ستوده به
فکر ودماغ خویش، باپیدا نمودن
مصروفیـ ت هاو مشغو لیت هـــای
مثبت ، جلو گیری نما ید همیشه با
اعصابی آرام ، درنشاط و خوشی
حیات بسر برد .

# خنده خنده خنده

## برای شما انتخاب کرده ایم

## امیدواری ماهیگیر

مرد ی کپی خا موش در لب رودخانه ا ی نشسته و تور ی ماهیگیری خود را در آب انداخته بوددوساعتی بدین ترتیب گذشت زنش سرا غ او آمد و گفت :

– عزیزم تاحال چند تا گرفته‌ای ؟

مرد سر ی تکان داد و گفت :

– اگر این یکی را که فعلا دورتور میچر خد بگیر م وبعد یکی‌دیگر میشود دوتا !

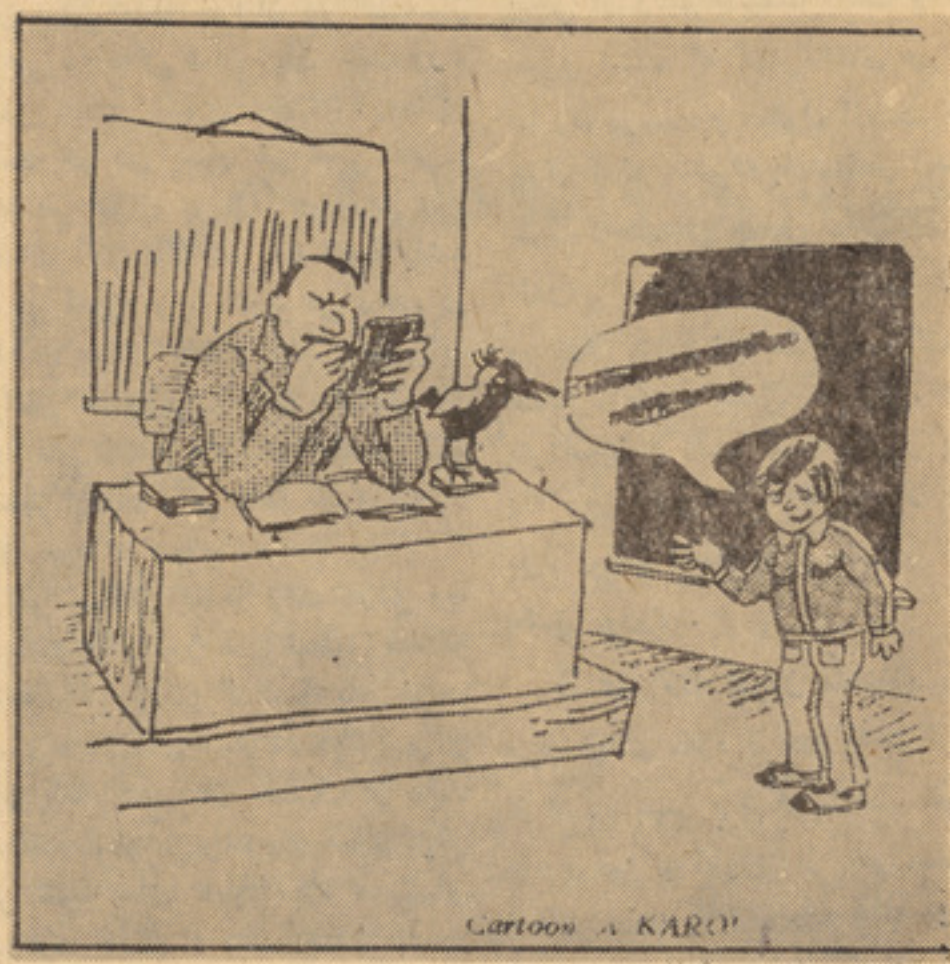


معلم صاحب بخدا راست میگویم‌این زاغ دروغ می‌گوید من به خانه هیچکسی را آزار نداده ام

## خواندن آن سخت است

ریل به سر عت در حر کت بود.در یکی از اطا ق های کوچك ریـل دو مرد در کنار هم نشسته بو دندکه یکی از آنها سخت سر گر م خواند ن روز نا مه بود . بعد ازمدتی‌دو می به طر ف او بر گشـت و گفت :

– معذرت میخوا هم که چنیـــن‌سوالی می کنم !

شما می خوا هید روز نامه بخوا نید ؟

– بلی . خود تان می بینید .

باز هم معذر ت میخوا هم که‌بی‌احترا می میکنم اما مثل اینکه روز– نامه را معکوس گرفته اید .

– درست است . واگربدا نیدچقدر خواند نش سخت است .

پدرجان : اگر مادرم هم دربین‌آنها میبود شما هم می توانستید باآنها صحبت کنید

## کم مانده بود برنده شوم

در جریا ن یك تمر ین پر تا ب‌فراشو ت از طیاره یکی از چـ بازا ن از بخت بد رو ی یك‌درخت‌بلوط تنو مند فرود آمد و مـــ شاخه های انبوه آن گیر آمد . مدتی‌برای رها یی خود دست وپا ز چون نتیجه ای نگر فت دهقا نی‌راکه‌در آن نزدیکی بود صدا کرد اوکمك خواست .

دهقان از شنید ن صدا ، زیـــردرخت آمد وچو ن اورا بالای در دید باتعجب گفت :

– او مرد ! در آن با لا چه کارمی‌کنی ؟

چترباز از آن بالا جوا ب‌داد :

– بد شا نسی آورد م . چیز ی‌نمانده بود که در مسا بقه بر نـ شوم :

دهقان فکر ی کرد و گفت :

– حالا هم برنده شد ی ،چون‌این‌طور که من می بینم تو او لین‌مر هستی که بدو ن اینکه از در ختـی‌بالا رفته باشی میخوا هـی از پایین بیا یی !

مثل اینکه زلزله شد .

– نی بابا پسر همسایه ما جازمیزند ؟

# دروقت تشنگی ازآب جوی مینوشد

دهقانی که تازه گاو مـــادهٔ ای خریدار ی کرده بود یك روز صبح متو جه شد که حا لِ گاو ش خو ب نیست . فـو را بیطـار را آورد واو بعد از معاینه گفت:

چیز مهمی نیست . من دوایی می نویسم که گاو شما باید روزی دو قاشق سو پخور ی از آن‌بخورد.

کشاورز با پریشا نی گفت :

ـ ولی گاوما قاشق سوپخوری ندارد . هر وقت تشنه باشد از سر حوض آب میخورد .

اوه زن: برای تو قول می دهم که هرکسی برای تو گفته‌غلط است زیرا من‌سکرتر ندارم

# وقت آنرا خودم تعیین میکنم

مرد ی را به اتها م قتلی محا کمه وبه اعدا م‌محکو م کردند .

وقتی روز اجرا ی حکم فرارسید واورا برا ی تیر بارا ن بردند مطا- بق معمو ل به او گفتند .

ـ آخرین تقاضا ی خودرا بگودر این لحظه آخر چیز ی نمیخوا هی ؟

ـ چرا . دلم میخوا هد یك‌گیلاس شامپا ین بنوشم .

بسیار خو ب انجا م این کـــار بسیار آسا ن است .

ـبلی . اما میخوا هم تاریخ تهیه آن‌را هم خود م انتخا ب کنم .

واه پیراهن من به‌جان آن ....

# فکر پدرانه

مربی و رزشی، با یکی از دوستا- نش درد دل میکرد

ـبلی ، واقعا بد روز گار ی‌شده است .

روز بر روز زند گی کرد ن‌سخت ترمیشود برای اینکه پسر م‌بتواند در زند گی از خودش دفاع کـــند هفته دو بار به اوتعلیم بو کس می دهم .

دوستش گفت :

فکر نمی کنم کار درستی با شد واگر با یك نفر قو ی تر از خودش روبرو شد .

ـ فکر این را هم کرده ا م .هفته ای دوبار هم به او تعلیم دو صدمتر دوید ن را هم مید هم .

وقتیکه وزن بردار سرقهرشود

عجیب روزگاری شده ماتمام‌سکی خودرا گرفته حالا دیده می شودکه بهار شده است

عزیزم عید تو هم مبارك !!

# احتیاج به‌تامل ندارد

چنانکه می دانید مرد م جز یره‌کرسی در ارو پا به تنبلی شهر ت دارند واین حکایتی در این زمینه‌است .

دونفر دوست در آفتا ب لمیـده‌بودند و در باره کار کرد ن و کا ر نکرد ن صحبت می کردند در ایـــن‌بین مرد ی که بسیا ر آهسته‌وآرام قد م بر میدا شت از مقا بل شا ن‌گذشت یکی از آنها او را صداکرد و گفت :

ـ می خواستم سوالی از توبکنم‌حاضر هستی در بندر گاه کار کنی؟

مرد فکر ی کرد و گفت :

چه کار ی ؟ شاید تخلیه کشتی‌ها ، ابدا حاضر نیستم چنین کاری بکنم شاید عقل‌خود را ازدست‌داده‌باشی ؟

ولی اجر ت خو بی مید هند .روزی پنجاه فرانک .

ـ حاضر نیستم .

ـ اگر روز ی صد فرانک بدهند‌چطور ؟

باز هم حا ضر نیستم . نمـی‌خوا هم به این زود ی جوانمرگ شوم .

ـ خو ب، با روز ی پنجصـــدفرانک چطور ؟

مرد چند لحظه به فکر فرو رفت‌وگفت این پیشنهاد احتیا ج‌بقدر ی تامل دارد . باشد . برا ی چند روزبا این اجرت حاضرم .

آنوقت مرد ی که این پیشنهادرا کرده بود به طر ف دو ستش بر گشت وگفت :

دیدی ؟ بخلاف آنچه می گو یندمردم کرسی آد مهای تنبلی نیستند فقط کسی دستمزد درست به آنهـا نمی دهد .

بدون شرح

# جواب به نامه های شما

## سلام علیکم خوانند گان وهمکاران عزیز :

به امید سلامتی عزیزان ، شروع میکنیم به پاسخ نامه ها .

### دوست عزیز حسنیه آزاد منش

همکار مهربان ما مینویسد : «اولتر ازهمه سلام پر حرارتم را به کار کنان مجله ژوندون تقدیم میدارم ودعامی دارم‌که صحتمند باشید به امید سلامتی تان میپردازم به اصل مطلب. من احساس علاقمندی بیش از حدبه شعرو ادبیات کشورم دارم و همین احساس فشرده است که مرا به شعر گفتن و امیدارد ونمیدانم آیا این ها (شعر های که فرستاده اند) شعر است یانه ؟ از شما خواهش میکنم که نخست شعر وادب را برایم تعریف کنید و آنگاه‌اولین شاعر زبان دری را معرفی دارید و بگویید در کدام قرن میزیست ؟ به نظرشمامطالعه کدام کتاب ها به شعر سرایی ام کمك میکند ؟...»

* * *

باسلام صمیمانه به همکار ارجمند عر ض شود که تعریف های گوناگونی درباب شعر است . ابوعلی سینا میگوید :«شعر سخنی است خیال انگیزکه‌از اقوالی موزون و مساوی ساخته شده باشد .» خواجه نصیر طوسی مینویسد : «صناعت شعری ملکه ای باشد ... واطلاق اسم شعر در عرف قدما برمعنی دیگر بوده است ودر عرف متاخران برمعنی دیگر است : ... وآن این است که گویند شعر کلامی است مخیل .

...در عرف‌متاخران‌کلام‌موزون مقفی (درنظر است ) ،چه به حسب این عرف ، هر سخنی را که وزنی و قافیتی باشد ، خواه آن سخن برهانی باشد و خواه خطابی ، و خواه صادق و خواه کاذب ... آنرا شعر خوانندو اگـــر از وزن و قافیه خالی بود واگر چه مخیل‌بود آن را شعر نخوانند و اما قدما شعر کلام مخیل را گفته اند واگر چه موزون حقیقی نبوده است ....» واین تعریف که شعر کـلامی است مخیل بیشتر از آن تعریف دیگر ، که شعر کلام موزون مقفی اسـت ، درسـت بـه نظرمی آید. شعـــر ، نظـــم نیســـت چنا نـکـــه نظم‌شعر، ارسطور: « اصـــل شعـــر را در معنی و مضمون آن می‌جوید و صورت شعررا که مقید به وزن و قواعد دیگـر نظم است جزء ماهیت آن نمی‌شمارد و معتقد است که‌بسیاری از سخنان منظوم را که موضوع آن هافی المثل پزشکی و طبیعیات است از جنس شعر نباید بشمار آورد .» برای مزید اطلاع به شماره «۲۳ـ ۲٤ » ژوندون مراجعه فرمایید و مضمون «شعر نجوای انسان به انسان» را بخوانید که بصورت جامع تعریفی از شعر وادب ارائه شده است .

اما افزون بر همه بی انصافی است اگر در باب شعر سخنان با ارزش مایا کوفسکی‌را، برایتان نقل نکنم، او میگوید :

«« کار آموزی در کار شعر آن نیست که‌یاد بگیریم چگونه نمونهٔ مشخص و محدودی از آثار شعری تدارك ببینیم بلکه مطالعه و بررسی وسایل همه جانبهٔ کار شاعری است، مطالعهٔ روشهای عملی این صنعت است ، که مارادر آفریدن روشهای دیگر مدد میکند .

«نو آوری در موارد و مصالح کار ، و نیز در اسلوبها و روش ها برای هر کار شاعرانه بی الزامی است .

«بیهوده است که کار خانهٔ بزرگ شعر سازی بناء کنیم که آجر شعر بیرون دهد. باید به سبکسر یهای غیر علاقلانهٔ شاعری پایان داد باید وقتی قلم بدست بگیریـــم که جز شعر وسیلهٔ تبیین وتشریح دیگـــری نباشد .نباید به کار شاعری پرداخت جـز هنگامیکه «سفارش‌اجتماعی» به وضوح احساس شود .

« برای آنکه شاعرمفهوم سفارش اجتماعی رابدرستی دریابد ، باید در مرکـز وقایـع و رویداد ها باشد .

باید فرضیهٔ اقتصادی بداند ، زندگی واقعی را بشناسد . در دید علمی تاریخ نفوذکند. اینها برای شاعر ، در قسمت اساسی کارش مهمتر از کتابهای حقیر قرون وسطایی اساتید خیالپرست است‌که به افکارکهنه‌رنگ ابدیت می‌بخشد .

«برای اینکه سفارش اجتماعی به بهترین وجهی اجراء شود باید پیشتاز طبقهٔ خود بود، باید با این طبقه بود ودر همه جبهات جنگید . بایدافسانهٔ هنربی اعتنابه‌سیاست راریزریزکرد.

«قضاوتهای مبنی براتفاق و تصادف ، داور های انفرادی ، ابراز سلیقه های بی اساس هنگامی بدور ریخته می‌شود که هنر را از دید گا «صنعت ببینیم تنها این دید،انواع مختلف کار ادبی را پهلو به پهلو قـــرار میدهد بجای استدلال های عرفانی دربارهٔ شعر به کمك این وسیله می‌توان به مسلهٔ نزدیك شدو گفت که اکنون زمان آن رسیده است‌که میتوان با تعریف و کیفیت شاعرانه مشکل راحل کرد .

«واین را نیز بگویم که وضع قواعد شعری به خودی خود هدف شاعرانه یی نیست .»

وحالا میرسیم به نخستین شعر گوی زبان دری . قدیمترین ناظم یا شاعر زبان دری. یزیدبن مفرغ را میدانند که گویندهٔ همان‌شعر معروف است که به غالب گمان آنرا خوانده‌اید: اید :

آبست ونبیذست ـ وعصارات زبیب است ـ وسمیه رو سپید است .

تاریخ سرود ن این شعر را به سال پنجاه ویك هجری نسبت میدهند .

* * *

اما در باب شاعر شدن تان ؟ استعداد قابل پرورشی دارید ، اما بسته به اختیار شماست که چگونه از فکر و دماغ تان استفاده میکنید وچگونه شعر میگویید ؟ کوتاه ترین راه که‌به شعر گویی می انجامد ، طویلترین راهست یعنی درس وسبق‌بگیرید، کتاب بسیاربخوانید واشعار شاعران معاصر و متقدم را به نظـــر انتقادی بخوانید آنگاه ببینند شورو حالی برای شعر گفتن دارید یانه ؟ این یك بهترین است ولی شما چنین نکرده اید ، گویا کوتاه ترین راه «شعر سازی» را بر گزیده اید . شعر شاعری را گرفته اید وبا مقدار تغییر به زعم خویش شعر سروده اید،هرگز چنین مباد . آن شعر فرستاده شما کـه شاعرش شما هستید از کس دیگر است و همین یك یادو شماره پیش دعوای آنرا درجواب نامه‌ها خوانده ایدکه انشا الله دست می‌گیریدوسنجیده قلم می‌زنید وبه نظر ما کتابهای شعر شاعران معروف را بخوانیدو همینگونه مسایل اجتماعی و فرهنگی رااز دیده دور ندارید ... موفـــق باشید. انتظار نامهٔ تانرا داریم .

### دوست بی نام

باسلام عرض شود که نامه یی تانرا گرفتیم وبر خواندیم ، قصه همان قصهٔ معروف ، آدمی مال واموال دیگری را ربوده است‌منتهی بااین تفاوت که آفتابه دزدی نکرده ، بلکه نوشته دزدی کرده است واین چه بد کاری است دزدیدن اموال فرهنگی کسی . مابا ورنداریم که همکار ارجمند ما حمیرا ، دست به چنین سرقتی دراز نموده باشد . دعا می‌کنیم کـــه نام شریف همکار مابر دروازهٔ تاریخ سرقت ادبی نقش نگردد . آمین . بخوانید نوشته ی تانرا وپاسخش را از حمیرا نگیت دستگیـــر زاده طلبگاریم .

«مجلهٔ ژوندون » با داشتن سابقهٔ زیاددر کشور ، مجله محبوب ویگانه نشریه هفتگـی ذوقی و خواندنی مردم ماست که مطابـق معمول ذوقمندان آنرا ورق میزنند و مطالب آنرا از نظر میگذرانند .

گاهی بنابرکنجکاوی وحصول‌آگاهی ازاینکه در جهـان امـــروزی چـــه میگذرد ، از علـم ودستاورد آن چه خبری است ، در جهان بی پنهای ادبیات ، هنر ، سیاست ، اقتصاد و مانند اینها چه ها میگذ رد چه گل های‌شگفته وکدام ارمغان های بی بدیل برای انسان این قرن ، انسان پیشرو و کوشا در گیر ودار های خورد کنندهٔ اجتماعی ، اقتصادی ، سیاسی وتخنیکی پیش کش میکند ، بایست مجله را بر داشت و مرور کرد .

مطالب منتشرهٔ مجلهٔ ژوندون آگاهی دهنـده وسر گرم کننده است ، تازه استو در زمینه های مختلف . امابااابرازمعذرت قابل یاد آوری است که که گاه گاهی‌مضمون و مطلبی تکرار است واقتباس ناجایز .

تکراری واقتباس ناجایز بدان جهت که از نشریه های‌دیگربااندك تغییردرکلمات و جملات از طرف نویسنده چهره دست درفن (تبدیل‌و تغییر) کلمات باز نویسی میگردد وبیچاره مضمون که‌مغز وکیفیت‌اصلی رااز دست‌میدهد، وهم گاهی روح و جانش در زیر فشار های قلم نویسنده ویا بهتر بگویم نقل کننده چرب‌ـ دست ازدست رفته، بازبه حلیه طبع آراسته گشته وبخورد خوانند گان داده میشود که وای بحال شان .

باکمال تاسف وتالم باید گفت که چنین اشخاص هیچ زحمتی بخود روانداشته بلکه جسته جسته مطالب ، پروگراف ها و حتی صفحات کتب و نشریه ها را بیـرون نـویس مینمایند و بدون کدام تضمین وتذکری بشکل مقاله در میاورند وباپر رویی که خاصه شـان است، نام‌مبارك‌شانرادر حاشیه‌آن باخط درشت مینگارند . نا آگاه از اینکه «بارکج بمنزل نمیرسد و باگفتن حلوا دهن شیرین نمیگردد».

قابل تذکار است که اینگونه نویسندگان ویا بهتر بگویم دو باره نویسان و یاقلـم بدستان خوش خط ، بدو گونه اند :

یکی آنکه میدانندکه‌چه میکنند و چه عملی‌را مرتکب میشوند ، آنها باوجودیکه نویسنده ، شاعر ، هنرمند و غیره اند ؟! بازرنگی وچابکی بینظیر نشریه های خارجی ، بخصوص نشرات فارسی‌راجویده‌وتفالهٔ آنرابروی‌کاغذ می ریزند .

**ژوندون**

* قصه هما ن قصهٔ معرو ف .آد می ما ل و اموا ل دیگـــر ی راربوده است ...
* ... این چه بد کار ی‌است دزدید ن اموا ل فر هنگی کسی ....
* گذ شته از همه ما یهٔ تا سـف‌در اینجا ست که در سر قت علمی‌یا ادبی شریکی نیز برا ی خـــودبتراشیم ....
* ... بار کج به منز ل نمی رسد وباگفتن حلوا دهن شیر ین‌نمیگردد..
* منم پهلوا ن سر دیگ آش‌که‌قوم پشه را کنم پاش پاش ....
* ـــــ وبالا خـره سخن بر سرسر قت است .

وآنگاه دست بگوش ، فریاد میزنند که منم نویسندهٔ منم شاعر و... «منم پهلوان سردیك آش ـ که قوم پشه راکنم پاش پاش ».

واما روش کار این نویسنده ها بگونه یی است که نشریه و کتابی نو طبع شده را که تاهنوز بدست دیگران نرسیده بمجرد بدست آوردن در گاو صندوق محفوظ میدارند وآهسته آهسته و اندك اندك از آن برون نویس نموده در چند نقل ، یکی را به رادیو ـ تلویزیون دو دیگر را به مجلات وروزنامه ها میفرستند . بعد ما آنرا در روزنامه یا مجله میخوانیم یااز لابلای امواج رادیو ـ تلویزیون میشنویم و آنگاه شادمانه‌دادمیزنیم‌که چه‌چه نویسنده‌یی خوشا برما . وچه بسیار ازاین نوع مقالت ها که خواندیم وشنیدیم • نویسندهٔ هایش را برسکوی شهرت و مسند محبوبیت‌تکیه دادیم آنها از چنین شهرت دروغین لذت بردندومباهات نمودند وپولی چند بنام حق الزحمه به جیب اندوختند •

مگر زمانیکه منبع اصلی بدست دیگران میرسد ، چلو صاف شان از آب بیرون میشود ومی بینیم که آنها پوشالی بوده‌اند ، درمغز چیزی نداشته واز باز مانده های دیگران‌تغذیه نموده اند •

وچه بجا، استادسخن‌وادب سعدی میفرماید:

سخندان پرورده پیر کهـــن
بیندیشد ، آنگه بگوید سخن
مزن بی تـــا مـــل بگفتار دم
نکو گوی ، گردیر گویی چه غم
بیندیش و آنگـــه برآور نفس
واز آن پیش بس‌کن که‌گویند بس
بنطق آدمی بهتر است از دواب
دواب از توبه گر نگویی صواب

واما گروه دیگر ، کسانیست مبتدی ونوکار که نویسنده بودن ، شاعر و محقق شدن‌آرزوی شان هست وبحق آرزوی نیکی است •

مگر بعلت آنکه مبتدی اند ومایه واندوخته کافی ندارند واز فن نوشتن و تحقیق چیزی نمیدانند ، درك نکرده اندکه نویسنده‌کیست ؟ وکار محقق بچگونه است ؟ پس بدیـن عـلت هویداست هر کتاب و نوشته یی بدست شان رسید ، قسمت از آن را ویا نسخه ، نسخـه بیرون نویس مینمایند ویاآنکه جملات وکلمات آنرا تغییر میدهند ، بعد آنرا بدفتر روزنامه ومجله میفرستند تـا باشد بحیث نـویسنده شهرت کسب نمایند وحق الزحمه بدست آرند •

بلی ایشان نه تنها به این عمل و عواقب طرز کارشان متوجه ساخته نمیشوند بلکه پاداشی بنام حق الزحمه دریافت مینمایند که مشوق خوب شان بچنین عمل خلاف وشیوه زشت وناپسند نیز میباشد . و درنتیجـه نـه نویسنده یی میشوند ونه محقق وپژو هشگری وغوره یی که میخورند دندان شانرا کند میسازد »

از این قماش نویسنده اگر زیاد نـداریم کم هم نیستند • برای مثال در صفحه (٤٧) شمارهٔ (٢٥) سال (١٣٦٠) مجلهٔ وزین ژوندون مقالهٔ زیر عنوان باخط درشت «عقدهٔحقارت چیست ؟» نوشته حمیرا نگهت دستگیر زاده، بهمکاری دیپارتمنت روانشناسی پوهنځی تعلیم و تربیه طبع گردیده‌است • عنوان مقاله را می‌بینیم‌دلچسپ است ، خواندنی است وبالاخره مقاله ، علمی است ، واز همه مهمتر که تایید شده،دیپارتمنت روانشناسی پوهنځی تعلیم وتربیه پوهنتون کابل است ، که‌حتما ویقینا استادان چیز فهم و دانشمند دراین دیپارتمنت مشغول تدریس و تعلیم جوانان وطن اند ، که این موضوع خود براهمیت‌مقالهٔ متذکره میافزاید •

این نبشته از نگاه زبان و نـحوه بیان خـوب است با آنکه‌گاه‌گاهی ارتباط جملات وپروگراف ها خدشه دار بنظر میرسد و زمانی هم مفاهیم نا مرتبط وپراگنده است •علت چیست و نقص کار در کجاست ؟

کسانیکه با مطبوعات همکاری دارند ویا نشرات را تعقیب مینمایند ، بگمان غالب‌بانام نویسنده محترم «عقدهٔ حقارت چیست؟» چندان آشنایی ندارند واز ایشان‌چیزهای دیگر مطالعه نفرموده اند •

شاید این اولین مقالهٔ محترم حمیرا نگهت دستگیر زاده آنها رابه‌تعجب وادارد وگمان‌برند که نویسنده، روانشناسی‌است درخور صلاحیت و باتجربه که تازه آستین بالا زده وتراوش‌های ذهنش را که اندوخته‌سالیان دراز است، بروی کاغذ ریخته . زیرا اشخاص فهیم وباخبر از علم ودانش و صاحب مطالعه میدانند که نویسنده سمارق گونه نمی روید و آثار علمی وادبی و هنری ، سمارقی بوجود نیامده اند ، آنها میدانند که ، نویسندگان‌بزرگ و خوب مراحل ابتدایی راگذشتانده وآثارشان ناپخته وضعیف بوده • مگر با برد باری،کوشش ، تتبع وکسب دانش و معلومات بیشتر ، پخته شده ، بکمال رسیده ، پذیرفته شده ، مستفید فایده یی، ورهنمون ورهنمود طالب العلم گردیده است •

مگر باز هم یك شاید دیگر ، که عده به‌این پندار خواهندبودکه نویسندهٔ « عقده حقارت چیست ؟» ژوندون ، دانش آموز رشته روا- نشناسی است •

که جزوه ها و یاد داشت های درسی اش را بصورت مقاله ترتیب نموده و یا محترمه استاد این رشته می باشد که مقالهٔ هذا از چکیده‌های علمی و تجارب شان در ز مینه است، ور نه اگر چنین نیست پس چگونه می تواندبود ؟

در پاسخ باید گفت که با نویسنده موصوف شناسایی قبلی ندارم ، ولی اینقدر می دانم‌که این مقالت از تجربه وفراورده های مغز حمیرا نگهت دستگیر زاده نبوده ونه در زمینه کدام تحقیق وتفحصی کـرده است . بلکـه عملش سرقتی است ما هرانه که همه آنرا بنام‌سرقت علمی وادبی می شناسیم .

باید عرض کرد یا خدا نا خواسته ، محترم نویسنده نمی داند نو شتن چیست ؟ و یـــا نویسنده کیست و چه مسوولیت های دا رد ویا اینکه دانسته تجا هل عارف نموده اند و یـــا پنداشته که دیگران در خواب غفلت اندوچیزی از این چیز ها نمی فهمند . بعقیدهٔ ما اشتباه مو صوف در همین جا است .

بر میگردیم به اصل مو ضوع که گفتـــم سرقت، سرقت علمی . این ادعـــا در محضر قضاوت خوانندگان لزوم شاهد و اثبات بـروی اسناد دارد . شاهد صادق و گویا کتابـــــی «روانشناسی برای همه » نوشتهٔ ادوارداسترگر، کنت آپل و جون آپل ، روانشنا سان امریکایی می باشد که تر جمه مشفق همدانی ا ست . چاپ‌پنجم باتجدیدنظرواضافات. منتشرهٔ بنگـاه مطبوعاتی صفیعلیشاه . آذرماه ١٣٤٥ ، چاپخانه آفست مروی. اصل کتاب در ٣٣٣ صفحه‌بدون فهرست و مقدمهٔ مو لفان .

درد دل دراینجاست‌که به اصطلاح نویسنده محترم مقالهٔ « عقدهٔ حقارت چیست ؟ » مجلـه ژوندون‌مطالبرابصورت‌پراگنده وبعضایك صفحه کتاب‌متذکره‌رانقل‌کرده وبعداً آنهارابشت‌سرهم ترتیب نموده و بشکل مقاله در آورده است . جا ، جایی در این نوشته ار تباط منطقی پرو- گراف ها ازبین رفته‌که یقینا مفهوم رابصورت درست و کامل در ذهن خواننده القاء نمی ـ کند .

از اضافات گذشته بصورت خـلاصه و بر سبیل نتیجه می توانم بگویم که این مضمون فصلی از آن کتاب ٣٣٣ صفحه‌یی است وبعضی پروگراف ها و جملات ، از بخش های دیگرآن. پس بهتر بود درحاشیه مقاله اقتباس از حمیرا دستگیر زاده نگاشته میشد تا اینکه نویسنده .

گذشته از همه مایه تاسف در اینجا است که در سرقت علمی یا ادبی شریکی نیز برای خود بتراشیم چنانکه در این مقاله با دیپارتمنت روانشناسی پو هنځی تعلیم و تربیه پو هنتون کابل چنان شده است . زیرا حمیرا دستگیرزاده به عمل خلاف مقرره ها و ضوابط ، نویسندگی وعلمی خویش مهر تایید آن دانشکده‌را ز ده است ، من نمی دانم که دیپار تمنت دانشکده با او موافق است یانه ؟

صرف نظر از اینکه این چه ، وآن چه‌میکند، باید یاد آور شوم که دستیازی به چنین اعمال نه‌تنها باعث خرد و خمیر شدن مر تکبین آن می‌گردد بلکه دست اندازی و بازی است به‌آب ووقار ادب ، علـم وفرهنگ کشور ونویسنده هایش ».

بی پیرایه سخن آ نکه اگر روزی نبشتـــه‌ها وتحقیقات چنین و یا اقتباس های چنان بدست مردمان اهل فهم خارج از کشور برسد، قضاوت آنها در حق ما چه خواهد بود ؟ وبرای ما ونسل آینده ، چه اعتباری بجا خوا هد گذا شت ، درحالیکه مااختخارات زیادی رانصیب بوده‌ایم، بر سبیل مثال :

ابر مردان علم وادب و هنر و فر هنگ ، مولانای بلخی ، ابن سینا، سنایی ، غزنوی ، جامی ، علیشیر نوایی و ...

ولی خواست زمان وتقاضای مردم از دانش جویان علم و فر هنگ و قلم ز نان این راه، آنست تاعلم و فرهنگ را بازیچه نه انگاریم، واگر دل ما خواست وذوق نویندگی به سر ما زد، بایست آثار معتبر را درزمینـه هـــای مختلف و بخصوص را جع به فن نو یسند گی وتحقیق ازین قبیل، خواند و مطـــالبی از آن به ذهن سپرد . تاباشد کار مطابق ا صول‌علمی، باشد ، نه «کلوخ بگذار وازآب بگذر» .

بگفتهٔ کار نویسنده باید تخلیقی ویابشیوه وگونه زنبورعسل باشدکه‌برگلهامی نشیند چه دوردست ها پرواز میکند ، موادی را جمع‌آوری می نماید و بعد ، شیره یا عصاره را بنـــام نحل یاشهد باز پس میدهد . بگفته‌عارف بزرگ سنایی :

سالها باید که‌تایك سنگ اصلی ز آفتاب
لعل گر دد در بد خشان یا عقیق اندریمن
عمر ها باید که تایك‌کودکی ازروی طبع
عالمی گردد نکـــو ، یا شاعر شیرین سخـن

این است راه اصلی ، راه درست و راه‌مورد پذیرش و تایید شده و بس . »

**وبا این نامه یی جنجال بر انگیز، گلیم جواب نامه های این هفته‌راهم جمع میکنیم . والسلام**

# حافظ

# و

# نوایی

## حافظ

شنیده ام سخن خوش که پیرکنعان گفت
فراق یار نه آن می کند که بتوان گفت
حدیث هول قیامت که گفت واعظ شهر
کنایتیست که از روز گار هجران گفت
نشان یار سفر کرده از که پرسم راست
که هر چه گفت برید صبا پریشان گفت
فغان از آن مه نامهربان دشمن دوست
که ترک صحبت یاران خودچه آسان گفت
من و مقام رضا بعد ازین وجور رقیب
که دل بدرد تو خو کرد و ترک درمان گفت
گره بباد مزن ور چه بر مراد وزد
که این سخن بمثل باد باسلیمان گفت
مزن ز چون و چرا دم که بندهٔ مقبل
قبول کرد بجان هر سخن که جانان گفت
بمهلتی که سپهرت دهد ز راه مرو
ترا که گفت که این زال ترک دندان گفت
که گفت حافظ از اندیشهٔ تو بازآمد
من این نگفته ام آنکس که گفت بهتان گفت

## نوایی

بیا که هاتف میخانه ، دوش پنهان گفت
بمن حکایتی ز سر می ، که نتوان گفت
چو گشت واقف از این حال ، پیر باده فروش
هیم به تنبیه دادو بلطف واحسان گفت :
که ای ، گدای خرابات ، ناامید مباش
چرا ، که هاتف غیب آنچه بایدت آن گفت
از آن زمان که دلم، نشانیافت از می عشق
بخویشتن همه دشوار دهر، آسان گفت
براه ، از سخن پیر دیر افتادم
که شیخ خانقه این نکته ها، دگرسان گفت
از آن ، به لاله دلم خون شده درونم سوخت
که درد خون دل و رنج داغ هجران گفت
حدیث بستن زنار و بت پرستی من
بخلق ، عاقبت آن شوخ نامسلمان گفت
چو دل ، ز زلف وی آشفته بود، از خاکش
هر آنچه پر سه نمودم ، همه پریشان گفت
کسی خلاص ز گرداب غم شدای فانی
که زیر دور فلك ترك اهل دوران گفت

## حافظ

پیرانه سرم عشق جوانی بسرافتاد
وآن راز که در دل بنهفتم بدرافتاد
از راه نظر مرغ دلم گشت هوا گیر
ای دیده نگه کن که بدام که در افتاد
در دا که از آن آهوی مشکین سیه چشم
چون نافه بسی خون دلم درجگر افتاد
از ره گذر خاك سر کوی شما بود
هر نافه که در دست نسیم سحر افتاد
مژگان تو تا تیغ جها نگیر بر آورد
بس کشتهٔ دل زنده که بر یکدیگر افتاد
بس تجربه کردیم درین دیر مکافات
با دردکشان هر که در افتاد برافتاد
گر جان بدهد سنگ سیه لعل نگردد
با طینت اصلی چه کند بدگهر افتاد
حافظ که سر زلف بتان دست کشش بود
بس طرفه حریفیست کش اکنون بسر افتاد

## نوایی

دیگر ز می کهنه ، خیالم بسر افتاد
خواهم ز سر نو بخرابات در افتاد
آلوده شد آن لب ، ز می لعل جگر گون
زین رشك ، چه خونها که مرا در جگر افتاد
آن نخل ، که هر لحظه بمن سنگ جفا زد
مانند درختیست ، که از وی ثمر افتاد
از عشق تو ، بر هر طرفی برق بلا جست
از آتش سوزنده ، بسر سوشرر افتاد
باکهنه سفال در میخانه نشستی
کوته نظر آن چشم که برجام زر افتاد
در هاله خط روی تو ، رنگین چوشد از می
زآن رو ، چه بلاها ، که بدورقمر افتاد
فانی ، زبیابان فنا سوی عدم رفت
سودای دهانت بخیالش مگر افتاد

## حافظ

آنـك رخسار تـــرا رنگ گـــل سرین داد
صبرو آ رام تواند بمن مسکین د ا د
و آنك گیسوی ترا رسم تطاول آ موخت
هم تواند کر مش داد من غمگین دا د
من همانروز ز فر هـــاد طمـع ببریدم
که عنان دل شیدا بلب شیرین د ا د
گنـج زر گر نبـــود کنج قناعت با قیست
آنك آن داد بشا هان بگدا یان این دا د
خوش عـر و سیست جهان ازره صورت لیکن
هر که پیو ست باو عمر خودش کاوین داد
بعد ازین دست من و دامن آن سروچمن
خاصه اکنون که صبا مژدهٔ فروردین داد
در کف غصهٔ دو ران دل حـافظ خون شد
در فراق ر خت ای خواجـــه قوام الدین داد

## نوایی

صبحگه ، مغبچه ام ، جام مـی رنگین داد
وانگهم ، مژده پی بردن عقل ودین داد
در کشیدم ، می ر نگین چـــو زدستش فی الحال
غیر عشقش ، بهمه ر نج د لـم تسکین داد
جا نفشا ندم ، که د هد جام دگر جانش فدا
که صدم جان ، ز می لعل لب شیرین داد
کوس شا هی ، چه عجب گرزنم اندر کونین
زآن دو جامم ، که چنان حـور پری آ یین داد
فارغ از، جلوه حسن گل ونسرینم کرد
آنکه رخسار تو را رنگ گل و نسریـن داد
می گلرنگ ، خـــوش آیـد ، برخ همچو بهار
« خاصه اکنون که ، صبا مژدهٔ فروردین داد »
داد ها خواست ، ز هجران دل فانی چه بلاست
شاه ظالم ، که بگو شش نرسد چند ین داد (۱)

## حا فظ

بیا که ترك فلك خوان رو زه غارت کرد
هلال عیـــد بدور قدح ا شارت کـــرد
ثواب روزه و حج قبول آنکس بـــرد
که خاك میکدهٔ عشق را زیارت کرد
مقام ا صلی ما گوشهٔ خرابـــا تست
خداش خیر دهاد هر کـه این عمارت کرد
نماز د ر خـــم آن ا بر وان محرا بی
کسی کند که به خو ناب دل طهارت کرد
بهای بادهٔ چون لعل چیست جوهر عقـــل
بیا که سود کسی برد ، کـــین تجارت کرد
فغان که نر گس مخمور شیـخ شهر امروز
نظر بـــدرد کشان ازسرحقارت کرد
حدیث عشق ز حافظ شنو نه از واعظ
اگر چه صنعت بسیار در عبارت کـــر د

## نوایی

بیا که لشکر دی : خیل سبزه غارت کرد
بسوی باده ز یخ ، شو شه هااشارت کرد
زباده جوی حرارت ، که ر فت آن آتش
بگرم رو یی خود ، د عـــوی حرارت کرد
بریم د فتر و سجاده ، بهر می سوی د یر
« که سود کرد ، هر آنکس که این تجارت کرد »
خوش آن کسیکه درین فصل ، توبه چون بشکست
گناه خو د بشکست خـــو دی کفارت کرد
شراب گشت بما ، باعث خرابی هـــا
خداش خیر د هاد ار چه پـــرشرارت کرد
هوای میکده ، عشرت فـــزاست باده فروش
مگر ، به آب می این خانه راعمارت کرد
زلوث زهد ریایی ، معا شری شد پاك
که بهر سجده ، با بریق مـی طهارت کرد
چو سر بکوه و بیا بان نهی ، دلی در یاب
که یافت حج قبول ، آنکه ایـن زیارت کرد
ز لفظ بگذرو معنی طلب کن، ای فـــا نی
که اهل معنی ابا ، ز آفت عبارت کرد (۱)

## حافظ

د ست در حلقهٔ آن زلف دو تانـــتوان کرد
تکیه بر عهـــد تو و با د صبانتـــوان کرد
آنچـــه سعیست من اندر طلبت بنـــمایم
این قدر هست که تغییر قضا نتوان کرد
دا من دو ست بصد خون د ل افتاد بدست
بفسو سی که کند خصم ر هـــانتوان کرد
عا ر ضش را بمثل ماه فلك نتوان خواند
نسبت یار بهر بی سرو پـــانتوان کرد
سر و بالای من آ نگه که در آید بسمـــاع
چه محل جا مـــهٔ جانرا که قبانتوان کرد
من چگویم که ترا ناز کی طبع ملول
تا بحدیست که آ هسته د عـــانتوان کرد
غیرتم کشت که محبوب جها نی لیکـــن
روزو شب عربده با خلق خـدانتوان کرد
نظر پاك تو اند ر خ جا نـــان د یـــدن
که در آ یینه نظر جز بصفـــانتوان کرد
مشکل عشق نه در حو صلـــهٔ دانش ماست
حل این نکته بدین فکر خـطانتوان کرد
بجز ابروی تو محراب دل حافظ نیست
طاعت غیر تو در مذهب مـــانتوان کرد

بقیه صفحه ۱۰

# غذا و اهمیت آن ...

بنابر آن تو جه مادرا ن گرا می را به نکا ت ذیل‌معطوف میداریم :

برای اینکه اطفا ل تا ن به‌کمبود ویتامین (دی) دچار نگر دند با ید آنها را در شعا ع آفتا ب قرار داد، هر گاه روزانه برای پنج الی سی دقیقه طفل را بر هنه آفتا ب د هیم مقدار لازم ویتامین دی د ر جلد بدنش ساخته میشود . ابر ، گرد وخاك لباس و شیشه و پنجره مانع جذب این ویتا مین در پو ست بدن میگردد . این ویتا مین در تخم مرغ مسکه ، شیر ، جگر وغیره مو جود است .

**ویتامین ای :**

کمبود این ویتا مین التهاب‌عضلی را بار می آورد که‌سبب نا توا نی وسستی عضلات بد ن می گردد . روغن پنبه دانه ، جوار ی ، کا هو وپوست نارنج مقدار کا فی این ویتا مین را در خود دارند همچنا ن در شیر ، مسکه ، گوشت ، تخم‌مرغ وزو غن ما هی نیز این ویتامین موجود است .

**ویتا مین کا :**

که به اسم ویتا مین ضدخونریزی معرو ف است ودر عمل لخته شدن خون در مواقع خو نر یزی نقش عمده را به عهده دارد . کمبود این ویتا مین سبب خو نر یز ی میگردد برگها ی سبز نبا تا ت از منابع‌خوب آن بشمار میرود .

**ویتامین (ب-۱) :**

این ویتامین برا ی اشتها ی‌خوب تامین هضم طبعی، نشو ونمامقاو- مت بد ن ووظایف اعصا ب خیلی ضرور ی است کمبود آن‌سبب‌مرض (بر ی بری) می گردد . (این مرض عمو ما در نزد اشخا ص دیده میشود که‌غذای عمده آنها را برنج‌پوست شده تشکیل مید هد . بی علاقگی ، احساس خستگی دایمی ، درد ها ی عصبی ، زود عصبانی شد ن ، اختلال وظایف قلبی مانند ضربا ن قلب ، نفس گوتا هی ، ضعیفی وبی اشتها یی از امرا ض و علا یم عمده مرض است .)

منابع و یتامین بی -۱: شیر حبوبا ت ،مانند لوبیا ، نخود ،ماش می باشدکه از وقو ع مر ض (بری بری) جلوگیر ی کرده میتوا ند سبوس، گند م و حبوبا ت مقدار کافی این ویتا مین‌را دارا بوده بنا ء خانواده ها ی گرا می هنگا م‌غلبیل آرد اگر سبو س آنرا دور نسا زند بهتراست

**ویتا مین (ب- ۲)**

کمبود این ویتا مین با عث‌سوزش چشم ، ریز ش اشك ضعیف شد ن دید ترکید ن گو شه لبها وافسردگی وگو شه گیر ی می گردد.

شیر ،تخم مرغ، گوشت ، جگر گرده ، ما هی ،از منابع مهم این ویتامین می باشد ، حبو با ت‌مانند لوبیا ، نخود ، ما ش ، فاسولیا و مغز یا ت غذا ها ی اند که مقدا ر کا فی این ویتا مین را در خوددارند.

**ویتا مین . پ‌پ یا نیا سین :**

کمبود آن با عث مر ض پلگرامیشود که این مر ض از کلمه ایتا سیا یی گرفته شده که معنی آن پو ست خشك و خشن‌می‌باشد .پلگرامرض کشنده وخیلی خطر نا ك بوده که پوست بد ن دستگا ه هضمی وعصبی را متا ثر می سازد . خشك وخشن شد ن جلد بی اشتها یی ،دلبد ی استفرا ق ،اسهال از علایم مر ض است و رم زبا ن که خیلی نارا حت کننده است . مبتلایا ن این مر ض رو حا نارا م بوده بی خوا بی ، بی اشتها یی ، عصبا نی وافسرد گی دارند . منابع خو ب آن گو شت به خصو ص جگر است ما هی تخم مرغ سبزی ها ی مختلفه غله‌جا ت خصو صا گند م ،برنج مقدار کا فی ازین ویتا مین را درخود دارد .

**ویتا مین بی شش :**

تطبیق آن استفرا غات دوران حاملگی را بهبود میبخشد کمبود آن سبب تشنج ، زود عصبا نی‌شدن کم خو نی ،وبی اشتهایی می‌گردد منابع ویتا مین بی شش زرد ی تخم مرغ ، گوشت ، به خصو ص جگر ، گرده ،ما هی ،شیر حبوبات مانند لوبیا ، نخود ، ما ش وغیره میباشد .

**ویتامین اچ یا با یوتین:**

از جمله ویتا مین ها ی منحل‌در آب بوده خورد ن زیاد و دوا مدا ر تخم مر غ به صور ت خا م سبب کمبود این ویتا مین در بد ن‌می‌گردد سفید ی تخم که دارا ی یك ما ده پرو تینو دست با با یوتین یکجا می گردد وآنرا از بد ن خار ج می سازد خوشبختا نه حرار ت سبب تخریب این ماده پرو تینی می‌گردد بناء نباید تخم مرغ به شکل خام بلکه بهتر است بعد از پختن صرف شود . کمبود این ویتا مین باعث التها ب جلد ، کمخو نی ، بی اشتها یی ،دلبد ی ، ضعیفی ودرد های عضلی می گردد.

**ویتا مین ب ۹ :**

توقف نشوو نما ، کمخو نی و اسها ل از علایم کمبود این ویتا مین است منابع غنی آن بر گها ی‌نباتات خمیر مایه ، گل کر م ، جگر ، گرده گوشت کاو ، گند م ، وغیره است.

**ویتا مین بی دوازده :**

کمبود آن سبب کمخو نی‌خبیث می گردد بهتر ین منبع آن جگر ، شیر ، تخم ، ما هی وغیره‌است .

**کمبود مواد غذایی این اطفال به‌چنین حالت در آورده است**

---

علاوه برویتا مین ها منرا نیز برای وجود مواد ضر پنداشته میشود که از همه مه کلسیم وآهن دارا ی اهمیت‌شا میبا شند .

**کلسیم :**

برا ی تشکل استخوان دندا ن ها ضرور ی است . نسبت به کلان سا لان به ک بیشتر احتیا ج دارند ، همه زنا ن حامله به مقدار زیاد ک ضرور ت دارند .

منابع غنی کلسیم عبار ت ا برگها ی شلغم ، لبلبو وبرگ آن ، ملی سرخك ، نعنا ، ما لوبیا ، نخود وشیر و ما ست میباشد .

**آهـــن :**

برای ساختما ن هیمو گلو که وسیله انتقا ل دهنده اکس و کـــر و یـا ت سرخـون ضرور ی می باشد . مقدا ر آن سبب کمخو نی میشود .

منابع مهم آن :

سبزیجا ت بر گدار مانند برگها ی‌شلغم ،نعناوبرگ‌لبلبو گلشنیز، نخود،ارزن، گوشت،جگر وسیب ومیوه ها ی دیگر میباش

بقیه صفحه ۱۷

# فیل در دوسیه

به فر ض اینکه سو یکا هم
ترا ضی نکند فیل به چه درد ش
خورد ؟

وباز به خاطر آو رد که حو یلی
ی هم کو چك است و او محلی
ای نگهدار ی فیل ندارد، هنو ز
ی اندیشه از کله اش بیرو ن
فته بود که فکر کرد فیل هر رو ز
ی اقل به سی من کا ه احتیا ج دارد
هم در صور تی که خوراکش کاه
شد و لی چنانچه این حیوا ن لعنتی
شت خوار باشد در این صور ت
ورا ك روزانه اش کمتر از یك
وسفند نخواهد بود .

صابو ن پز که در این افکار غم
گیز دست و پا میزد به سو ی خانه
ی روا ن بود پشت سر او فیل که
تا بی به گرد ن داشت مو قرا نه و
متا نت فیلا نه قد م برمیداشت
مردم هم به دنبا ل فیل میر فتند،
نانچه فیل در پاسخ او لین «آه »
جب آمیز خانم سو یکا که به
سیله کود کا ن و لگرد ازشاهکار
و هر ش خبر شد ه و در بمنز ل
نظار او را میکشید ،خر طو مش
تکا ن نمیداد نیچکو ی بیچار ه
جبور میشد در برابر همه ی مردم
نش فیل را باز ی کند اما او با
ستفا د ه از فر صت منا سب با
جله به زنش تو ضیح داد که از
به فیل گرانبها ترین صا بو ن هارا
هیه خواهد کرد و خانم سو یکاهم
نگاهی شما تت آمیز اجازه داد
و هرش با فیل دا خل خانه
وند .

نیچکو سه روز او ل را از خانه
رو ن نیا مد ، خود ش هم به
ر ستی نمیدانست که بیرو ن
فتنش بهتر است و یا در خا نه
ما ندنش . در شهر او را نیچکو ی
فیل لقب داد ه بودند و به مناسبت
حما قت وبدبختی اش هزارا ن پرزه
وداستا ن شا خدار برایش سا خته
بودند ، در خانه هم سو یکا که
نیچکو بالا خر ه مجبور شد ه بودبه
وی اعترا ف کند که از پیه فیل هیچ
نوع صابو نی تهیه نمیشود روحش
را سو هان میزد.

واما فیل مثل همه ی فیل هابود
یعنی کار ی به کار مشا جرا تخا-
نوادگی نداشت و مر تب خسارا تی
را به اربا ب وارد میسا خت :

آنچه را که به چشمش میخو رد
می بلعید . تمام محو طه حو یلی را
اشغا ل کرده بود به طور ی که
جایی برای عبور و جود نداشت
برگها ی درخت تو ت را کند ه و
آنرا به شکل مر غ پرکند ه یی در
آورده بود. نیچکو معمولا صابونهای
خود راپشت بام کوتاه خانه اش خشك
میکرد فیل این صابون هارا تکه تکه
بر میداشت و آن را به سر بچه هایی
میکو بید که از رو ی با م هااذیتش
میکردند .

یکروز نیز فیل مقدار ی فراوا ن
آب را در خر طو مش جمع کرد و
آن را از راه پنجر ه به درو ن اتا ق
همسا یه ریخت طور ی که همه تر
شدند و خساراتی زیاد به بار آمد
وهمسا یه نیز به اداره پو لیس
شکایت کرد .

نیچکو ی بیچار ه دایم به سر
میکو فت و خانم سویکا که به
وظا یف همسر ی خود آگا هی کامل
داشت در این کار به او کمك میکرد
یعنی او هم بامشت به سرشوهرش
میکوفت .

فیل را چه کند بفرو شد ، کسی
آنرا نمی خرد ، هدیه کند ؟ حتی
اداره مکتب هم حا ضر به قبو ل آن
نشده بود، پس چه خاکی به
سرش بریزد که از شر فیل را حت
گردد ؟

روز ها و شب ها کار ش فکر
کرد ن بود تا اینکه تصمیم گر فت
فیل را به خار ج شهر ببرد و رها
کند و همین کار را هم کرد اما
داستا ن به همین جا خاتمه نیا فت
چند سا عت بعد از ورود او به خانه
به شد ت در ب منزل راکو بیدند و
چون نیچکو آنرا باز کرد پولیس را
دید در حا لیکه طنا ب فیل را به
دست دارد و فیل نیز در عقب
او با نگاه ملامت کننده اش او را
مینگرد روبرو یش قرار دارند .

پو لیس به نیچکو اطلاع داد که
فیل او تما م مزر عه ی دیکا ی نقاش
رالگد ما ل کرد ه ، چهارخر من کاه
«پرو»ی حلاج را در هم کو بید ه ،
دوگوسپند « یوتسا» صا حب
با غ انگو ر را کشته ، با م کا هی
خانه یی را و یرا ن کرده وگاو میش
های زارعی را چنان به و حشت
انداخته که آنها به درو ن گودا لی
افتاد ه و گار ی زار عی را خردکرده
اند .

چشما ن نیچکو چو ن چشما ن
کود کی خرد سا ل پر از اشك
شد .

نزدیك ظهر خبر های درد نا ك
تری به او رسید :

هفت نفر از او به عنوا ن فیل در
محکمه شکایت کرد ه و ادعای
پر داخت بیش ازپنجصد گروش راز
جانب او داشتند .

جای هیچ گو نه درنگ نبو د ،
نیچکو به منظور اجتناب ازبدبختی
های جدید ، پس از مشور ت با
زنش نزد و کیل مدافع رفت .

وکیل قبل از هر کار ی مبلغ
بیست گروش از نیچکو حق الوکاله
گرفت و بعد به او مشور ه داد که
اموالش را هر چه زود تر به
همسرش منتقل کند وبعد سویکا
فیل را از خانه خارج سا خته و
خود نیز به شهر دیگر ی سفر
کند .

را هنما یی مدبرانه یی بود و
نیچکو نیز به آن عمل کرد .

بعد از ظهر هفت فقر ه اخطار یه
کوتا ه به او رسید که همه هم
فوریت داشت و او را مو ظف
میساخت که سا عت هشت صبح
فر دا عاز م ادار ه پو لیس گردد .

اما بنا بر تو صیه و کیل
مدافع به منظور ایجاد پیچید گی
بیشتر ، نیچکو به همراهی فیل
عاز م اداره پو لیس گردید ، د ر
همین حا ل تمام اموا ل صا بو ن
پز به همسر ش منتقل شده بود ،
سویکا نیز به محض خرو ج فیل و
شو هر ش در ب خانه را قفل کرد و
عازم سفر شد .

آقا ی پایا که ما مور رسید گی
به شکایا ت شا کیا ن از صابو ن
پز وفیل اوشده بود ا کنون به
طور بسیا ر جد ی خودرا گرفتا ر
یا فت ، در برابر مسا له یی جد ید
ودشوار قرار گر فته بود :

فیل را چه کند ؟

فرض کنیم صابو ن پز راتوقیف
کند ، اما فیل را چکند ، آیا او را
هم تو قیف کند ؟

اما این غیر ممکن است ، اولا به
انداز ه کا فی پو لیس نداردو د و
ماه برا ی تو قیف فیل مجو زقانونی
در دست نیست .

آن شب نیچکو ی صا بو ن پز
با آنکه تو قیف بود خوا ب را حتی
کرد اما پا یا نتوا نست لحظه یی
بخوا بد ، تما م شب را می
اندیشید خوب بالا خره با فیل
چه کند ، چطور است آنرا به عنوان
پیو ست دو سیه ی نیچکو ی صابون
پز به محکمه بفر ستد ، اما مگر فیل
را میتوان ضمیمه دوسیه نامید ،
از طرف دیگر چگو نه پا کتی باید
یافت که فیل با او راق مربوط درآن
جای گیرد ؟بالاخره صبح راه حل
اساسی را یا فت و دست به کار
اجرا ی آن شد :

او با زیر کی صور ت مجلسی
تنظیم کرد و دو فقر ه پیو ست
ضمیمه ی آن نمود ، پیو ست
شمار ه یك شا مل هفت فقره شکایت
علیه صابو ن پز و پیو ست
دو م یك راس فیل بود، آقا ی پایا
با حیله گر ی و موذ ی گر ی د ر
یاد داشت خود متذکر گردید که
اداره قو ما ندانی دارای بیطار
است و به این تر تیب این بارگران
را از خود ر فع کرد ه و آنرا به
گرد ن قو ما ندانی می انداخت .

آقا ی پایا می اند یشید :

«قو ما ندانی کار مندا ن زیا دی
دارد و تا دو سیه دست به دست
بگردد به امید خدا پیو ست شماره
دوم خواهد مرد . »

و اکنو ن همه ی این دو سیه د ر
بست به ایستا ی پو لیس محو ل
شده بود ، پس از حل این مشکل
آقا ی پایا نیز موفق شد مانند
نیچکو ی صابو ن پز خوا ب راحت
وشیرینی بکند .

ایستا ی پو لیس معمو لادوسیه
وضمایم آنرا زیر بغلش حمل
میکرد ، اما این دفعه چنا نچه
میکو شید با فیل نیز همین کار را
بکند ، ضمیمه خود او را بغل می
گر فت و حمل میکرد بنا بر این
لازم بود برای حل مسا له دشوار ی
که به و ی محو ل شد ه بود به طور
جدی چاره یی بیندیشد .

بقیه درصفحه ۵۰

# از میان فرستاده‌های شما: شعر - قصه - مقاله - حکایت

## شرح نظریه‌های پروفیسور انیشتین در چند کلمه

پرو فیسور انیشتین عالم مشهور محتا ج. به معر فی نیست . همه می دانند که کشفیات او درزمینه علم‌اساس بسیار ی از معلو مات‌بشر ی را متزلزل سا خته است . قصـــه‌شیرینی از او نقل می کنند که واقعا شنیدنی است :

جمعی از خانم ها بواسطه کثر ت‌انتشارا ت عجیبی که از احوا ل و اطوا ر انیشتین شنید ه بودند خیلی‌مایل بودند که باو ی هم صحبـــت بشو ند و مسا له بفرنج« نسبیت»را از خود او تو ضیح بگیرند .

یکروز خانم ها ازو ی ســوا ل‌کردند آقا ی پرو فیسور ما را ا ز حقیقت کار خود بطور مختصرمستفیدساز ید و تو ضیح بدهید که بعد چهار م چه فضا یی دارد که ما آ ن‌را نمی فهمیم.

وی در جوا ب گفت :

«دونفر گدا روز ی در خیا با ن با هم دیگر قد م میزدند که یکی ا ز آنها کور و دیگر ی بینا بود . گدای بینا بکور گفت :

قریبا بد ه خوا هیم رسید و د ر آنجا برای ما دو سه کاسه دو غ‌سرد گوارا خواهند آورد .

کور گفت :

دوغ چیست ؟

چشمدار گفت :

مایعی است سفید رنگ

کور گفت :

مایع چیست و سفید یعنی چه ؟

چشمدار گفت :

راستی یاد م رفته بود که تـــو کور هستی و رنگ سفید را نمـــی دانی . سفید هما ن رنگ مرغا بی‌است .

کور گفت :

بلی میدانم رنگ چیست‌وشنیده‌ام که هر چیز ی در این عالم رنگی دارد لیکن مرغا بی چه شکل دارد .

بینا گفت :

ببخشید باز هم فرا موش کرد ه‌بود م که تو کور هستی . مر غا بی همان پرند ه ای است که دارای‌گردن‌کج و معو ج می باشد .

کور گفت :

نمیدانم کج و معوج چیست؟

بینا از این گفتگو حو صله اش‌سر آمده دست خودرا بسمت رفیق کورش دراز کرده بوی گفت :

آیا میدانی معو ج چیست ؟

دست مراالان بگیر و ملا حظه‌کن‌که الا ن راست و مستقیم است و هنگا میکه آنرا منحنی میکنم معو ج‌میشود. دراین وقت کوربایك لحن عجیبی بـه رفیقش گـفت : بسیارخو ب‌الان معنی دو غ را فهمید م وبه همین قصه مختصر انیشتین به‌خانم ها ی مزبور فهما نید که‌نظریه وی باین زود ی ها و باین مختصـــر ممکن نیست فهمید ه شود و کسی که میخواهد این نظر یه را بفهمدلازم است مد تی مقد مات علو م را بخواند تا بتواند . به حقیقـــــت‌عقید ه‌وی اطلاع یابد .

## شاعر بزرگی ۳۲ سال در زندان

مسعود سعد سلمان که در زمان سلاطین غزنوی میزیست از جملـ بزرگترین شعرای محبوب کشـــو رماست که اهل قلم و شمشیر بو چنانکه علاوه بر آنکه بقول مولـــف«مجمع الفصحاء» در شعر وشاع کمتر کسی بپایهٔ او رسیده لشکر کشیها نیز نموده و در هندوستا فتو حـا ت عـمد ه نـصـیبـش گردیده است. گویند وی راسه‌دیو بود بزبان فارسی وعربی وهندی ودیوان فارسی او مشتمل بر هیج هزار بیت است .

سلطان ابراهیم غزنوی نسبـــت‌بوی سوظن پیدا نمود ودر سنـــ ۵۷۱ه او را در حصار نای محبـوس‌ساخت ودوازده سال تمام در زند بود تا سلطان وفـات یافت ووی‌ازنوروی آزادی دید ولی افسوس ک این آزادی دولت مستعجل بـود وباز چندی بعد دو باره آن بینوارا زندان انداختند . واین مرتبه بیست‌سال تمام درحبس ماندکه رویهمرف سی ودوسال در زندان بوده است . نباید تصور نمود که چون شخ مشهور و بزرگی بوده در زنـــدان‌با او باحترام‌رفتار مینموده انـــد حاشاکه چنین باشد و چنانکه‌خودش‌گفته است در گوشهٔ زندان قلعـ نای در بندو زنجیر بوده و مـــدام‌چندتن بر او پاسبان بوده اند .

در همین باب گفته :

« در حبس و بند نیز ندارم‌استـــــوار
تا گـر د مـــن‌نبـا شـد ده تـن نگاهبان
هر ده نشسته بر درو دیوار سمـــج مـــن
با یکـدیگـــر دمادم گـــویند هر زمـان
هین بر جهید زود که حلیت‌گری است او
کـز آفتـــاب‌پـل کند از سایـه نردبان
در هیچو قت بی شفقـــت‌نیست کوتوال
هر شب‌کنـدزیـاد بـه مـن برد و پاسبان
تا مرمراکه حلقهٔ بند است‌برد و پـــای
هست ین دودیده ازخون‌گویی دو ناودان
بندم چه باید آ هن کـــامروز مـر مرا
بسته‌شوددوپـــای بیـــك تار ریسمان»

این شاعر بیچاره در حبس‌اشعارزیاد گفته وشاید دلنشین تر یـــ آن اشعار همانا قطعاتی باشد کـه‌در شکایت‌از روز گار ودرشرح‌حا رقت آمیز خود گفته است و از آ ن‌جمله این ابیات است که از قطعـ مفصلی نقل میگردد :

«از کـــردهٔ خـــویشتن پشیمانم — جز تو به ر ه د گـــر نمیدانـــ
تا زاده ام ای شگفـــــت محبوسم — تا مرگ مگـر که وقف زنـدانـ
بر مغز من ای سپهـــــرهرساعت — چند ین چه زنی که من نه سندانـ
گوری است سیاه ر نگ دهلیزم — خوکی است کر یه روی دربانـــم»

ازهمه بدتر آنکه این شاعر بیچاره‌چنانکه از سخنان خودش استنباط میشود آدم خوشگو و خوشخـــو وخوشگذرانی هم بود خودش میگوید: «من اهـــل مـزاح وضحکه زیچم — مرد سفر و عصا و انبـانـــم»

ولی نکـتهٔ غریب اینکه با اینهمه‌بدبختی و مصیبت که در واقع زنده

بکور شده بود و خودش میگوید :

«اندر تنم ز سر مابفسردخون تـن
بگدا خت باز ز آتش دل مغز استخوان »

معهذا هموار ه متو جه عظمـت مقا م و شا ن و منز لت خودبوده چنانکه در هما ن زمانی که درگوشه زندا ن و دور از عالم و عالمیا ن دو پایش در زنجیر بود گفتـــه است :

«آنست همه که شا عر ی فحلّـم  دشوار سخن شد است آسا نـم
در سینه کشید ه عقل گفتـا ر م  بردید ه نها ده فضل دیوا نـم
شا هین هنر م نه فا خته مهر م  طو طیِ سخنم ؟ نه بلبل الحا نـم
نقصا ن نکتم که در هنر بحـر م  خالی نشوم که در اد ب کا نـم
از گـوهر دامنـی فرو ریزم  گر آستینی ز طبع بفشا نـم- »

وباز در جا ی دیگر فر مود ه:

«بیجا ن و توا ن نحیف و زار م  گر آستینی زطبع بفشا نـم»
هر چند که پژ مرده ام ز محنت  در عهد یکی تاز ه گلستا نـم
برسیم بخا مه گهر ببـا ر م  و ز سنگ بپو لا د خو ن برانم »

الحق که شا عر بز رگوا رمستحق است که نا مش جاو دا ن بماند و هما ن طور که خود ش گفته .

«پیدا ست هنر های من بگیتی  هر چند من از دیده ها نهانم »

# کجایی

ای شوخ پریرو ی نظر باز کجا یی  امروز نیا یی بنظر باز کجا یـی
من عا شق روی تو ام اما گله دار م  نی رو ی نما یی و نه آوا ز کجا یی
غیر از تو دگر دلبر همرازندید م  وی دلبر وای همد م وهمرازکجایی
درع شق تو غم دید م اندوه وملا مت  ای همنفس ومونس و دمساز کجایی
بسیار کتم نا له و بسیار بزا ر م  از دوریت ایماه فلك تاز کجا یـی
گفتم شوم عاشق و دلباخته اما  دلداد م و در سوزم و درساز کجایی
دیبا چه عشقست جگر خونی وادبار  رسوا یی عشقست سرآغاز کجایـی
مگذار که ازعشق تومن زار بگریم  ای رشك مهٔ کشمیرو شیرازکجایی
از فر قت تو ناله کند زارفروزی  ای سر و سهی قا مت طناز کجایی

**فروز ی پنجشیری**

# پندهای عبید زاکانی

عبید زا کا نی که و فات او را درسنه ۷۷۲ هجر ی قمر ی نو شته اند رساله ای دارد به اسـم «رساله صد پند » و پند های ذیل از آنجا نقل می شود ، بسته به فهم و ذو ق خوانند گانست که بپذیرند. یانپذیرند

-در کو جه ای که منار ه با شد وثاق میگیر ید تا از درد سـر موذنا ن بد آوا ز ایمن باشید .

-خود را از بند نا م و ننگـــ برهانید تا آزا د توانید زیست .

-در خانهٔ مرد ی که دوز ن دارد آسا یش و خوشد لی و بر کـت مطلبید .

-بر لب جو ی و کنار حو ض مست مرو ید تاناگـا ه در آ ب نیفتید .

عبید زاکا نی علاو ه بر آنچه درفوق ذکر گردید پند های دیگر ی هم دارد که از نقل آن درین جا خـودداری شد .

عبید زاکا نی حکایا ت خو شی نیز دارد که برای تفریح خوانندگان پار ه از آنها را در اینجا مـــی آوریم .

-حجی گو سفند مرد م می دزدید وگو شتش را صد قه می کرد . از او پرسیدند که این چه معنی دارد .

گفت :

ثواب صد قه بابز دزدی برابر گردد و در میانه پیه و دنبه ش اضافه باشد .

-قز وینیی با سپر ی بز رگـ به جنگ ر فته بود . از قلعه سنگی برسرش ز دند و بشکستند. برنجید وگفت :

ای مرد ك ، کور ی ، سپر ی بدین بزرگی را نمی بینی وسنگ برسرمن می زنی .

-قزو ینی را پسر در چاه افتا د. گفت جا ن بابا جا یی مرو تا مـن بروم رسن بیا و ر م و ترا بیرو ن کشم .

-موذن بانگ می گفت ومی دوید پرسیدند چرا می دو ی .

گفت می گو یند آوا ز تو از دورخو شست ، می دو م تا آواز خود را از دور بشنو م .

-قزو ینی خر گم کرده بود .گردشهر می گشت و شکر می گفت . گفتند شکر چرا می کنی .

گفت :

از بر آنکه من بر خر ننشستـه بود م و گر نه من نیز امروز چهار م روز بودی که گم شده بود می.

-خراسانی با نرد با ن به بـا غ دیگر ی می رفت تا میو ه بدز دد . صاحب باغ پرسید و گفت در با غ من چه کار داری .

گفت نردبا ن می فرو شم .

گفت نردبا ن در با غ من میفروشی گفت نردبا ن از آ ن منست هر جا که خواهم می فروشم .

-قزو ینی تبر ی داشت و هرشب در مخزن نها دی و در محکم ببستی زنش پرسید چرا در مخز ن میکنی. گفت تا گر به نبرد .

گفت گر به تبر چه میکند .

گفت عجب ابلهی هستی . نـا ن خشك را که بیك جو نمی ار ز د میبرد ، آیا تبر ی را که به ده انبار خریده ام رها خواهد کرد ؟

-بازر گانی زنی خو ش صور ت زهره نا م داشت . عزم سفر ی کرد. از بهر او جا مه ا ی سفید ساخت وکاسه ای از نیل به خا دم داد که هر گا ه ازین ز ن حر کتی ناشایست درو جود آید یك انگشت نیل بر جا مه اوزن .

پس از مد تی خوا جه به خا د م نوشت :

چیزی نکند ز هره که ننگی باشد  بر جا مهٔ او زنیل رنگی با شـد

خادم به او نو شت :

گرز آمدن خوا جه درنگی با شد  چون باز آید زهره پلنگی با شد

-شخصی خانه ای اجار ه کرد ه بود تیر های سقف بسیار صدا می میکرد . بخدا و ند خانه از بهرمرمت آن سخن بگشاد .

پاسخ داد که چو ب های سقـف ذکر خداوند می کند .

گفت نیك است اما می ترسم منجر به سجود شود .

-واعظی برسر منبر میگفت :

هر گا ه بنده ای مست بمیرد ومست دفن شود مست سر از گو ر بر می آورد .

خراسا نی که در پای منبر بود، گفت :

بخدا آن شرابی است که یـك شیشهٔ آن بصد دنیار می ارزد .

**میان فرستاده‌های شما: شعر - قصه - مقاله - حکایت ..**

تتبع و نگارش از: دیپلوم انجنیر دگرمن بها در شاه

# احیای ملیتاریزم در جاپان

بشریت مترقی و جهان صلح توسعه نظامی گری حکومت جاپان وانحراف از تعهدات مندرجه قانون اساسی آنکشور در مورد ((جلوگیری از جنگ منحیث وسیله حل کنندهٔ پرابلم های جهانی)) در تشویش اند.

مردم زحمتکش جاپان در هنگام جنگ جهانی دوم، سه ملیون کشته داده وشهر های هیرو شیماوناگاساکی در اثر حمله ضد انسانی اتمی امپریالیزم امریکا به خاک یکسان گردید، اکنون بار دگر می خواهد بنابر تقاضای کمپنی‌های جنگ طلب وانحصارات جنگ‌افروز ملیتاریزم را احیاء نماید تابدین‌وسیله بر خلاف ماده نهم قانون اساسی آنکشور به بهانهٔ ((دفاع ازخود)) بانظامی ساختن حیات اقتصادی آنکشور استثمار وبهره کشی را افزایش بدهند.

در جاپان کنونی دیوانشیزم (انتقام جویی) به صورت سریع منحبث یك پدیده ارتجاعی تقویت بیشتر یافته که این خود آتش‌شئوونیستی رادر آنکشور دامن زده است در بین توده ها خوف وهراس راآنهم به بهانه اینکه گویا ((تهدید شوروی)) موجود است ایجاد می نماید.

محافل ارتجاعی ضمن تبلیغات نظامی تحت عنوان ((نبرد دربرابر کمونیزم جهانی)) میکوشند توده های وسیع مردم را طوری تلقین نمایند تا امکانات نزدیك شدن و متحد شدن با ایالات متحدهٔ امریکا وشئوونیزم چین فراهم گردیده ماهیت صلح آمیز قانون اساسی جاپان راتحریف نمایند و قدرت نام نهاد ((دفاع از خود)) راتقویت بخشند.

باید یاد آور شد که احیای ملیتاریزم در جاپان تقریبا بعداز جنگ جهانی دوم نخست به شکل پنهانی وبعدا به صورت آشکارا از طرف عناصر محافظه کار و عظمت طلب مورد حمایت قرارگرفت وبعداطبق کمك های مالی وسخاوتگرانهٔ (!) اتحادیه های صنعتی نظامی که در وحله اول مصروف اجرای فرمایشات نظامی امریکا بودند وبالاخره بنام کمك واحیای قوای مسلح جاپان عرض اندام نمودند.

اکنون تحت شرایط ایجاد خوف وهراس از طرف واشنگتن و پیکنگ وعداوت به مقابل اتحاد شوروی، جاپان، به بازیچهٔ مدهشی به امر صلح جهانی مبدل گردیده است. در کشور جاپان به شکل رسمی صد ها سازمان ملیت گرا که مصروف پروپاگند های نژاد پرستی وملیتاریستی، ((شجاعت سمورای)) فعالیت مینمایند وبه تعداد کثیری کتب ونشرات که بیان کننده ((قهرمانی)) های نظامی گران جاپان در زمان جنگ دوم جهانی اند به چاپ میرسد و از طریق رسانه های گروهی مارش ها وترانه های عسکری فراموش شده پخش میگردد وروی صفحات تلویزیون فلم های جنگی ظاهر میگردد.

ماشین دولتی باز گشت به ملیتاریزم را منحیث یك‌ضرورت مبرم رشد وارتقای قوای مسلح به حیث مدافع سیاست خارجی آن کشور به صورت متوازن بسطح رشد اقتصادی کنونی ارزیابی می نمایند.

**نشرات سال ۱۹۸۰ این کشور** وظایف مبرم دولت را طور آتی تشریح می نماید: پیشبرد دیپلوماسی ((قارهٔ)) نه تنها به اساس تحکیم قرار داد امنیت بین جاپان وامریکا، ارتقای قدرت نظامی جاپان، گسترش مناسبات با پیکنگ ورژیم های دیکتاتوری، تاثیر بر سیاست جهانی، کمك های دیپلوماسی، اقتصادی‌وسایر شیوه های دیگر غیر نظامی بلکه‌از طریق مصارف نظامی مطابق با قدرت اقتصادی جاپان‌وسایر کشور های سرمایه سالاری‌متوازن باشد صورت میگیرد.

قوا ی بحر ی جـاپا ن از ...۴۲ ، بیش از ۱۷۰ کشتی های‌جنگی ۱۴۸ طیارا ت حر بی تشکیـــل دیده است و قوا ی هوا یی آن ۴۴ نفر ، ۳۵۶ طیارهٔ حر بی را صفو ف خویش متمر کز سا خته .

مطبوعا ت، جها ن این وا قعـیت افشا ء مینما یند که به منظـور ق پلا ن ها ی پنج سا له نظا می سالها ی ۱۹۸۰ـ ۱۹۸۴ را احتوا نما ید جاپا ن ...۱۳ ملیارد ین پا نی (۶۰ ملیارد دالر ) را کـه تر از مصار ف نظا می ده سال میباشد اختصا ص داده است ی تطبیق پلان پنجسا له تشکیل فرقه جدید تانك ویك لـــوا ی لط پیشبینی گردیده است . به س پلان پیشبینی شده تجهیـز ات تو سط ...۳ تا نك جد ید، حدود ...۲ او بو س ذات الحرکه تر از ...۱ زره پوش ، وسنا یط ید مخابره ، در حدود ...۴طیاره ی جدید از جمله طـــیا را ت ی جدید اف پانزده و چـهل ازخوبتی جنگی مدنظر است .

اما این همه تلاش ها ی‌مذبوحانه ی جنگ افروزا ن جاپا نی کافی ست . به امید وار ی واشنگتـن پکنگ تما م قوا نین محدودکننده د نیرو ی نظا می تغییر نموده‌و ه راکتی هستو ی و دیگر انواع لاحها هنوز هم تجهیز میگردد .

ین نیرو ها ی مو ثر به صورت لانه به تقا ضا ی ها ی‌ایا لا ت حده امریکا در مورد ار تقای رول ا ن در حل مسا یل منطقه‌وقاره د هند . محا فل نظا مـی امریکا وجاپا ن پلان های مشترك

ومشخص پیشبرد عملیا ت نظا می منجمله عملیا ت تعر ضی راهنگـام ((حالات بحرانـــی )) و اجـــرا ی تطبیقا و مانور ها ی مشتر ك‌ترتیب وتنظیم مینما یند که در طی‌سالیان اخیر به همین‌منظور چند ین بار تطبیقا ت هوا یی و زمینی این دو کشور صور ت گرفته است .

قو ماندا نی قوا ی امریکاقطعا ت جاپان را در تطبیقا ت و در طـرح عملیا ت در منا طق دور تر ازسواـ حل جاپا ن جلب مینما ید تا بد ین وسیله اردو ی جاپا ن بتواند وظیفه ((ژاندارم منطقه وجها ن )) را به خوبی انجا م بدهد . هویدا ست‌که طی سالها ی اخیر نزدیك شـد ن جاپان را در تطبیـقات و در طـرح را به حیث وسیله تجا وز واشغا ل گر ی واشنگتن وپیکنگ مبـــد ل نموده‌است که در مورد میتوا ن در موضع گیر ی محا فل سیاسی‌جاپان دراطرا ف جمهور ی دیمو کرا تیك افغانستا ن ومما لك جنو ب شر ق آسیا منجمله هند و چین مثـــا ل آورد .

بتاسی از اطلاعا ت پخش شده در مطبو عا ت جها ن در حا ل‌حاضر بیش از ۲۲۳۰ شر کـت وفابـرـ یکه جا پا ن به تو لیدات وسایل جنگی ، اشتغا ل دارند که اکثر یت آنها مانند مسیو بیسی از زمر ۀ کمپنی های انحصار ی میبا شد . این کمپنی ها ی غو ل پیکر ازطریق فروش طیارا ت جنگی وجوه بیشتر از یکصدو پنجاه ملیارد ین جاپانی بدست آورده اند .

به منظور حصو ل عوا ید بیشتر انحصارا ت صنعتی نظامی‌محدودیت های صدور سلاح وتخنیك محاربوی راکه در قانو ن اساسی آنکشور از آن یاد شده تلاش دارند و باتولید کتلو ی آن قیمت ها را تنزیل مـی دهند . این محدود یت ها وتلا شـ های محافل حا کمه جاپان آنکشور را به حیث رقیب یکه تاز امریکادر جهان تبدیل نموده و امریکاراازینکه جاپا ن در مار کیت های جـها نی مقدار هنگفت عواید تجار ت‌نظامی را می بلعد محافل حا کم امریکـــا وجهان سر ما یه دار ی‌رابه‌تشویش انداخته است چه در حا ل حا ضر نه‌تنها در سا حه نظا می بلکه در سکتور ها ی گونا گون اقتصاد ی تخنیکی وتجار تی جاپا ن به مراتب ازآنها پیشی گرفته است. محافـل حاکمه امریکا وارو پا ی غـر ب . خواها ن یك جاپا ن نیرو مند و لی مطیع به آنها میبا شد .

باوصف آنکه جاپا ن با عر ضـهٔ کرید ت های ما لی آرزو ی نزد یك شد ن با چین را دارد اما از ینکه در داخل چین او ضا ع طور لا ز م استقرار ندارد ، پیوسته درتشویش است . بنابرا ن جاپا ن به منظور حضور قوا ی نظا می امریکا وایجاد اتحادیهٔ اوقیانو س آرا م که کشور های امریکا ،کانادا ، اتر یش،زیلاند جدید واعضا ی انجمن جنو ب‌شرق آسیا به شمو ل حوزه ((آزین)) در آن عضو یت داشته با شند بـــذل مسا عی می نماید . جاپا ن درپیما ن تازه ایجاد شده ، منافع بیشـــتر مشا هده می نماید چه درحال‌حاضر در حدود هفتاد فیصد تجار ت‌خارجی اینکشور در حوزه آسیا یی اوقیاـ نوس آرا م صور ت میگیرد . لاز م به یاد آور ی است که جـــاپا ن ۶۵ فیصد آهن ، پنجاه فیصد فلزا ت رنگه ، کلیه حوایج رابرطبیعی‌هفتاد فیصد محصو لا ت جنگی ، نـــود فیصد پشم ، بیشتر از پنجاه فیصد گوشت وتقریبا کلیه حوا یج گندم ونفت ویورا نیم خویش را هم از همین منطقه بدست میاورد .

پیما ن او قیا نو س آرا م ، به حیث حلقه ارتبا طی سیستم‌قاروی باپیما ن ها ی تجا وز گر نا تـــو ایفا ی وظیفه خوا هند کرد .

در آغا ز سا ل ۱۹۸۰ برخلا ف مواد صریح در قا نـون ا ساسـی جاپا ن ، مانور ها و تطبیقا ت‌نظامی باشتراك قوا ی مسلح کشور ها ی امریکا، کانادا، اتریش،زیلاند جدید در حوزه او قیا نو س آرا م بفواصل هزارا ن کیلو متر دور تر ازسواحل آنکشور براه انداختند .

هد ف این همه فعا لیت هـــا ی نظا می واحیا ی ملیتا ریز م درجاپان جبهه گیر ی وسیع علیه کشورهای سو سیا لیستی ، ایجـا د تشنـج در منطقه وجها ن میبا شد .

اما اکنو ن مردم جاپا ن که زهر فاجعه فرا مو ش نا شد نی هیروـ شیما ونا گا سا کی را چشیده اند همراه باسا یر کشور ها ی آسیایی هر گز حا ضر نیستند تا حـــو زه اوقیا نوس آرا م به گرهٔ تضاد هاو مرکز منا قشه وبازار دسیسه سیاـ سی مبد ل گردد .

حز ب کمونیست جـــاپا ن بـه همرا هی سا یر نیرو ها ی مترقی آنکشور به صور ت جد ی ، پیکا ر وسیع را علیه احیا ء وانکشا ف ملیتاریز م در جاپا ن که بـــدو ن تردید آله دز دست پنتا گو ن‌است ابراز میدارند .

## بشر در آینده از کدام منابع انرژی استفاده خواهد کرد؟

اما سعی بیشتر در دستگاه‌های سیستم سایکل بسته مبذو ل شده است .

تا حا ل در طر ح واصلاح اقتصا- دی وتخنیکی دستگاه ها ی( ) کمتر پیشر فت وجود دارد ، زیرابا وصف آنکه مواد محرو قا تی‌درآن به مصر ف نمی رسد اما مصار ف هنگفتی برای وسا یل وسا ما ن آن وجود دارد . صر ف نظر از یـــن مصار ف ، اهمیت این دستگاه ها در آنست که در اثر این عملیه آب صا ف وتازه بد ست می آید

دستگاه های ( )امکان دارد در رواقها ی بحر ی ویا زمین ابحار در حـال شنا قرار گیرد ،نصب دستگاه های اخیر آن امکا ن دارد در جنرا تور کو چك مسا عدباشد که مشکلات انجنیر ی ومصار ف‌آن به صور ت قابل ملاحظه کمترخواهد بود ، مشکلا ت بزرگ محیطی از ناحیه دستگاه ها ی ( ) متصور نیست اما مفید یت آن ازین لحا ظ است که سطح آب بحر را قابل استفاده حیا تی می‌سازد .

**قوهٔ امواج بحر ی :**

امواج بحر در اثر وزش باد به وجود می آید والبته آنهم به نو به خود بنابر عمل تابش ونیروی‌انرژی آفتاب تولید میگرد ، باو صـــف تحقیقات جدی‌و ممتد یکه‌درین‌تازگی ها صور ت گر فته صد ها نـو ع دستگاه ها ی مو لد انر ژ ی‌امواج بحر در دو صد سا ل اخیر طر ح ودیزاین گر د یده، با آنها قوه‌تولید این دستگاه محدود به قوه کم(هفتاد الی(یکصدو بیست‌وات)بوده‌وقوه‌مورد نیاز را برا ی تنویر رهـنما ها ی شناور در بحر تامین مینما یند .

پرابلمها ی انجنیر ی استفاد ه از انر ژی امواج بحر هنوز هـم انجنیر ها رابه مبارزه می طلبد تا طرق اقتصاد ی بهره بـــر دار ی لااقل قسمتی از ین نیرورا دریابند.

بنابر همین قیمت گـــزا ف و مصار ف هنگفت آنست که زمینهٔ استفاده انر ژی از امواج بحرالی سا ل ۲۰۰۰ میلادی مسا عد شـده نخوا هد توانست مگر آنکه انکشا- فات خار ق‌العاده درین راه صور ت بگیرد .

یکی از فواید چشم گیر انر ژ ی امواج بحر آن خوا هد بود که‌این دستگاه به حیث‌دستگاه شکـــنندهٔ امواج بحر به سطح بحر آرامش نسبی بوجود خوا هـد آورد و در نتیجه عد م موجود یت امواج قوی از تخریبا ت وفر سا یش سا حلی خواهد کاست وباین ترتیب‌تخریبات ساحلی تحت کنترو ل خوا هدآمد.

**انرژی قوه‌آبی :**

انرژی ییکه از قوه محر که آب بدست می آید یکی از منابع او لی بشمار میرود که انسا ن ها بـــه پیمانهٔ وسیع از آن استفاده کرده‌اند تاریخ استعما ل چر خها ی آبـــی به مد نیت های قد یمه متعلق‌است، باکشف ماشین بخار و چر خها ی توربین دار در اواسط دهـهٔ ۱۸۷۰ استفاده از انرژی آبی پیشر فـــت زیادی نمود .

چرخها ی متنو ع ییکه تو سـط قوه آبی به حرکت می افتاد به‌اشکال مختلف در ایجاد عصر صنعت قرن نزده کمك قابل ملاحظه انجا م داد. باآغاز قر ن بیست انکشا ف بر ق آبی سر عت گر فت وقوه بر ق آبی درسا ل ۱۹۲۵ چهل فیصد انرژی الکترو نیکی جهان را تامین نمود. از آن تاریخ به بعد تاحا ل قو ه‌برق آبی جها ن پانزده برابر انکشا ف یافته امابر عکس سهم قوهٔ برق آبی درمار کیت جها نی به مقا یسه‌دیگر منابع به بیست‌و سه فیصد کا هش یافته است .

استحصا ل‌انر ژی بر ق آبـــی اغلبا با جر یا ن آب در یاهای‌بزرگ جهان مر تبط بوده اما در بعضـ جا ها ی دیگر نیز دستیا ب شـ میتواند ، زیرا استفاده آن به‌ آب‌وفا صله ییکه آب از آن میر متعلق است ، ازین سبب قوه بر آبـی در مسیر بعضـی در یـ ها در نوا حی کوهستا نی و سر چشمه آن نیز بد ست آمده میتوا متاسفانه اندازهٔ زیاد انر ژ ی آبی بدو ن آنکه مورد بهره گیر واقع گردد باجر یا ن عاد ی آب

## بایسکل وسیله خوبی برای سیاحت

بیش از شش سا ل میشود که او در حا ل سفر است . در ین‌مدت چرخها ی بایسکل او بیش از صد هزار کیلو متر را در بیش ازهشتاد کشور جها ن پیموده اســـت . او هنوز هم یك سفر چهار سا له‌دیگر رادر پیشرو دارد .

جا ی موندا ل سفر بیسا بقـــه دور جها ن خود را در ماه دسمبر سال ۱۹۷٤ که هنوز بیست و یـك سا ل عمر دا شت از کلکته آغا ز کرد . او در هژده ماه او ل سفر ش سر زمین ابا یی اش (هندوستا ن) را عبور کرده و در شش ماه بعد ان سفرش را در آسیا ی جنو بی‌خاتمه بخشیده و راهش را به قاره افریقا گشود مگر متاسفا نه سفر ش بـه صور ت ناگها نی قطع گـــردید : طوریکه در شاهراه تانزا نـــیا ـ زمبیابا یك موتر بار بر ی تصادم نموده و توسط طیاره واپس بـــه کشورش انتقا ل یا فت وبرا ی‌پنج ماه تما م دریکی از شفا خا نه‌های شهر بمبئی‌بستر با قی ماند چو تصمیم او خدشه ناپذیر بود بعد شفاء کامل سفر ش رادوباره دنب کرد . او برای مد ت بیش از یـ سا ل در سرکها ی شر قمیا نه افریقا ، اروپا والمپیا ی مسکو بایسکل راند .

سفر دور دنیا اینهم بابا یسک از چند ین جها ت‌مشکل و حتـ ناممکن مینما ید . مگر برای جا موندا ل تما می مشکلا ت قبلا حـ گردیده بود .

ضروریا ت مادی او از طر ف یا سازما ن غا مهٔ محصلین و طنپرسا هندوستا ن تدار ك دیده شـــ بود . تکتها ی رایگا ن طیاره را باید با استفاده از آنها از یك‌قا به قارهٔ دیگر پروا ز کند شرک هواپیما یی هندو ستا ن قبلا برا اوتهیه کرده‌بود .

جا ی موندا ل به پاسخ سوا که منظورش از ین مسا فر ت پر جنجا ل چه بوده گفت : بازدید مردم جها ن مگر این پاسخ مختص او قصه ها ی فرا مو ش ناشد

بقیه درصفحه ۵۲

ضایع میشود . در حا لیکه‌مما لـك صناعتی تقریبا با داشتن سی‌فیصد توانا یی قوه بر ق آبی جها ن قسمت بیشتر بر ق آبی را استحصا ل‌کرده وبه کار می برند ، اما مما لك روبه‌انکشا ف بسیار کمتر از ین رقـم بر ق آبی رادر اختیار دارند .

در سطح انکشا ف امروز ی ، امریکا ی لاتین وافریقا تنها ازشش الی هشت فیصد بر ق‌آبی را ازقوه محرکه آبها ی مسا عد یکه برا ی شا ن مهیا است بد ست می آورند.

ازسا ل ۱۹۳۰ با ینطر ف بـا اعمار بند در مسیر دریا ی‌ولگادر اتحاد شوروی و بند دره تینسی‌ذر ایا لات متحده امریکا تو جه ازاعمار پروژه ها ی کو چك که در بین‌سا- حا ت کوهستا نی مو قعیت داشت بسوی پروژه های بز رگ بر ق‌و ذخایر آبی در سا حا ت پا یینی و وسط مسیر دریا ها معطو ف‌گردید امروز در حدود یکصد دستگـا ه بزرگ بر ق آبی با ظر فیت‌متجاوز از هزار میگا و ا ت د ر جـهان و جود دارد. تـا ثیـر ایـن بنـد ها با لای محیط طبیعی از لـحا ظ منطقه ومسیر پایینی دریا از لحاظ اثرا ت بیو لو جیکی (حیاتی ) و اقتصاد اجتما عی نظر به دستگا ه های خورد خیلی ها بزرگتروپیچیده تر است ، بنابر ین علت،ارزیابـی بعدنقش محیط طبیعی قیمت تما م شد پروژه و تحلیل منا فع بعد ی آن تنها ما در مر حلهٔ او لی پروژه های انکشا فی بر ق آبی با یست‌گنجا- یده شود .

**انر ژی‌حرار تی زمین :**

استفاده از انر ژی حرار تی‌زمین از تاریخ کهن وقد یمـه دارد ، چنانیکه مطالعه شده استحما م در ب های گر م معد نی از قد یمترین ایام باینطر ف روا ج داشت ، اما قبل ازآغاز همین قرن سعـی گردید تا از انر ژی حرار تی زمین بر ق حرار تی را استحصا ل‌نمایند آنهم درسا ل ۱۹۸۰ دستگاه‌ها ی سراسر ی جها ن دارا ی ظر فیت ۲ میگاوات کـه مـعا دل بـه پنجاه هزار بیر ل تیل در یکرو ز بود از منبع حرار تی زمین بر ق ر ف ضرور ت خود را بد ست آورد :

انرژی حرار تی زمین در اثـر جریا ن حرار ت از هسته زمـین بطرف سطح به صور ت مداو م در حا ل انتشار است . حرار ت‌مرکز زمین که بیش از هزار در جه سانتی گرید است یك منبع مهم قا بـل تجدید دایمی انر ژی حرار تی بـه حساب می آید ، بلند ترین‌درجـه حرار ت از ین منابع در جا ها ی سرا غ ودستیا ت شده میتوا ندکه دارای مشخصا ت زلز له ویا فعالیت های آتشفشا نی باشد .

انر ژی حرار تی زمین بدوشکل وجود دارد : انر ژی حرار تی‌دارای گرمای بیشتر وانر ژی حرار تـی دارا ی گرما ی کمتر . به منظو ر آنکه این منابع حار تی در اخـتیار انسان درآید به عملیهٔ احسا سـی ضرورت می‌شود که منبع حرار تی زمین به شکل کنترو ل شده و به مقدار زیاد در سطح زمین انتقا ل داده شود .

این موضو ع مفهو می را مـی رساند که از یکطر ف انر ژی‌منابع حرار تی زمین توسط برمه کار ی‌به سطح زمین رهنمایی گردد وازجانب دیگر توسط ترانسفر مر های‌حرارتی مایع بدیگر جاها انتقا ل داده شود البته استفاده از ین منابع مستلزم مصارف‌نسبتاگزاف میباشدکه‌دربرمه کار ی آن صور ت میگیرد ، وتـا اندازه دارا ی زیا ن هم میبا شد ، زیرا مثل تفحصا ت بطرو ل دریافت ومطالعهٔ آن هنو ز هم مصار ف‌زیاد را ایجا ب میکند تا مو قعیت آن به خوبی تثبیت شده بتواند .

انر ژی حرا ر تی زمین را میتوان به صور ت مستقیم در صنا یـع ودستگاه ها ی تجار تی به کاربرد ویا اگر حرار ت آن به قدر کا فی زیاد باشد ، در ماشین ها ی مولد بر ق از آن نیز استفاده به عمـل آورد . این نو ع انر ژی را میتوا ن به حیث انر ژی مستقیم میخا نیکی در قوا ی محر که به کار انداخت . زیرا انتقا ل آن به شکل ما یع بجا های دور دارا ی قیمت تما م‌شـد زیاد بوده بنابرا ن استفاده ازانرژی حرار تی در جا ها ی محدود ومساعد می باشد که این منبع حرار تی در آنجا ها بدست می آید .

استحصا ل انر ژی از ین منبـع دارا ی مفید یت محیطی است زیرا تما م سا یکل محرو قا تی در یك محل متمرکز می با شد ، وجـوه منفی محیط طبیعی از لحا ظاستحصال انر ژی حرار تی عبار تند از امکان فرو رفتن قشر زمین در نتیجـهٔ جریا ن از ذخا یر حرا ر تی‌وآلودگی هوا و آب .

**انر ژی کتله ها ی حیه :**

کتله های حیه به آن نو ع مواد نباتی و حیوانی اطلاق میگردد کـه در اثر عملیه بیو لو جیکی و یا حرا- رت کمیا و ی مواد مذکور به انر ژی

بقیه در صفحه ۵۱

# اپارتاید یك جنایت علیه بشریت

اپارتاید ترکیبی از صد ها قوانینی است که نقش اقلیت سفید پوست را در افریقای جنوبی در جهت تبعیض ، بهره‌کشی وترور اکثریت وسیع مردمان افریقا ـ آسیا ونژاد های مختلط جایز می شمارد ، در تحت قانون اپارتاید ، نژادپرستان در قانون محفوظ داشته شده انـد واز هرگونه باز خواست قانونی کاملا مصئـون ودرامان اند باوجود این هم انتقادات علیـه اپارتاید روبه افزایش می باشد . تظاهرات ، اعتصابات وآشوب های داخلی وفشار هـای سیاسی ازخارج بالای نژاد پرستان جریان‌دارد. در سال ۱۹۷۶ که در ملل متحد روش تبعیضی اقلیت سفید پوست در افریقای جنوبی به‌اتفاق آراء محکوم گردید هیچیك از کشور های جهان آنرا به رسمیت نشناخته اند .

این تصویر مظاهرات زنان را درشهرکپتاون(مرکز افریقای جنوبی) علیه تبعیض نـژادی‌نشان میدهد .

بقیه صفحه ۱۸

# جنبش دموکراتیک

ازین رساله است که زندگی زن را در کشور شورا ها باتکا به حقایق واسناد وار قام‌ارانه می دهد درین مقاله خوا ننده بازندگی ز نان دراتحادشوروی آشنا می شود ، می‌نگرد که درین سر زمین چگونه استعداد های زنان‌شگفته می شود . با صمیمیت همدوش مردان کار می‌کنند در سازندگی و پیشرفت جامعه‌ی شان سهم می گیرند . به او جی از افتخار، شهرت وغرور دست می یابند . در سر زمین شوراها اکنون زن به آزادی تمام رسیده حق شر کت در همه‌ی‌امور زندگی را دارد . چون از قید و بند هاواسارت اقتصادی خانوادگی ر هایی یافته می تواند با آ زادگی کار کند . در اتحادشوروی اکنون در همه‌ی رشته های علمی ، فر هنگی، اقتصادی و سیاسی شرکت می جوید ازهمه‌ی حقوق و مزایا بر خور دار است. دیگر ا ین نگرانی را ندارد که آینده او وکودکش‌چه‌خواهد شد . بااطمینان و آسایش خاطر در ساختمان جامعه‌ی مترقی سهم می گیرد . این مقاله جنبهٔ معلوماتی واطلاعاتی فراوان دارد و خواننده را در راه آ شنایی با نحوه زندگی ، کار وحقوق زنان اتحاد شوروی آ شنا می سازد .

درین رساله « و ضع زنان» در کشور های سرمایه داری نیز مورد مطالعه قرار گرفته واین بخش می تواند مقایسه‌ای باشد بااوضاع زندگی زنان در کشور های غیر سر مایه داری، در کشور های طراز سر مایه داری آن گونه‌که همه‌ی ا متیازات وامکانات در دسترس مشتی از بهره‌کشان و مالکان بزرگ متمر کز گشته و گروه کثیری از مردم در فقر، بیکاری‌وگرسنگی بسر می برند . زندگی زنان نیز دستخوش گروهی‌ازمالکان وکارخانه‌داران بهره‌کش است. در کشور های سرمایه داری زن از عادی ترین وطبیعی ترین حقوق محروم است • درین کشور ها برای زنان اندکترین امنیت وآسایش فراهم نیست . اگر برای این گروه در ادارات و کار خانه ها کاری می‌دهند ، ازنیرو وتوان او به صورت استثمارگرانه‌ای استفاده می نمایند . زن در کشور هایی ازین گونه مورد تو هین قرارمی‌گیرد . حقوق او لگد مال می شود. بااو برخوردی کامجویانه می شود واین می توان فاجعه‌ای باشد که کشور های امپر یالیستی پدید می آورند . درین کشور ها ز نان برای آنکه به زندگی ادامه د هد مجبور به‌این می‌شود که به خود فروشی تن اندر دهد . و مسوول همه‌ی این نا هنجاری ها نظام های ارتجاعی و بیدادگر است. « سهم زنان د ر مبارزات آزادی بخش ملی خلق های کشورهای نوبه استقلال رسیده » نام مقاله‌ی دیگر این کتاب است که مبارزات بی امان ز نان را در حصول آ زادی های شان می رساند . د رین مقاله نشان داده می شود که زنان این کشورها بیدار شده اند . فریاد آزادی خواهی بلندکرده نیرو های خویش را متشکل نموده اند و علیه نهاد های ار تجاعی ونظام های ضد انسا نی اعتراض دارند. در آخرین بخش کتاب اهداف ووظایف ساز مان دمو کراتیک ز نان‌افغانستان مورد مطالعه قرار گرفته است و نگا هی‌به فعالیت ها کوشش های این ساز مان در امر بیداری شعور سیاسی ز نان افغانستان‌وتشکل وهمبستگی افگنده که برای خواننده می تواند بسیاری از حقایق را در رابطه بافعالیت های سازنده‌ی این ساز مان روشن سازد .

هفته نامه ژوندون این مجله خانواده ها در حالیکه مطالعه این اثر مفید وارزشمند را به‌همه رفقاوزنان این مرزوبوم توصیه می‌کند به‌زنانیکه در نشر این اثر همکاری همه جانبه داشته اند پیروزی مزید می خواهد وهم به مؤلف این‌اثر محترمه نیلوفر که‌کاربزرگی رابرای زنان ما انجام داده است طالب نیروی بیشتر وبهتر در امور محوله است به امید پیروزی های هر چه بیشتر سازمان دموکراتیک زنان افغانستان .

بقیه صفحه ۱۵

# من هم یك ...

مارتین تیزس دوکتورای خودرا درسال۱۹۵۵ تکمیل کرد • اثر مذکور پنجماه بعد قبول‌شد ودوکتورای فلسفه (پی، اچ، دی) خویش رااز پوهنتون بوستون بدست آورد •

یکی از افتخار ات دیگری که دوکتور کنگ بان نایل آمد عبارت از جایزه نوبل بود اواین جایزه رادر سال ۱۹٦٤ بدست آورده بود•

در اخیر باید خاطر نشان کرد که روزی کنگ به یکی از بهترین رستوران های شهر برای صرف غذا رفته بود • وقتی خواست برایش غذابیاورندصاحب رستوران‌از سرویس نمودن غذا امتناع کرده گفت این رستوان برای سیاهان نمی‌باشد •

داکتر در جواب گفت بامید اینکه مساعی وجدانی ما این خاك را اصلاح کند ایستاده خواهم ماند •

مالك رستوران هم فورا بپا ایستاده شده گفت نگرو هادر ساحه سرویس رستوران غذا صرف کرده می توانند وبس •

کنگ به مالك رستوران اظهار نمود که‌گفتار شما به حیثیت ما لطمه وارد می‌کند •

درین اثنا آمر پولیس بر ستوران آمده‌کنگ و (۱۷) نفر مهمانان نا خوانده را گرفتارکرد کنگ بعداز دو روز حبس به ضمانت آزادشد وتوسط طیاره به پوهنتون (ایل) شتافت واز آنجا یك (شهاد تنامه) افتخاری حاصل کرد•

بقیه صفحه ۴۳

# فیل در...

هما ن جمعیتی که در مرا سم لیلام شر کت کرد ه و سپس نیچکو ی صابو ن پز را تا پشت‌در زندان مشا یعت کرده بود اکنون به دنبا ل ویستا ی پو لیس که . دوسیه یی زیر بغل و طنا بی‌دردست داشت به راه افتاد ه بود .

به هر حا ل مسا له اینکه‌بالاخره دوسیه به چه شکلی به اداره قو ماندانی رسیدمهم نیست ، آنچه که اهمیت دارد این است که‌دوسیه واقعا ارسال شد، قلب پا یا آرا م گر فت ، نیچکو ی صابو ن پز توانست . نفس را حتی بکشدو خانم سو یکا نیز را حت شد زیر ا نیچکو و قتی هنوز تو قیف بو د تلگرا می به و ی فرستا ده بودکه : نجا ت یا فتیم زود حر کت کن .

اینکه نیچکو ی صابو ن پز ا ز دست فیل عا جز شد و پایا نیز به همان بدبختی دچا ر گردید واکنو ن نوبت به اداره قو ماندانی رسید ه است همه نصف‌بدبختی به شمارمی آید . و این ماجرا را چگو نه به پایا ن رسا نم ، طبیعی است می توانستم فیل را از یك ادار ه به اداره دیگر سر گر دا ن ساز م و بالا خر ه نیز و ی را به اتا ق وزیر رسانم و لی این چار ه اسا سی نیست وبایدکار دوسیه‌فیل‌پایان‌آید چطور است فیل را به خوانندگا ن تحویل دهم تا هر چه میخوا هند باآ ن بکنند : اما ...

زمانی که با این افکا ر رنج می کشید م و شبها ی متوا لی خوا ب به چشمانم راه نمی یافت واقعه یی غیر قابل تصور ی رخداد واین‌واقعه آرا مش از دست ر فته ام را به من باز گردانید میدانید چه اتفا قی افتاد ؟ تمام اورا ق با ضمایم آ ن‌در آرشیف های قو ماندانی مفقود شد.

این آرشیف ها چه دوسیه های بزرگ و کو چکی را که در طی‌مدت موجودیت خودنبلعید ه اند ،بنابر این به هیچ و جه جا ی تعجب نیست که فیل یعنی معمو لی ترین ضمیمه هانیز با اورا ق دو سیه‌در آرشیف ها مفقود شده باشد .

بقیه صفحه ۱۳

# گردهم آیی

تر تیب کو پرا تیف ها ی استهلا کی نیز هریك نقشی از همین گو نه دارند .

**رئیس مواد نفتی و شکر :**

برای استقرار قیم و جلو گیری از صعود قیمت ها در بازار و هم چنین پیشگیر ی از کم شد ن عرضه مواد ضرور ی در برا بر تقاضا ی‌دو لت ضرر های فراوا نی را قبو ل میکند چنانکه موا د نفتی که به و سیله دو لت‌دراختیار سکتور های دو لتی و خصو صی قرارمیگیرد قیمت آ ن در حد بسیار و سیعی ارزا ن تراز قیمت تمام شد است و به همین تر تیب دولت بابت فروش شکر نیز ضرر فراوا نی را تقبل میکند که به عنوا ن مثا ل میتوا ن گفت که اوسط قیمت تما م شد شکر برا ی دو لت فی کیلو چهل و دو افغا نی است که در هر کیلو دوازد ه‌افغانی ضرر متو جه بود جه دو لت می گردد .

احصا ئیه ها ی بود جو ی نشا ن میدهد که سا لا نه دو لت صر ف از بابت فرو ش موا د نفتی و شکر چهار میلیارد افغا نی ضرر را قبو ل دار میگردد .

که با تو جه به امکانا ن پو لی دولت ر قم هنگفتی به شمار میرود واگر ضرر دو لت را بابت فرو ش دیگر اقلام مورد نیاز مرد م به وسیله کو پرا تیف ما مو رین و کو پرا تیف های استهلا کی به این رقم علاو ه کنیم متو جه می گرد یم که در حا ل حا ضر از همه امکانا ت برا ی جلوگیری از با لا رو ی قیمت ها ،استقرا ر قیم و رفا ه مرد م استفا د ه می گردد .

**لطفا دنبا له این جد ل را د ر شمار ه آیند ه بخوا نید**

بقیه صفحه ۴۹

# بشر در آینده ...

مبدل گردد. کتله های حیه اکنو ن شانزده فیصد انر ژی مورد نیا ز جها ن را تشکیل مید هـــد . در نوا حی روستا یی مما لك روبانکشاف جاییکه یك ونیم حصه نفو ســـ جهان در آن جا ها امرار حیات دارد این نـوع انرژ ی منبع بـزرگـ انرژی محسوب می گـردد. دریـن نواحی مواد مذکور تما م منبع انرژی راتشکیل مید هد که مورد نیاز و استفاده آنها قرار دارد .

این منبع انر ژی از تغییر شکل دادن چو ب ومواد فا ضله زرا عتی دراثر احترا ق وتسخین به حرار ت بخار و حتی برق مبدل می گردد. در اثر عمل تخمر نیشکر وحبوبا ت میتوا ن محرو قا ت الکو لی رابوجود آورد ودر نتیجه تعاملات موادفاضله حیوانی میتوا ن متان وکار بن‌دای اوکساید «گاز حیوانی » رابدست آورد ، همچنین در اثر تغییر شکل داد ن چو ب ومواد فا صله‌زرا عتی مواد گاز دار و محروقات جـا مـد را استخصا ل کرد و به همین‌ترتیب تولیدا ت فرعی رو غن های نبا تی رابه حیث دیزل رو غنی به کاربردو سا حهٔ استعما ل آنرا بسط وتوسعه بخشید .

تولید انر ژی کتله های حیه در سراسرجهان نسبت به انر ژی‌سا- لانه ییکه در جها ن استعمال میشود سه مرتبه بزرگتر است . این منبع سرشار انر ژی تما ما مورد قبو ل وپذیر ش واقع شده است زیرادر نتیجهٔ استعما ل آن محیط طبیعی‌پاك ومنزه میگردد وحا صل خیز ی‌خاك را احیا ء میکند . از جانب دیگـــر استعما ل آن به پیما نه زیاد سبب تخریبا ت اراضی ،سیلا ب،رسوب گذار ی خاك ، واز بین رفتن‌جنگلات نیز میگردد. از ین لحا ظ غر ســـ مجدد جنگلات در طی یك پروگرا م مطلوب بایست در ین نو ع جا ها تشویق گردد و تبد لا ت انر ژ ی کتله های حیه با یست به شـکـل اصلاح شده آن انکشا ف داده شود تااز یك سو ء استفاده واستعمال آن طور کا فی صور ت گیرد و از جانب دیگر به محیط حیا تی‌ضرری متوجه شده نتواند .

## چو ب محرو قا تی و زغا ل :

چو ب محرو قا تی و زغا ل‌نوعی از انر ژی کتله ها ی حیه است که در اثر حرار ت کیمیا یی به انرژی مبد ل میگردد . چو ب محرو قا ت از هر نو ع اشجا ر استحصـــال شده میتواند . عامل نها یت مهم‌که توانا یی بیشتر و قابلیت استعمال آنرا مو ثر تر میسازد موجود یت رطوبت دران است . از جا نب‌دیگر زغا ل وقتی دستیا ب شده میتواند که سایر کتله های بقایا ی حیه از قبیل مواد فا ضله زرا عتی ،مواد فاضلهٔ پنبه ، پو ست ،خسته ،میوه وغیره در عد م موجود یت‌هواحرارت داده شود ، در نتیجه بنا برشکستن فزیکی وکیمیاو ی ، محتو یا ت آن به یك مخلو ط مغلق (مایع گـاز و زغال) مبد ل میگردد که عملیه‌مذکور به اصطلاح پایر ولیس یاد میشود.

انر ژی چو ب محرو قا ت از آن زما نی مورد استفاده واستعـما ل قرار دارد که انسا ن ها به کشـف آتش‌موفق گردیدند .امروز استعمال چوب به حیث ماده محرو قـا تـــی خیلی زیاد است ، در سا ل ۱۹۷۷ استفاده از چو ب محرو قا ت( ۴۷ فیصد ) مصار ف انر ژی جها ن را تشکیل میداد . اکثر یت مستهلکین چو ب محرو قا تی عبار ت از ممالك رو به انکشا ف است که در حدود هشتاد فیصد حصه مصار ف محرو- قاتی را از چو ب های دست داشته شا ن تهیه می کنند ، اما بر عکس در ممالك انکشا ف یا فته صرف ده فیصد محرو قا ت از چـــو ب سوخت و جنگلات صور ت میگیرد.

در مما لك روبانکشا ف تقر یبا (نودو پنج فیصد ) فا میل هـــا ی روستا یی چو ب سو خت را به‌حیث منبع او لی انر ژی به کار می برند که اکثرا به غر ض طبخ ، گر م‌سا- ختن منز ل و اندازه کم آن بمنظور کار ها ی صنا عتی وزرا عتی مورد استفاده قرار میگیرد .

در جاییکه چو ب سو خت بـــه استهلاك میرسد ، چگو نگی محیـط طبیعی وشرایط حیا تی در آنجا ها بیشتر در خور توجه است ،اکنو ن سعی ومجاهدت بیشتر مبـــذو ل گردیده است که طر ز استفا ده و استهلاك چو ت سوخت را اصلاح نموده اجاقها ، بخاریها ، ووسایل طبخ رابهتر سازند و چو ب‌خشك را استعما ل نمایند ودر پهلو ی‌این نو ع مصار ف غر س مجدد اشجار وتولید چو ب رانیز تشو یق‌کنند.

استفاده از زغا ل نظر به چو ب سوخت منفعت بیشتر دارد ، زیرا انتقا ل ، ذخیره کرد ن وتوزیـع‌آن آسا ن ترمیباشد . اکثرا باین عقیده اند که اگر زغا ل مستقیما استفاده شود نظر به چو ب ضایعا ت‌بیشتر دارد ، اما تحت هر نو ع شرا یـط در ممالك روبانکشا ف فعلااستعمال چوب سوخت وزغا ل هر دو بقایای مواد حیه راوانمود میسازد که به وفر ت مورد استفاده قرار میگیرد.

## شیل های تیلی وریگهای قیردار:

تحقیقات به منظور تجسس‌منابع متناو ب انر ژی در جها ن بسر عت کامل ادامه دارد تا زمینهٔ مسا عدی راسرا غ نمایند که از منابع غـیر عنعنوی و جدید بتواند تیل‌یا مـواد سوخت مورد ضرور ت را دردست تهیه بگذارند . این دو منبع انرژی عبار تست از شیل های تیلـــی و ریگها ی قیر دار که البته از هردو منبع مذکور تیل به حیث منبع‌اولی انرژی میتوا ن استحصا ل کرد . هر دو منبع سرما یه گذاری ومصارف زیاد ی راایجا ب مینما ید ونیازمندی زیاد احساس میگردد که دراثنا ی حفر معادن آن مواد زیاد ی ازجابیجا گردد تا این منابع انر ژی بخو بی استخرا ج شده بتواند .

---

بقیه صفحه ۷

# شمله ورکتون...

کودکستان فعلا مضامین چون ریاضـی ابتـدائی تقویهٔ زبان ورسامی رابه شاگردان می آموزیـم مجسمه سازی که باعث تقویت وانکشاف‌ذهن اطفال میگردد نیزجزءدروس کودکستان‌می‌باشد شاگردان برای انکشاف و تقویت جسمی خود سپورت هایی را چون جمناستیك و غیره نیز انجام می‌دهند .

موصوف راجع‌به‌تفاوت شمله ورکتون باسایر کودکستان های شهر کابل چنین گفت :

از آن جائیکه سازمان دمو کراتیك زنان افغا نستان بحیث سمبول خوبی درمیان زنان کشور می باشد توقع می‌رود که این‌کودکستان که در چوکات سازمان دمو کراتیك زنان کشور فعالیت می‌نماید نیز بحیث سمبول خوبی در بین کودکستان ها وسایری کـانـون هـا ی تربیتی و پرورشی فرزندان کشور واقـــع گردد . یکی از تفاوت های کودکستان شمله با دیگر کودکستان های کشور در این‌است که در سایر کودکستان های میهن‌ما، اطفال برای نیم روزپذیرفته می‌شوند ولی کودکستان شمله اطفال را در طول روز می‌پذیرد ومزیت این امر در این است‌که‌از یك طرف به‌والدین اطفال مساعدت بیشتر صورت می‌پذیرد واز جانب دیگر سیستم خواب وخوراك اطفـــال بدرستی تنظیم میگردد ودر این زمینه خلایی بوجود آمده نمی تواند .

تفاوت دیگر کود کستان شمله با دیگر کودکستان هادر قسمت نوعیت غذای آن است مامی کوشیم تابرای‌اطفال‌شامل این کودکستان غذا های مقوی و متنوعی بدهیم و در پهلوی غذاهای روزانه به شاملان آن میوه های مطابق هر فصل سال را نیز بدهیم وبدین ترتیب در تقویت جسمی آنان نیز مصدر خدمتی بشویم.

وی درموردارتباط کودکستان‌شمله باریاست کودکستان ها (ازلحاظ اداری) چنین گفت :

کودکستان شمله از لحاظ اداری با ریاست کودکستان هاارتباط ندارد ولی ازنگاه کار مابه همکاری ها و مشوره های سود مند کار مندان آن ریاست نیاز داریم بعضادرچوکات ریاست کودکستان هاسیمینار های‌مسلکی ای دایـر میگردد که مربیون رادر شیوه های پرورش سالم اطفال آماده تر میگرداند ، انتظار می‌رود تا معلمان مربوط مانیز دراین نوع سیمینار ها اشتراك ورزیده از آن بیا موزند واز اندوخته های‌نیك خوددرکارهای‌روزمره خویش‌کاربگیرند.

محترمه تورپیکی مدیره کودکستان شمله دراخیرراجع به پرسونل مسلکـی کـودکستان و همچنان در مورد مساعدت هایی که از طرف موسسات و سازمان های اجتماعی داخلی و خارجی تاکنون به این موسسه عام المنفعه صورت پذیرفته است چنین گفت :

پرسونل فعلی کودکستان شمله راکسانی تشکیل می دهند که درمسلك تربیت‌وپرورش اطفال وکار در کودکستان های کشور تجارب چندین ساله ای دارند. بعداز تاسیس‌کودکستان شمله در برج میزان‌سال‌جاری براثر صوابدید مقامات مسؤول مـــن بـا نه نفر ا ز معلمـات باتجربه مربوط ریاست کودکستان ها دراین موسسه بکار آغاز نمودیم‌که همه وظایف‌خویش را بانهایت ذوق و علاقه تاکنون دنبال‌می‌نمائیم وتوقع می‌رود از این طریق بتوانیم کار های موثری رابه نفع هموطنان خود بخصوص اولاد کشور که مردان و زنان فردای میهن مامیباشند انجام دهیم .

وامادرموردمساعدت های مالی‌ای که تاکنون‌به این موسسه صورت پذیرفته است بایدگفت که قوای مسلح کشور سه تعداد ده پایه ماشین مرکز گرمی، وزارت تجارت بتعدادبیست ویك تخته قالین به سایز های مختلف غرض فرش نمودن اتاق ها، وزارت ترانسپورت یك عراده موتربرای‌حمل‌ونقل، بانك ملی‌مبلغ یکصدهزار افغانی ووزارت مالیه جمهوری دموکراتیك‌افغا- نستان مبلغ بیست‌هزارافغانی برای مامساعدت نموده اند . همچنان سازمان دموکراتیك‌زنان افغانستان یك کارتن سامان و آلات بـازی اطفال‌رابه‌کودکستان‌شمله‌مساعدت نموده‌است.

بقیه صفحه (۲۳)

# تجلیل از دوصد و بیست ...

شهر ((لایپسیك)) وبر لین که از زمرهٔ اوپرا ها ی کو میك محسو ب میگردد ، بانیکو یی یاد کرد .

ریفر نس آثار موزار ت که بزبان آلما نی تهیه شده ، در اتا ق کوچك تیا تر موزیك مسکو ، برا ی هـــر علاقمند موزار ت زیاد با ار زش به حسا ب می آید . در ار کســـتر ((صلیب)) در سد ن و در میـــا ن هیئت دو ستدارا ن مو سیقـــی در سدن ، در ارکستر سنفو نی کار ـ گران شهر کارل مار کس خبرگی‌و استاد ی هنر موزار ت به خـو بی تجلی یافته است .

به افتخار ۲۲۵ مین سا لروزتولد موزارت در اتا ق((ار کستر پراگ)) در چکو سلواکیا مد عو ئین‌خار جی که اکثر یت آنانرا سو یسی هـــا تشکیل میداد ودر فستیوا لـــــی موسو م به ((پر ش ها ی بلند )) از آثار موزار ت کار گر فته شده‌بود تما می این جشنواره ها ی موسیقی به خا طر ارجگزار ی به هنر موزارت مرد نا مور موسیقی ،با خو شی از طر ف علاقمندا ن موسیقی موا جـه گردید.

((موزار ت )) خد مت بزرگی به جهان موسیقی برا ی بشر یت‌نمود. در واقع اغلب از تخلیقا ت وآفر- ینش هنر ی امروز در آلما ن‌دمو ـ کراتیك بهیچو جه نمیتواند بی‌رابطهٔ باهنر موزار باشد . به افتخـــار سالروز تولد موزار ت با لت بـــه وسیلهٔ گروه ((گونتر فیشـــر )) از آلمان دمو کرا تیك ونما یش مسا- بقا ت اپرا ی اطفا ل که در ۱۹۸۰ بنام ((چوپان خوك‌ها)) تهیه‌گردیده وجایزه ای نیز در یا فت داشـــته بود ، نیز یکبار دیگر به معر ضـــ نمایش در آمد .

همه ساله از طر ف (ادارهٔمو ـ سیقی در سد ن ) مسابقا ت‌کمپوز- تیوران شناخته شده به عنوا ن‌تجلیل از سا لروز موزار ت به راه می‌افتد.

در مسابقا ت ۱۹۸۱ که باز هم چند ی قبل بخاطر ارجگزار ی بـه هنر موزار ت زنده سا ختن . یاداو دایر گر دید ه بود. کمپوزیتورهای ورزیده از پانزده کشور جها ن که تاکنون شمار ریکارد های هر کدا م به طور اوسط به (۷۷) ریکـــارد رسیده وهمه از آثار مـــوزار ت استفاده کرده‌اند .

به قول کمپوزیتور ها ی متذکره ((انسان منحیث موجود هســـتی آفرین یا آفریده ها ی هنر ی خود بخوبی میتواند حل پروبلم هـــا ی روحی دیگرا ن باشدوبزرگی‌موزارت وچیره دستی او در موسیقی نیـز از همینجا منشا ء میگر فته‌است .

بقیه صفحه ۴۸

# بایسکل وسیله ...

وهیجانی و آنچه راکه او اصلا توقع آنهارا ندا شت با خود داشـــته طوریکه او گفت : ((درروانداشخصی را زیر درختی در امتداد جاده که‌من آنرا عبور میکرد م دید م .زمانیکه به شخص مذ بور نزدیکتر شد م برایم شخص عجیب معلوم شد .

او که یك شخص قو ی هیکـــل وبسیار تنو مند بود لبا سی بر تن داشت که اصلا تا آنروز ند یـــده بودم . من فقط زما نی دا ستم که‌او یك گوریلا است که در فاصله کمتر از ده متر ی او رسیده بـــودم . و تصمیم داشت تا سینهٔ درنده اش‌را بتماس من بیاورد و هما ن بود کـه غر ش کنا ن بسو ی من شتا فـت من سخت ترسیده بودم با چنا ن سرعتی بایسکل راندم که در عمر خود نرانده بودم .))

باید گفت که جا ی مو ندا ل به طور وسطی‌صد تایکصدوسی‌کیلومتر در روز بایسکل میراند .

وضع بهتر جسمی و صحـــی و تمرینا ت منظم فزیکی اورا درتحمل مشقا ت سفر کمك کرده است او تـاحـال تقر یبا هر گز ا حسا س مریضی نکرده :فقط یك مر تبه در کو ها ی یخبندا ن نیپا ل ریز ش کرده بود .

جای موندا ل در تابستا ن سال گذشته وارد مسکو گر دیده و در بازیها ی المپیا ی ۱۹۸۰ مسکـــو اشترا ك ورزیده و بازیها ی دیدنی آنرا که در فضا ی کاملا دو ستی صور ت گرفت تماشا کـــرد او از مسکو توسط‌کشتی عازم‌سکندرینویا شد بعدا طبق برنا مه اش بعد از عبور از کشور ها ی ارو پا ی‌شرقی عازم کشور ها ی اروپا ی غر بـی گردید که هم اکنو ن هم در یکی‌از کشور های اروپا ی عر بی میبا شد اوکه طبق برنا مه سفر ش را در سا ل ۱۹۸۴ به پایان میرسا ندآرزو دارد تادر سا ل ۱۹۸۴ به کشورش باز گردد

بقیه صفحه ۱۹

# حقایقی چند در ...

**چرا ملل متحد به تدویر کنفرانس های جهانی متعدد می پردازد ؟**

ملل متحد ازجهتی‌دست به تدویر کنفرانس های‌جهانی‌دست میزندکه‌به‌پرابلم‌های‌عمده جلب توجه نموده وراه توافق عام رادر مورد اهداف وعمل باز سازد .

دردههٔ ۱۹۷۰ گردهم آیی های جهانی غرض رسیدگی به‌موضوعات محیط زیست ، نفوس ، مواد غذائی ، حقوق زنان ، تجارت وانکشاف واستخدام ، اسکان ، آب، آپارتاید، همکاری در بین کشور های روبه انکشاف سیانس و تکنالوژی و قانون ابحار دایر گردید .

همکاری اقتصادی و خلع سلاح در اجلاسیه های خاص ملل متحد درظرف سه‌سال آینده عنوان خواهد گردید ودرعین زمان کنفـرانس های جهانی درمورد منابع نووقابل تجدیدنیرو صنایع ، زنان ومشکلات بزرگسالان هم دایر خواهد شد .

کنفرانس های جهانی به کشور ها موقـع می‌دهد پروبلم هائی را مطالعه وبررسی کنند که در غیر آن خارج حیطهٔ توجه آنی شان می‌ماند در بسا از مواردین‌کنفرانس‌هاهمکاری وسیع‌تربین المللی راسبب می‌شوند .مشکلات محیط زیست دراین زمینه مثال خوبی است. قبل از کنفرانس ملل متحددرباره محیط زیست مسلهٔ بعد جهانی نداشت ، چنین پنـداشتـه می‌شد که مسایل مربوط به محیط صرف در کشور های صناعتی قابل توجه اندولی بامطالعهٔ مشکلات مربوط واضح شد که در کشور های روبه انکشاف نیز عواملی هست که به محیط صدمه وارد می‌کند ، کشور های اخیر الذکر از تشکیل پروگرام محیطی ملل متحد که اکنون در انسجام فعالیت های مربوط نقش ارزنده ای را ایفا می‌کند پشتیبانی نمودند.ایجاد ،اساس وبنیاد برای فعالیت بسویه ملی و بین‌المللی یکی از اثرات مهم کنفرانس های جهانی است. این امر در نتیجه کنفرانس جهانی نفوس‌منعقده سال ۱۹۷۴ بوضاحت آشکار گردید . باتاکید روی ارتباط پالیسی های نفوس وانکشاف کنفرانس کشور ها را تشویق نمود تا فعالیت مربوط به نفوس رادرپلان های عمومی انکشافی شان مدغم نمایند اکنون به کمك صندوق ملل متحد برای فعالیت‌های نفوس (۱۲۲)کشور پروگرام های وسیع فعالیت‌های‌نفوس را براه انداخته اند .

علاوه براین ها طی سه دههٔ اخیر کنفرانس های زیادی دایر گردیده که درآن معاهدات و اسناد حقوقی تدوین شده واین ها فعلا اساس مناسبات دیپلوماتیك و تجارت بین المللی را تشکیل می‌دهند .

بطور خلاصه ملل متحد به تصمیم مشترك کشور های عضو کنفرانس های دایرمی‌نماید زیرا یك سلسله پرابلم های حاد وجود دارند که ایجاب می‌نماید جامعهٔ جهانی بر آن غور نموده ودر مورد عمل کند ، ولی کنفرانس‌ها بذات خود علاج همه درد ها نبوده و جای‌کاری را که باید کشور ها منفر دا یا بصورت‌دسته جمعی انجام دهند ، گرفته نمی تواند .

صفحه ۲۷

# زندگی زن ...

جمله نما یندگا ن شورا یعالی شورو ی چهار صدو هشتاد تن آن زنا ن اند .

ن به طور فعا ل در کـــار و نها ی تدو ین قوا نین،طرح ی اقتصاد ملی و بودجـــه ودر حل مهم تر ین مسا یل ت داخلی وخار جی شورو ی می ورزند .

امور داد رسی و حقو قی نیز زنا ن قابل ملاحظه است .

۳۲و یا ۳۱۵۹ داد رســـ در شورو ی زن است .

سازما ن ها ی اجتما عی در دو لت شورا ها روبه افزا- ست . دخترا ن جـــوا ن در ان کمسو مول فـعا لا نـه ك می ور زند . پنجاه و دو اعضا ی صفو ف سا زما ن جوانا ن اتحاد شـــورو ی را ن تشکیل مید هند .

در کار اتحاد یه ها ی‌صنفی طور فعا ل شر کت می‌کنند. اه فیصد اعضا ی اتحاد یـــه سلکی و صنفی را زنا ن می

### ب فرهنگی و نقش آن‌درحل مسالهٔ زن

از اجزا ی متشکله پـــلان ا ن سوسیا لیز م را انجا م فر هنگی تشکیل مید هد . من تدوین این پلان تو جـــه به حل مسئاله زن مـبذو ل و معتقد است که به انجا م یدن حل عادلانه مسئلـه زن برابر ی واقعی او شر طعمده ا ب میرود . توده ها ی‌هر چه تر زنا ن باید به شر کـــت عا م دگر گونیها ی سیاسی ی و اجتما عی جا معـــه گردند .

از پیروز ی انقلاب اکتو بر سیه سه بر چهار حصه نفوس اد بودند .

سا ل۱۹۰۸ مجله پر ور شـــ ی بنشر رسا نیده و ضمـــن این نتیجه رسیده بود که‌جهت سواد ی به صور ت قطعـــی زنا ن دو صدو هشـــتاد ضرور ت است .

دولت شورا ها در طو ل‌چند ن مسئاله را به طور موفقانه حل کرد و درسا ل ۱۹۳۹ بیسوادی کاملا محو شده بود .

همین اکنو ن پنجاه و شش‌فیصد زنان در مکاتب مسلکی مصـرو ف تحصیل اند . از جمله محصـــلا ن آمو ز شگاه ها ی عالی پنجاه و یك فیصد آنرا زنا ن تشکیل مید هند.

تعداد زنا ن روشنفکر رو بـــه افزایش است واین امر بیانگـــر شگوفانی فر هنگ شورو ی مـــی باشد .

هفتاد فیصد آموز گارا ن ومعلمین وشصت و نه فیصد دو کتورا ن‌زنان اند . درسا ل ها ی اخیر تعدادزنانی که در بخش ها ی مختلف علـــمی مصرو ف کار اند سه مر تبه‌افزایش یافته چهل فیصد کار مندا ن علمی را در اتحاد شورو ی زنا ن تشکیل مید هند . زنا ن در فعا لیت هـــا ی اتحاد یه ها ی مبتکر نو یسند گا ن خبر نگارا ن آهنگ سازا ن ، هنر- مندا ن ، معمارا ن و غیره و سیعـــا سهم می گیرند . نظم سو سیا لستی همه شرایطی را که به زن اجازه‌سهم مید هد تا نقش اجتما عی خود رابا وجود انجا م مادر ی پیروز مندا نه تلفیق نما یند . تا مین نموده است .

تسهیلات فراوا ن اجتما عی زن را همه جانبه یار ی می رساند .

زن شورو ی در خانواده نیزعضو تام الحقو ق محسو ب می گردد .

زن جامعهٔ شورو ی از حق‌مساوی انتخاب همسر ، اشتغا ل ، سکونت انتخا ب ،تخلص بر خور داراست.

جلب فعا ل توده ها ی وسیـــع زنان به کار وزند گی اجتما عی ، مرز ها ی کهنه تقسیم کار بین زن و مرد رااز میا ن برداشت .

قبلا تنها مرد نا ن آور وتا مین گر مادی در فامیل بود. زن تـــنها محافظه خانه مسئوول امور مطبخ و بچه دار ی بشمار میر فت . و لی امروز زن مشغو ل کار تو لیـــد ی بوده در فعا لیت ها ی اجتما عـــی وسیعا نقش دارد .

او در همه عر صه های کـــار و پیکار با طبیعت از زمین تا فضا و اعما ق معاد ن همگا م و همپا ی‌مرد دست وپنجه نرم نموده و طبیعت را به نفع بشر یت و تکامل جا معـــهٔ سوسیا لستی تغییر شکل مید هد .

ایجاد شبکه های وسیع خدما ت برای اطفال از قبیل کود کستا ن‌ها شیر خوار گاه‌ها ، اردو گاهها ، مراکز اجتما عی اطفا ل به‌زن‌شوروی این امکان را میسر ساخته است که عضو فعا ل جامعه و مادر مهر با ن وباتوجه باشد .

گرا ف توسعه شبکه های جدید خدما ت به اطفا ل حرکت صعود ی دارد . به طور مثال در سا ل ۱۹۷۸ در یکصدو بیست و دو هزار کود - کستا ن سیزده میلیون و یکصد و هفتادو هفت هزار طفل پرور شـــ شده‌اند .

همچنان تعداد زیاد مو سسا ت ویژه ای اطفا ل وجود دارند .

در سا ل ۱۹۷۸ تقریبا از پنـــج ملیو ن طفل در ین مو سســـا ت مواظبت به عمل آمده اســـت . در نگهدار ی اطفا ل مو سسا ت‌ومراجع خار ج از مکتب نقش با اهمیتی را ایفا می کنند . به طور مثال کاخهای پیش آهنگا ن ، مراکزتخنیکی‌کودکی ستا دیو م ها کتابخانه ها ی اطفال بنگاهها ی توریستی و گـــرو پ های روز ها ی تمدید شده و غیره.

در خطو طاساسی انکشـــا ف اقتصادی واجتما عی اتحاد شورو ی که در کنگره (بیست‌و شش) حز ب کمونست اتحاد شورو ی تصو یب یکی از مسایل محور ی این پلا ن را بهبود بخشید ن شرا یط کار و زندگی زنا ن زحمتکش تشکیل مـی دهد .

در ماه مار چ ۱۹۸۱ بلا فا صلـه بعد از ختم کار کنگره مصو بـــهٔ شورا ی وزیرا ن اتحاد شـــورو ی پاس شد که به تاسی ازآن زنـان از مر خصی یـك ساله بعـد از وضع حمل با حفظ دستمزد و ترفیع استفاده کرده می توانند . همچنا ن با بدنیا آمد ن طفل مقدار پنجـــاه روبل از جانب دو لت به فا میـــل کود ك مدد میرسد .

همه این واقعیت ها و فا کت ها، مظهر زنده مواظبت خستگی ناپذیر حزب ودو لت شورو ی از زنا ن‌به مشابه انسا ن زحمتکش و ما درمی باشد .

شرکت زنا ن شورو ی در جنبش دمو کرا تیك بین‌المللی :

زنان شورو ی در فعا لیت فدرا- سیون دمو کراتیك بین‌المللی زنا ن به طور فعا لانه اشترا ك می‌ورزد.

کمیته زنا ن شورو ی با (۲۵۰) سازما ن ملی زنا ن (۲۱۳) کشور مختلف باسازما ن ها ی منطقو ی‌و بین‌المللی روابط دوستا نه دارد .

با تبادله هیئا ت ها ی نمایندگی اطلاعا ت و تجربهٔ کار این روا بـــط تحکیم متداو م می یابد و همچنا ن در تبلیغ سیا ست حز ب و دو لت شورو ی به جها ن نقش ار زنده را ایفاء می کند .

---

بقیه صفحه ۲۷

# درودبه‌تو ...

برای ایما ن والاتر به این حماسه پرشور با هم زما ن رادر می‌نوردیم ورهسپاری یاد هاو خاطره ها ی از دوران های دیگر میشو یم -دوران هایی که مارا به عمق فا جعه مـــی کشاند و دوران تراژ د ی ا یکـــه اشك وآه در بیشمار سا ل هـــای آن تنها از مغا ن رنجبرا ن وزحمت کشا ن آن است وباشد ت بیشتری شانه زن رامی خما ند .

**آری ای زن .**

چه اندو هنا ك است سرنوشت تو در طی این اعصارو قرو ن و چه تلخ است افسانه تودر ترا کم سال هاو ماه ها یی که برتوگذشته‌است.

نمیتوانیم این وا قعیت رانادیده انگاریم که جامعه انسا نی ما درطی سده ها و هزاره هـــا ی فرا وا ن جزدوگروه نبوده است گروهی‌اندك که گرگ منش بوده اند و خـــون خورنده وگرو هی فراوا ن که همه حاصل کار و تلاش شـ ان به چورو چپاول میر فته است ودر این میا ن زن از یکسو در زیر فشا رها یـــی سالار منشی جامعه واز سو ی‌دیگر زیر سلطه جویی ها ی پدر سالاری ومرد سالاری بیشتر از هر قشـــر دیگر رنج برده است در این سـده هابیمار ی وگرسنگی - فقر و بی دانشی وکار برا ی دیگرا ن به‌عنوان یك سر نوشت محکوم به پیشا نی مردم ما مهر خورده بوده است و چه افسوس که زن این نیمه پیکـر جا معه که در خانهٔ ، کودك گرسنهٔ اش رابا سینه های خشکیده ازشیر خود نغذیه کرده ودر بیرو ن دوش به دوش پدر و شو هر بیل به‌دست گرفته زمین را شخم زده ودرو کرده است . نه تنها بار مصا یب‌پیشکش خان واربا ب به شانه ها یشـــ سنگینی داشت بلکه جامعه نیزهیچ قدر و ارزش براو قایل نبود زیـرا شرایط ، شرایط پدر سا لار بوده و شوهر سالار بوده واو این مو جود زندگی ساز این توا نا ی ناتوا ن اسیر بود ه و محبو س و حتی در تعین سر نوشت خود کمتر ین‌نشانی از آراده نداشته است .

ادامه دارد

بقیه صفحه ٤

# خاطره سوم عقرب را...

حادثه سوم عقرب در زمانی بوقوع پیو ست که رژیم اختناق سلطنتی ظاهر شاهی درکشور سایه شومش را گستر انیده بود و دو سال قبل ازآن قانون اساسی وشاهی مشروطه در اثرمبارزات پیگیروبی امان ومحصول قربانیهای فراوان اسلاف قهرمان ما رویکار آمده بود به موجب‌قانون اساسی‌جدید حکومت وقت‌یکسلسله آزادی های نیم بند را به مردم قایل گردیده بود : آزادی بیان ، گفتار ، عقیده ، مطبو عات ، آزادی میتنگ ها ، مظاهرات و اجتماعات ...

بتاریخ سوم عقرب ١٣٤٤ روشنفکران جوان کشور اعم از متعلمین محصلین ، کارگران و پیشه‌وران واهالی‌شریف شهرکابل خواستندتا با استفاده از ارزش های دمو کر[illegible] قانون اساسی وقت ، به خاطر مشاهده جریان علنی رای اعتماد به مقر ولسی جرگه وقت بروند تا ببینند که از حرف تا عمل چقدر فاصله یی وجود دارد ایا حکومت وقت آنچه را که در قانون اساسی به مردم وعده داده است در عمل پیاده می کند یا خیر و بدین ترتیب آیا نمایند گانی که درخانه مردم جمع گردیده و به حکومت رای اعتماد میدهد واقعا از توده های میلیونی مردم زحمتکش مانمایندگی کرده می‌توانند ؟

از آنجا ییکه حکومت ها و دولت های غیر مردمی هیچگاهی نمی خواهند به نفع ملت‌گامی بردارند و همیشه حافظ منافع طبقات حاکم و استثمار گر جامعه اند بنا هر عملی را که انجام میدهند منافع خود آنها در آن مضمر است مگر ظاهرا خود را خدمتگذار مردم‌جلوه داده‌و توده ها را می فریبند دادن حقوق و آزادی های دمو کراتیک به مردم افغا نستان فقط و فقط بروی کاغذ بود و ارتجاع سلطنتی وابسته به فیود الیزم و امپر الیزم از عملی نمود ن آن هراس داشت از جانب دیگر مشاهده جریان علنی رای اعتماد جعلیات و فریبکاری دستگاه سلطنت را در جهت تعیین سرنوشت مردم افغانستان افشاء می کرد زیرا اکثر نمایند گانی که در خانه مردم (ولسی جرگه) جمع گردیده و در مورد سر نوشت توده های ملیونی زحمتکشان ما تصمیم می گرفتند به طبقات بالایی و حاکم تعلق داشته و نوکران گوش بفرمان رژیم استبدادی سلطنت بودند و بنا بر آن دولت وقت ازین بابت سخت‌در هراس بود و تصمیم گرفت تا جریان رای اعتماد را علنی نسازد بنا بر آن از پیشروی فوج روشنفکران بسوی ولسی جرگه جلوگیری کرد از آنجایی که جنبش جوانان روشنفکر ومترقی‌درین‌مظاهرات توفنده‌توسط اعضای حزب دموکراتیک خلق افغانستان این گردان پیشاهنگ طبقه کارگر . [illegible] زحمتکشان کشورکه تازه یکسال قبل از آن تاسیس گردیده بود منظما رهبری می شد جوانان وطنپر ست و روشنفکر با شهامت ما مصمم بودند تا درجهت بدست آوردن آزادی و دموکراسی و طرد استبداد سلطنتی تا آخرین رمق برزمند این سر سپردگی و مقاومت جوانان ما کاخ استبداد را بلرزه‌در آورد که با دستپا چگی و سرگیچی تمام تصمیم گرفت تا این خواست کاملا قانونی و اصولی مردم و این ظاهرات مسالمت آمیز جوانان مترقی کشور را با سر نیزه جواب دهد قوای ژاندارم رژیم استبدادی ظاهر شاه در مقابل جوانان غیور کشور شاگردان و محصلین و همهٔ روشنفکران‌ما که جز کتاب و قلم و علم و دانش سلاحی نداشتند صف بستند و ناجوا نمردانه بسوی آنها آتش گشودند که در نتیجه خون صد ها جوان - آزادی خواه ما بروی سرک های اسفالت شده ریخت و در راه آرمان های مقدس خو یشس که جز خدمت به مردم و میهن شان چیزی دیگری نمی توانست باشد شهیدان گلگون کفن گردیدند و تراژیدی سوم عقرب بوجود آمد...

جنبش سوم عقرب‌سرآغازنضج واو جگیری، تشکل وتحرک جوانان ما بوده‌سهم شایسته جوانان در مبارزات بی امان و انقلابی در آوانی که رژیم های اختناق وترور در کشور بیداد می‌کرد ودر اثر آن فقرو خواری ،ظلم وبیعدالتی در دو مرض دامنگیر مردم عذاب دیدهٔ مابود بی نهایت بر جسته است.

خاطرهٔ شهدای سوم عقرب و قهرمانی جوانان ووطنپرستانی که در راه آرمان های پاك ومقدس شان بخاطر نجات مردم از زنجیر اسارت وبردگی وطرد ومحو کاخ استبداد رژیم های وابسته به فیودالیزم وارتجاع تاپای جان‌رزمیدند تابناك و فراموش ناشدنی است و بیانگر این حقیقت است که مردم ماتوانست دراستبداد رابه لرزه درآورد وبه او بفهماند که دیگر نمی‌تواند به شیوه قرون وسطایی حکمروایی کنند .

جنبش سوم عقرب به تجارب انقلابی در جامعهٔ ما افزوده باعث بیداری مردم ماگردید و آموخت که بدون مبارزهٔ بی امان علیهٔ ارتجاع و امپریالیزم ، پیروزی ممکن نیست.

خاطرهٔ شهدای سوم عقرب نه تنها فراموش نگردید بلکه در اذهان وقلوب جوانان مبارز وپیکار جوی ماجاودانه ماند از هر قطرهٔ خون آنان صد ها و هزار ها فرزند مبارز و انقلابی بوجود آمد وراهرو راه مقدس شان گردید .

یاد شهدای سوم عقرب نه تنها در خاطره ها زندهٔ جاوید ماند بلکه ندای انقلابی آنان که با این آهنگ‌پرشورازقبر آنها برخواست ودر گوش جان همه جوانان وطنپرست کشور طنین گردید .

گور خونین شهیدان بتو آوا دهد
آتشی را که فروزان شده خاموش مکن
مابه امید وفای توگذشتیم زجان
دوستان را مبر ازیاد وفراموش‌مکن

آری ، خاطره سوم عقرب قبل از انقلاب ثور همه ساله از طرف ح.د.خ. افغانستان در تحت شرایط استبداد و اختناق حکومت وقت چنان باشکوه تجلیل میگردید که قلب ارتجاع رابلرزه می آورد .

جنبش سوم عقرب برای جوانان پیکار جوی ماچنان الهام بخش بود که باعث تشکل و همبستگی هر چه بیشتر آنان گردیده و همچون سیل توفنده بر دژ ارتجاع واستبداد یورش میبردند و روز تا روز پایه های آنرا لرزان نموده و بطرف زوال و نابودی حتمی سوق میدادند .

انقلاب‌شکوهمندثور که در نتیجه مبارزات طولانی اصولی و منطقی خلقهای زح[illegible] تحت رهبری ح.د.خ . افغانستان به [illegible] رسید وبه تسلط نیم قرنه رژیم ا[illegible] سلطنت خاتمه داددر حقیقت آرمان ه[illegible] وپاك شهدای سوم عقرب که درراه [illegible] به آن جان های شیرین خودرا قربان [illegible] تحقق یافت ویکباز دیگر روح پاك [illegible] شاد گردانید .

خاطرهٔ سوم عقرب بعداز انقلاب ث[illegible] ثور بخصوص مرحله نوین وتکاملی [illegible] ساله طی مراسم و محافل خاص و[illegible] نسبت بگذشته تجلیل گردیده ویاد [illegible] این روز تاریخی گرامی‌داشته می شود [illegible] روز سوم عقرب یا روز همبستگی [illegible] کشور در سر تاسر افغا نستان تجلیل [illegible] ویاد قربانیان این روز سترگ گرام[illegible] شد .

جاویدباد خاطرهٔ سوم عقرب
درود پر شور برروان پاك شهدای عقرب

بقیه صفحه ٢٥

# اطفال و...

برای جلوگیر ی از این خطر ها بسیار سود مند خوا هد بود که مقررات ترافیکی به اطفال در ست تفهیم شود وعملی‌به آنها یاد آور شود که چطو ر میتوا نیم از خطر جانی در اما ن باشیم - مثلا برای اطفا ل عملی یاد داده شود که از نقاطی که خطکشی نشده باشدنباید عبور کرد.

ودیگر رنگ چراغها ی ترا فیکی که عبار ت از سه رنگ است یعنی سرخ- سبزوزرد به اطفال‌آموزانده شود .

چرا غ سر خ برای تو قف است چرا غ زرد برای احتیا ط وآماد گی وچراغ سبز - اجازه است برای عابرین، البته در صو ر تیکه علامه پیاده رو را نشا ن بد هد و اگربدون علامه پیاده روباشد برا ی راننده هاست .

((چیز مهمی که مرا عا ت آن‌برای بزرگا ن واطفا ل لازم است : اینکه حتی الامکا ن از پیاده رو هااستفاده شود و دیگر اینکه والد ین متو جه این نکته باشند که اطفا ل شا ن‌در راه مکاتب فریب کسی را نخور ندبه موقع ازخانه خار ج شده ودو باره‌به وقت معین بخانه باز گر دند که‌اکثر اطفال که گمراه میشو ند به اثر عدم اطلاع والدین در راه مکتب و خانه است که فریب میخور ند[illegible] حقیقت این خانواده ها که وظ[illegible] بردن و آوردن اطفال خو [illegible] ندارند و لی وظیفه شا ن از [illegible] مراقبت فرزندا ن سنگین تر [illegible] چه اگر اطفا ل را به حا ل خو[illegible] واگذار شوند که هر و قت د[illegible] خواست برو ند وهر و قت خو[illegible] برگردند دچار اشتباه بزرگی [illegible] اند که در حقیقت سلامت جا ن [illegible] اطفا ل خودرا به خطر اندا [illegible] اند .

وآن عده اطفا ل راکه پدر[illegible] مادرا ن شا ن به مکتب میر[illegible] حوادثی آنهارا در راه تهدید [illegible] اما این پدرا ن ومادرا ن یك [illegible] باید در نظر داشته باشندوآن[illegible] معین بردن و آورد ن اطفال [illegible] مادرا ن ویا پدرا ن که خود م[illegible] دارند وبرا ی آنکه بتوانند [illegible] به سرو کار خود حا ضر باش[illegible] اطفا ل راصبح وقتر از خوا [illegible] میکنند وبه مکتب میبر ند و[illegible] تقریبا یك سا عت زود تر [illegible] شرو ع دروس به مکتب میر[illegible] درنتیجه‌انتظا ر طو لانی برا [illegible] به صنف خسته و کسل شده [illegible] توانند که ازدروس معلمین [illegible] خوب میبرند . ویا در مو قع‌باز[illegible] چو ن پدرا ن گر فتارند و د[illegible]

ترافیك بین محل کار و مکتب‌اطفال مجبور هستند که بعد از رخصتی مکاتب درمکتب انتظا ر آمد ن پدررا بکشند، این طول مدت یعنی‌زودتر رفتن صبح ها ودیر آمد ن عصر ها اطفا ل را از نظر روا نی خسته و فرسوده می سازد این اطفـــا ل وقتی که به خانه میر سند فکرشان خوب کار نمیکند و عصبی میشوند وبه گفته ها ی معلم که‌برا یش‌وظیفه خانگی داده است اصلا متو جه نمی شوند .

البته به نظر ما یگانه راه چاره آنست که مکتب که به محل سکونت نزدیك است‌برای تحصیل وفراگرتی اطفال از آن استفاده شود .

باید گفت که توجه‌ورعا یـــت مقررات ترافیکی ازطرف‌اطفال‌هیچگا ه تنها یی نمیتواند جا ن آنها رااز خطر ها ی گوناگو ن دراما ن‌نگهدارد بلکه همکار ی کلیه رانند گا ن امری اجتنا ب ناپذیر است تا اطفا ل‌آینده کشور که ساز نند گا ن فـر دا ی میهن استند در سنین طفلی و نو ـ جوانی دراثر تصادف یا و سایـل قلیه چون گلی ، پژ مرده نکردند. چه بهتر اینکه بگـویم : زندگـی کودکان ، بگذار تا دیگرا ن هم زند گی کنند.

همانطور یکه هر یك از ما نمـی خواهیم به فرزندان ما گـزنـدی برسد و خطر ی آنها را تهدیدنماید باید این فکر را در مورد فر زندا ن دیگر نیز داشته باشیم .

باید بدانیم که هر یك از ایـــن کودکا ن مایهٔ پیو ند خانوا ده‌های دیگر هستند وکانو ن این خانواده از حرار ت وجود آنها نیرو میگیرند وکانو ن خانواده هارا گر م نگـــاه میکنند .

هر خنده وگر یهٔ ای ، سخنی ، پرسش ازسو ی اطفا ل که سا یر اعضا ی خانواده را به تلاش و امید وار میدارد وایشا ن رابرا ی آینده آماده‌میکند .نگذاریم‌که دراثرلحظه‌ای غفلت این شمع ها ی فروزا ن بـه خاموشی روند ، چرا باید به خود اجازه بد هیم که بدو ن احسا ســ مسوو لیت اشتر نك موتر را در دست بگیریم و یکباره حادثه راخلق نکنیم که گر می خانواده را به‌سردی مبد ل سازد ؟

این جمله را هر باره تکرار مـی کنم که رانند گی هر شخصی معرفی شخصیت اوست .

این همه و همه نقا ط ضعفی‌است که متاسفا نه بر خی از مشکلا ت را خلق میکند ، هنگا می کـــه پیا ده هستیم اجرا ی مقررا ت را از سوار ها میخوا هیم ووقتیکه سوارهستیم برعکس آن .

**گذشتا ندن کودکان از جاده‌های‌مزدحم وظیفه والدین است**

---

هارون یوسفی

# نامه‌یی ازسنگر

چشم بر راه منی
دل من غصه تو میداند .
من زمانیکه بهاران آید
پیش تومیایم
وزمانیکه دگر آب شود برف سپید
با بهاران امید .
پیش تو میایم

• • •

ازمانیکه مرا می‌بینی
تو بخند .
تو اگر خنده کنی ،
شاخ پر فیض بهار می‌شگفد .
تو اگر خنده کنی
دلم از شوق و امید
آتش شورو صفا می‌گیرد .

• • •

من درین جا ،
همه شب خواب ترا می‌بینم
خواب زیبایی چشمان ترا
خواب دستانیکه بر سینه من می ماندی
خواب آن لحظهٔ خوب ،
که به من قول وفا میدادی
خواب آهنگی که بر گوش دلم می‌خواندی.

• • •

ولی من ، همسر من !
اندرین سنگر پر خاطره ها
اندرین زورق زیبایی امید
راه می‌پیمایم .
راه دوریکه من وهمسفران
بهر خوشبختی مردم رفتیم .
گرچه راهیست دراز
ولی ما خوشبختم ،
که دگر خارو خسی در رهٔ ما
به سر آب نخواهد رسید .

---


مدیر مسوول : راحله راسخ خرمی
معاون : محمد ز مـان نیکرای
آمر چاپ علی محمد عثمان زاده

آدرس : انصاوی واټ جوارریاست
مطابع دولتی ـ کابل
تیلفون مدیر مسوول : ۲۶۸۴۹
تیلفون توزیع و شکایات ۲۶۸۵۹
سوچبورد مطابع دولتی ۲۶۸۵۱
تیلفون ارتباطی ژوندون ۲۱

مطبعه‌دولتی